۱۲ــ سال خوک

فروردین : واقعا" مهربان . خیرخواه . پرشور . دنبال زیبائی . دعوائی . اهل حاشا . بانمک . نظربلند . منطقی . جذاب ودلربا . پرکار . راستگو . رک و بی‌پروا . پر از جاذبه . سکسی و شهوتران . خودنما . خوش قلب . کمک رسان .

اردیبهشت : جذاب و دلربا . خوش باطن . فرشته‌خو . باوفا . مهربان . اصیل . دلپذیر . آرام و متین . مادیگرا . پرانرژی . بزرگوار . جدّی . معصوم و بی‌گناه . با خیر و برکت . صلحجو . موافق . باشخصیّت . یک انسان واقعی . دوست داشتنی .

خرداد : اصیل . دلچسب . شیرین . جسور . دوتائی . نظربلند . منطقی . روشنفکر . باهوش . پیشرو . ناقلا . باسلیقه . کمیاب . والامقام . متظاهر . پرانرژی . لوده و شوخ . مادیگرا . دلپذیر و سکسی . پشتکاردار .

تیر : نازنین . خودنما . انسان واقعی . اصیل . دلپذیر . سخاوتمند . نظر بلند . بی‌رگ . سطحی . بامحبّت . باگذشت . فرشته‌خو . ساده . بی‌آزار . رفیق پرست . خیرخواه . خوش بین . دوست داشتنی . باوفا . درویش . والامقام .

مرداد : اصیل . پراحترام . سخاوتمند . متظاهر . باگذشت . دل رحیم . شجاع . خیرخواه . لجباز . راستگو . متنفر از دروغ . باوفا . جذاب . نظربلند . دعوائی . رفیق‌باز . ناکام . بی‌پروا . بزرگوار .

شهریور : بی‌پول . زودباور . ساده . فقیر . خیرخواه . حساس . فرشته‌خو . اصیل . درسخوان . جذاب . مرتب و منظم . بدپیله . دلچسب . منطقی . وسواسی . سخاوتمند . سطحی . نظربلند . کم‌شانس . همیشه درمضیقه . نگران . خوش قلب .

مهر : جذاب و دلربا . مظلوم . پشتکاردار . دوست داشتنی . صمیمی . باسلیقه . قدرشناس . خوش باطن . حساس . باوفا . فرشته‌خو . سخاوتمند . نظربلند . خوش بین . اهل حاشا . باشرف و وجدان . خوشگل واقعی .

آبان : دوچهره . زرنگ و ناقلا . سکسی و شهوتران . بدپیله و پشتکاردار . جذّاب و دلربا . متجاوز . عاقل و دانا . رفیق پرست . پرمحبّت . درسخوان . مصمّم . هوشیار . بااستعداد . قوی . موفّق . ثروتمند . پرفکر . دوراندیش . مادیگرا .

آذر : ساده . آرام . خوب . فرشته‌خو . خوش شانس . صمیمی . خوشگذران . عاقل . خوش باطن . رفیق دوست . راستگو . سخاوتمند . نظربلند . بی‌ریا . منطقی . روشنفکر . درویش . اشتباه‌کار .

دی : زحمت کش . پشتکاردار . خیرخواه . مادیگرا . جدّی . عاشق مالکیت . دقیق . پرطاقت . پربرکت . رفیق باز . راستگو . فعّال . محتاط . اصیل . کاسب . شوخ . حرف‌شنو .

بهمن : کارآمد . متوازن . موفّق . خیرخواه . انسان واقعی . روشنفکر . کمال گرا . صمیمی . زیبا پسند . والا مقام . بی‌ریا . با حس ششم . اهل حاشا . زیرک و ناقلا . خوشرو . نرم و لطیف . موافق . صلحجو . رفیق باز . کمک رسان . خوش باطن .

اسفند : انسان خوب . خیرخواه . فرشته‌خو . خوشگل پسند . زیرک و ناقلا . کمک رسان . با حس ششم . فیلسوف پرست . صلحجو . بی‌رگ . کاردان . سودجو . کمال گرا . پراحترام . ضعیف . خوش قلب و مهربان . اهل سکس و شهوترانی .

(واژه نامه کیهانی)

(الف)

اخترشناسی	Astronomy
اخترفیزیک	Astrophysics
ارتفاع	Altitude
استوا آسمانی	Celestial Equator
آسمانسنگ	Meteorite
اعتدال بهاری	Vernal Equinox
اعتدال پائیزی	Autumnal Equinox
افق	Horizon
اکلیل نگار خورشیدی	Coronagraph
انقلاب تابستانی	Summer Solstic
انقلاب زمستانی	Winter Solstic
اورانوس	Uranus
امرأة المسلسله	Andromeda
اوج (بلندی)	Apogee
ابری (سحاب)	Nebula
اختلاف منظر	Parallax
آبکره	Hydrosphere
آتشفشان	Volcano
اجرام فلکی	Celestial Bodies
آذرخش	Bolt
امواج اولیه	Primary waves
امواج ثانویه	Secondary Waves
امواج درونی	Interior Waves
امواج زمین لرزه	Seismic Wave
امواج سطحی	Surface Wave
انرژی خورشیدی	Solar Energy
انفصالی	Discontinuity
اَهِلّه قمری	Phases of the Moon
ابرغول	Super Giant
ابرنواختر	Super Nova
ابط‌الجوزا	Betelgeuse
اثر دوپلر	Doppler Effect
اخترشناس	Astronomer
اخترنما	Quasar
اسپین (فرفره ــ میخ)	Spin
اسد	Leo
اصل کیهانشناسی	Cosmological-Principle
انفجاربزرگ	Big Bang
انیشتن	Einstein
آثار گرما	Thermal Effect
آونگ فوکو	Foucault's-Pendulum
آهنگ	Rate
اتساع	Dilation
اتساع زمان	Time Dilation
اثیر	Ether-Aether
استحاله عناصر	Transmutiation
اشعه	Ray
اشعه بتا	Beta-Ray
اشعه کیهانی	Cosmic Ray
اصل بقاء	Conservation-Principle
اصل متعارفی	Axiom-Principle
اصل نسبیّت	Relativity Principle
اصل هم‌ارزی	Equivalence principle
الکترومغناطیس	Electromagnetic
القاء	Induction
انبساط هابلی	Hublle's-Expansion
انتشار	Propagation
انتقال (برگردان)	Translation
انتگرال	Integral
انحراف	Deflection
انحناء	Curvature
اوج خورشیدی	Aphelion
ایدرودینامیک	Hydrodynamic

(ب)

بار	Charge
بردار	Vector

بسامد (تناوب) Frequency
بقاء ماده Conservation of Mass
بیضوی Ellipsoid
بی‌نهایت Infinity
بر زانو نشسته Hercules
برنده سر دیو Perseus
برجیس (مشتری) Jupiter
بهرام (مریخ) Mars
باستان شناسی Archoeology
بدر Full Moon
برزخ Isthmus
بادخورشیدی Solar Wind

(پ)

پوسته Crust
پیش سیاره‌ای Proto Planetary
پدیده Phenomenon
پوسته سلول Cell Crust
پارسِک Parsec
پلوتون Pluto
پارامتر Parameter
پنج تائی Quintet
پولاریس Polaris
پادماده (ضدماده) Antimatter
پایداری Stabillity
پتانسیل Potential
پژواک Echo
پیام Signal
پیوستگی Continuity

(ت)

تاج خورشیدی Corona
تیر (عطارد) Mercury
تابع Function
تبدیل لورنتس Lorentz-Transformation
تجزیه Disintegration
تداخل Interference
تدوین کردن Formulate
تشدید Resonance
تشعشع (تابش) Radiation
تطابق Coincidence
تعمیم Generalization
تغییر Variation
تقارن Symmetry
تنش Stress
توزیع Distribution
تازیها Canes Venatici
تغییرمکان سرخ Red Shift
تپنده Pulasting
تشعشات کیهانی Cosmic Rays
تقدیم اعتدالین Preccession-of the Equinoxes
تکامل Evolution
تگرگ Hail
تَل Drumlin
تندباد Gale
تنوره آتشفشان Diamond Pipe
توارث Heredity
توفنده Hurricane
تئوری Theory
تفرّق Differentiation
تئودولیت Theodolite
تلسکوپ Telescope

(ث)

ثقل Gravity
ثقل زمین Gravity of the Earth
ثور (گاو) Taurus
ثابت Constant
ثقیل Ponderable
ثوابت Fixed Stars

(ج)

جای اثیر	Ether Drift
جاذبه	Attraction
جاذب	Attractive
جذب	Absorption
جرم (ماده)	Mass
جرم نقطهای	Point Mass
جسم	Body
جسم صلب (سخت)	Rigid Body
جفت	Pair
جمع (جمعیت)	Population
جهان	Universe
جدائی	Separation
جنین ستارهای	Stellar-Embryos
جاثی	Hercules
جوّ	Atmosphere
جریان	Current
جابجائی	Decalage

(چ)

چرخش	Cycle
چگالی	Density
چشمی	Ocular
چاله	Kettle
چرخش زمین	Rotation
چینه	Stratum
چگالی بحرانی	Critical Density
چسبنده	Viscous
چشمه	Source
چهاربردار	Four-Vector
چهارچوب	Frame
چهاروجهی	Tetrahedron

(ح)

حالت	State

حرکت	Motion
حرکت تقدیمی	Precession
حرکت وضعی	Rotation
حرکت انتقالی	Revolution
حرکت یکنواخت	Uniform Motion
حضیض خورشیدی	Perihelion
حلقه	Ring
حوزه	Domain
حرارت هستهای	Termonuclear
حضیض (کوتاه)	Perigee
حرکت هلالی (انتقالی)	Sidereal
" " "	Synodical

(خ)

خورشید	Solar
خورشید	Sun
خزندگان	Reptiles
خسوف	Eclipse
خورگرفت (کسوف)	Eclipse of the Sun
خوشه	Cluster
خوشه باز	Open Cluster
خوشه کروی	Globular Cluster
خوشه ستارهای	Star Cluster
خوشه کهکشان	Galaxy Cluster
خروج از مرکز	Eccentricity
خود انرژی	Self Energy
خط مبنا	Base line
خرچنگ	Crab

(د)

دامنه	Amplitude
درجه	Degree
دستگاه مختصات	Coordinate System

دفع	Repulsive
دنیا	World
دوران	Rotating
دوران	Rotation
دوره تناوب	Period
دینامیک	Dynamics
دایرة البروج	Ecliptic
درخشندگی	Luminosity
دب اکبر	Ursa Major
دب اصغر	Ursa Minoris
دجاجه	Cygnus
دلو	Aquarius
دوپلر	Doppler
درخشش	Flash
دما	Temprature
دوران	Era
دیوباد	Dust Storm
دستگاه	System

(ذ)

ذات الکرسی	Cassiopeia
ذرّه	Particle
ذهنی	Subjective

(ر)

رتبه	Rank
رسانا	Conductor
رشته	Series
رصد	Observation
رصدخانه	Observatory
روزنجومی	Astronomical day
رویداد	Event
رادیواختر	Radio Astronomy
راه شیری	Milky Way
رده	Class
رقص محور	Nutation
رنگین کمان	Rainbow
روزگار	Eon
رنگین‌کره	Chromosphere
روزانه	Diurnal
روز خورشیدی	Solar day
روز نجومی	Sidereal day

(ز)

زحل (کیوان)	Saturn
زمین (ارض)	Earth
زهره (ناهید)	Venus
زمین سنجی	Geodesy
زنجیری	Chain
زلزله	Earth Quake
زمین شناسی	Geology
زیست شیمی	Biochemy
زیست فیزیک	Biophysic
زمان گونه	Time like
زمان ویژه	Proper time
زمانی (موقت)	temporal
زمینی	terrestrial
زیرفضا	Subspace

(ژ)

ژئودزیک	Geodesic
ژرف	Shelf

(س)

ساخت	Structure

ساعت اتمی	Atomic clock
ساعت سزیمی	Cesium clock
ستاره‌ای	Stellar
ستاره متغیر	Variable star
سحابی	Nebula
سرعت حدّ	Limiting Velocity
سرعت زاویه‌ای	Angular Velocity
سرعت نسبی	Relative Velocity
سقوط‌آزاد	Free fall
سکون	Rest
سیارک	Asteroid
سینماتیک	Cinematic
ستاره دنباله‌دار	Comet
سماک رامح	Arcturus
سنبله	Virgo
سوسمار	Lacertae
سیاره	Planet
سیاهچال	Black Hole
سال نوری	Light year
ستاره	Star
سنگواره	Fossil
ستاره دوتائی	Binary stars
سَمت	Azimuth
سمت‌الرأس	Zenith
سمت القدم	Nadir

(ش)

شراره خورشیدی	Flare
شفق قطبی	Aurora
شهاب	Meteorite
شلیاق	Lyra
شاقول	Plumb Line
شعرای یمانی	Sirius
شجاع	Hydra
شش تائی	Sextet
شار	Flux
شتاب	acceleration
شدت	Intensity
شیئ	Object

(ص)

صفحه	Plane
صفر	Nul
صلب	Rigid
صورت بندی	Formulation
صورت فلکی	Constellation
صورت فلکی پیراقطبی	Circumpolar „

(ض)

ضربه	Impulse

(ط)

طیف سنجی	Spectrometer
طول جغرافیائی	Longitude

(ع)

عرض جغرافیائی	Latitude
عطارد (تیر)	Mercury
عیّوق	Capella
عالم	Universe
عصر	Age
عقرب	Scorpius
عقرب	Scorpion
عوا	Bootes
عنصر	Element

(غ)

غول (هیولا)	Giant
غول	Algole
غبار کیهانی	Cosmic Dust
غلاف	Cereals

(ف)

فام سپهر	Chromosphere
فهرست	Catalogue
فرسایش	Erosion
فرضیه	Theory
فضا	Space
فلات	Shelf
فوتون	Photon
فرکانس	Frequency
فشار	Bar
فضا ــ زمان	Space-time
فضاتهی	Empty space
فضامنحنی	Curved space
فضا مینکوفسکی	Minkowski space
فیزیک	Physic

(ق)

قانون	Law
قضیه	Theorm
قیفاووس	Cepheid
قلب‌العقرب	Antares
قنطورس	Centaurius
قوس	Sagittarius
قاره	Continental
قطب	Pole
قطب‌نما	Compass
قمر	Moon

(ک)

کرانه	Bound
کسوف کلی	Total eclipse
کنش	Action
کوتوله سفید	White dwarf
کهکشان	Galaxy
کیوان (زحل)	Saturn
کیهانشناسی	Cosmology
کپک	Mold

(گ)

گرانش	Gravitation
گروه	Group
گالیله	Galileo
گردش	Rotation
گوی آتشین (آتشگوی)	Fire ball
گاهنامه	Calender
گرا	Azimuth

(ل)

لکه خورشیدی	Sun spot
لبه	Brink
لیزر	Laser

(م)

ماند	Inertia
متقارن	Symmetrical
متناهی	Finite
مدل	Model
معادله	Equation
مکان (وضع)	Position
مکانیک	Mechanic

منظومه شمسی	Solar System
موهوم	Imagine
مارپیچی	Spiral
مارپیچ مسدود	Barred Spiral
مافوق صوت	Supersonic
متغیر	Variable
متغیرقیفاووسی	Cepheid Variable
مِسیه	Messier
مقیاس کیهانی	Cosmic Scale
موج تکان دهنده	Shock Wave
موج چگالی	Density Wave
میان سیاره	Interplanet
میدان مغناطیسی	Magnetic Field
میکروویو	Microwave
مایه (زمینه)	Background
مینکوفسکی	Minkowski
ماه	Moon
ماه قمری	Lunar Moon
ماهواره	Satellite
محاق	Wane of the Moon
مدار	Orbit
مدار رأس السرطان	Tropic of Concer
مدار گردش زمین	Orbit of the earth
مرداب	Lagoon
مرکز زلزله	Epicenter
مریخ (بهرام)	Mars
مشتری (برجیس)	Jupiter
مواد کانی	Minerals
موجود	Organism
مه	Fog
مهتاب	Moon light
ماهنورد	Lunnar Craft
میانکره	Mesophere
منطقة البروج	Zodiac
میل	Declination

ممسک الاعنه	Auriga
مقارنه	Conjunction
میزان	Size
منعکس کننده	Reflector

(ن)

نجوم	Sidereal
نپتون	Neptune
نواختر	Nova
نقطه اعتدال	Equinox
ناهید (زهره)	Venus
نصف النهار	Meridian
نجوم	Astronomy
ناودیس	Syncline
نسرواقع	Vega
نسیم	Breeze
نظریه	Theory
نیروی ثقل	Gravity Force
نسبیت	Relativity
نیوتون	Newton
نیروی گریز ازمرکز	Centrifuge

(و)

واقعیت فیزیکی	Physical reality
واکنش	Reaction
واکنش هسته‌ای	Nuclear Reaction
وضع	Position
واحد	Unit

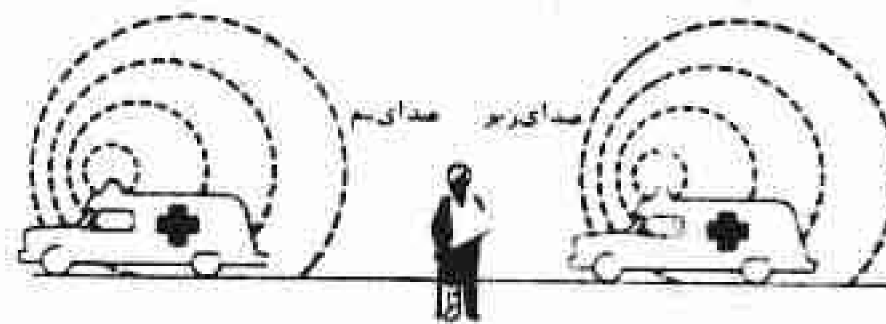
(هـ)

هواشناسی	Aerology
هلال ماه	Crecent of the Moon

هابل	Hubble
هالی (هیلی)	Halley
هِرشل	Herschel
هیئت	Corpses
هیدرژن	Hydrogen
هم‌ارز	Equivalent
همگن	Homogeneous
هندسه	Geometry

(ی)

یکنواخت	Uniform
یخچال	Glacier
یونکره	Ionosphere
یگانگی	Monoistic
یخ	Ice



صندوق پستی ۱۹۴-۱۶۳۱۵ تهران

www.telasm.com

«مهمّات کتاب، فوق اندیشه، اتم، زیور و زینت کتاب»

* * *

فرق نجوم با علوم دیگر ** هیچ دانشی در جهان از علم نجوم متنوع و متغییرتر نیست زیرا به خیر و برکت موشکهای جدید و دستگاههای مدرن و مجهز مخابراتی کلیه اطلاعات و اعداد و ارقام و فرمولهای نجومی و فضائی روز بروز و حتی ساعت بساعت در حال تغییر بوده و مشخصات آنها مرتب عوض می‌شوند، باید دانست در جهان هیچ چیز دلیل بر چیز دیگر نمی‌شود، مثلاً فضاپیمای ویجر امریکائی که سالها در فضای منظومه شمسی در حال تحقیق است اطلاعات جدیدی بزمین مخابره کرده که تعداد اقمار مشتری و زحل و اورانوس به ۱٦ و ۱۷ و ۱۵ عدد رسیده است و همچنین در سالهای اخیر بعضی از اخترشناسان فرضیّات جدیدی ارائه داشته‌اند که بد نیست شما هم بدانید:

۱ ــ چندین منظومه دیگر که با گاز و غبار فضائی مثل زمین شروع به تکوین هستند اطراف ما مشاهده شده که در آنها آثار حیات نیز دیده می‌شود و نزدیکترین ستاره بخورشید ستاره **پرکسیما** از صورت فلکی سنتور بفاصله ٤ سال نوری از ما می‌باشد «آلفاقنطورس». قبلاً حدس می‌زدند بعلت نیروی جاذبه زایمان انجام می‌گیرد ولی موش حامله بصورت معلّق در فضای بی وزنی وضع حمل نمود و نوزاد خود را که در فضا غلت می‌زد در آغوش کشید. چون در داخل سفینه در فضای بی وزنی و بدون جاذبه ترازو کاربردی ندارد لذا برای اندازه گیری جرم جبری جسمی باید بآن یک نیروی معین وارد ساخت و بعد از اندازه گیری شتاب ایجاد شده از فرمول «شتاب × جرم = نیرو» مقدار جرم آنجسم را پیدا کرد.

مهّم * بعلت بی وزنی و گیج ماندن در فضا رنگ کف سفینه ها را سفید انتخاب می‌نمایند.

۲ ــ چون اطراف زمین را جوّ و گرد و غبار فراگرفته است لذا تلسکوپهای زمینی قادر به رویت و تشخیص کامل ستارگان نمی‌باشند ازینرو کشورهای امریکا و انگلیس و هلند در سال ۱۹۸۳ میلادی یک تلسکوپ بسیار قوی در مدار زمین قرار داده‌اند تا ستارگان را رصد نموده و بزمین مخابره نماید، با این تلسکوپ می‌توان نور و حرارت و مشخصات ستارگان دوردست را معلوم ساخت، بطوریکه تاکنون در حدود ٤۰ ستاره با این وسیله شناسائی شده است. اشمیت می‌گوید کره مریخ تنها سیاره ایست که بعد از زمین می‌تواند مسکون باشد زیرا هم بزمین نزدیک بوده و هم آثار حیات و آب و معادنی مثل کره زمین در آن یافت می‌شود. اجسام یا متحرکند یا ساکن و یا شبه‌ساکن، اگر جسمی دارای سرعت یکنواخت و مستقیم باشد شبه‌ساکن نامیده می‌شود زیرا حرکت وجود دارد ولی شتاب آن صفر است.

۳ ــ در تاریخ ٦۵/٦/۱ ایرانی دو نفر از ستاره‌شناسان دانشگاه کامبریج لندن در رصدخانه استرالیا که در نیم کره جنوبی قرار گرفته است به چند **کواسار** یعنی کهکشان فشرده برخورد کردند که در فاصله ۲۰ میلیارد سال نوری از ما قرار داشته و بقول آنها نور قرمز از خود ساطع می‌نمایند، آنها

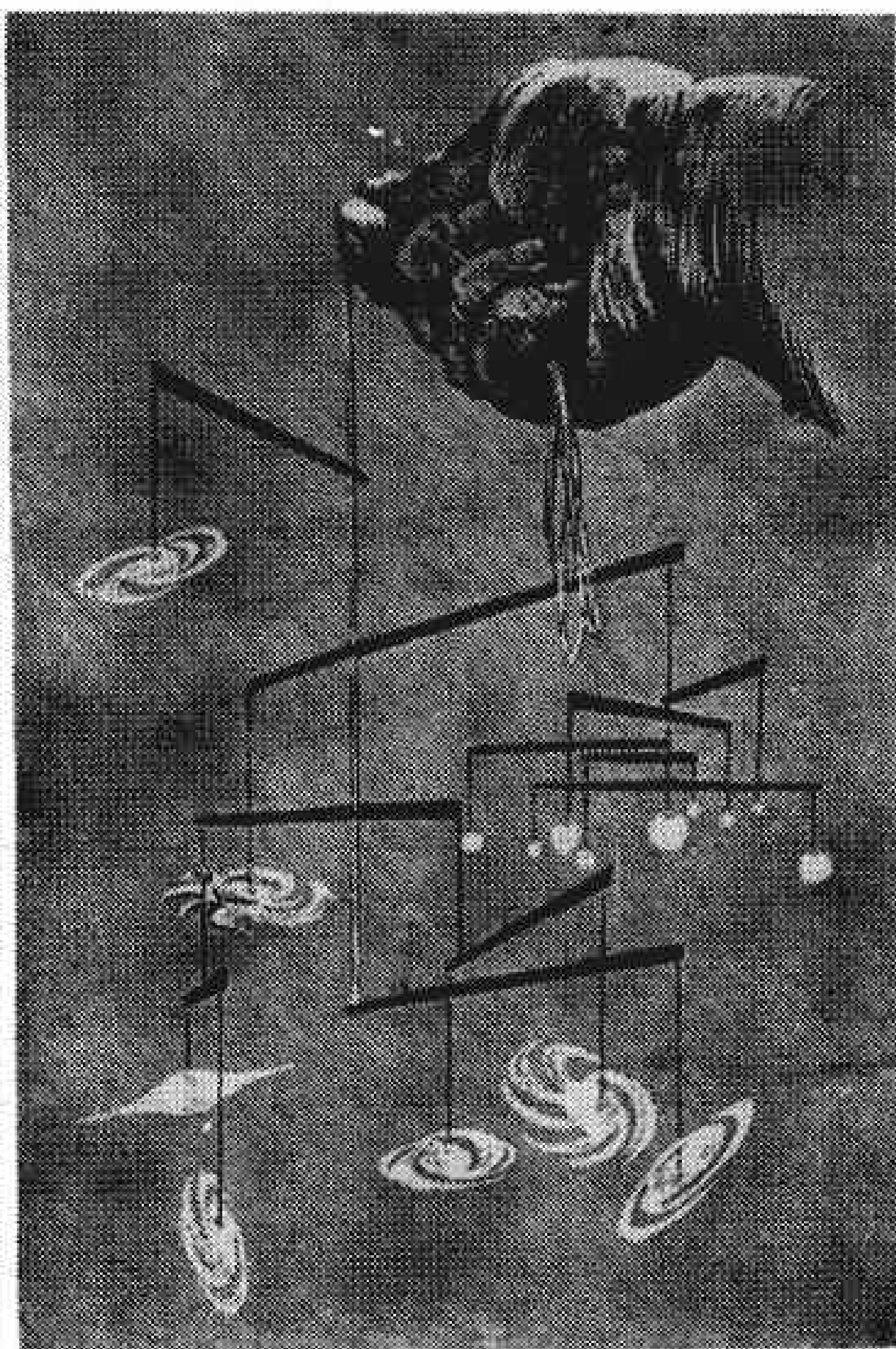
اکنون به لبه انتهای فلکی جهان رسیده‌اند، بطوریکه جلوتر از آن جرم سماوی دیگری یافت نمی‌شود و در آن منطقه هنوز خلاء می‌باشد. آنها این موضوع را با مسابقه دوصدمتر زیر ۱۰ ثانیه مقایسه کرده‌اند، زیرا هرکدام جلوتر است سرعتش نسبت به عقبی بیشتر خواهد شد، یعنی اگر انفجار بزرگ جهان ۲۰ میلیارد سال پیش باشد آنها اولین اجرام سماوی هستند که جلوتر از همه بانتهای دنیا رسیده‌اند. انفجار بزرگ جهان فرضیه **لومتر** است که ژرژ گاموف طرفدار آنست و در لحظه 10^{-43} ثانیه که کوچکترین زمان حادثه در جهانست رخ داده و از آن پس ماده شروع به پیدایش نموده، یعنی لحظه‌ایکه چیزی بی‌شکل بصورت باشکل و اجرام سماوی درآمده است. طبق اصل کیهانشناسی باید فضا فاقد هرگونه لبه و یا مرکز بوده و در همه جا همگن و متجانس باشد ولی بعقیده من این برای جهان ما می‌باشد زیرا در انتهای دوردست جهان بجائی می‌رسیم که فضا هست ولی ستاره‌ای یافت نمی‌شود و بالاخره اگر میلیاردها میلیارد سال نوری به مسافرت خود ادامه دهیم به جهانهای دیگری خواهیم رسید که رنگ ستارگان شاید سبز و بعد زرد و سپس نارنجی و حتی قرمز شوند، و همچنین فواصل و اجرام و شکل و فرم آنها با این ستارگان موجود اختلاف فاحشی داشته باشند. حال تعجب نکنید و سرتان هم دود نکشد زیرا می‌خواهم بشما بگویم که میلیاردها میلیارد از این جهانها در **«جهان بزرگ مطلق هستی موجود»** وجود دارد که ما هیچگونه اطلاعی فعلاً دربارهٔ آنها نداریم.

٭ ٭ ٭ ٭ ٭

راز کهکشانها ٭٭ می‌دانید علت و راز حرکت کهکشانها چیست؟ اکنون کرات درجای اصلی خود قرار نگرفته‌اند زیرا اگر آنها حس داشتند از نیروی جاذبه و دافعه یکدیگر رنج می‌بردند و می‌خواستند که بیک فضای خنثی وراحتی در جایجای جهان برای آسایش خود فرورروند لذا این حرکت و راز بدان معنی می‌باشد و روزی فرامی‌رسد که اینکار انجام خواهد شد و کرات آنقدر از همدیگر فاصله می‌گیرند و دور می‌شوند تا بتوانند برای ابد راکد و خنثی باقی بمانند. حجم این فضای لایتناهی جهان آنقدر بزرگ است که برای محاسبه وزن مخصوص متوسط فضائی آن چه جرم کلیه کهکشانها را بحساب بیاوریم و چه نیاوریم نتیجه وزن مخصوص آن یکی خواهد شد.

متافیزیک ٭٭ ارسطو اولین شخصی بود که به مقام علوم ماوراء الطبیعه در جهان پی برد او معتقد بود که کلیه علوم طبیعی جهان تحت تأثیر نیروهای ماوراء الطبیعه می‌باشند، علم یعنی دانستن و علوم یعنی دانستنیها و علوم ماوراء الطبیعه یعنی دانستن هستی های مطلق در جهان. عالم یک علم می‌داند ولی عارف چند علم، حکیم قوه درک بسیار دارد ولی عالم مغزش پر است، حال عالم و عارف و حکیم باتفاق قادرند به علوم ماوراء الطبیعه در جهان دسترسی پیدا نمایند. قرنها طالع متافیزیک بود ولی از این پس برای شما فیزیک محسوب می‌شود. بعضی ها باشتباه جسم را فیزیک و روح را متافیزیک می‌گیرند، ما بطور ساده مرکز نیروهای محرکه روانی و عضلانی و تصمیم گیری را روح می‌نامیم، وقتی انسان می‌میرد روحش فوت کرده زیرا جسمش چند لحظه قبل و بعد از مرگ یکی است. ما برای اولین بار در این کتاب سعی کردیم تا چند مطلب متافیزیکی را از فرم خارج ساخته و آنها را بصورت فیزیکی ارائه دهیم.

نیروی مرموز و مجهول ** من معتقدم که برنامه های طبیعت کورکورانه و بدون حساب و کتاب نیست زیرا حرکت ستارگان و باز و بسته شدن میلیاردها خوشه کهکشان طبق یک نظم خاصی صورت می‌گیرد و باید یک نیروی عظیم جهت کنترل و نظم حرکت آنها وجود داشته باشد درغیر اینصورت جهان برروی‌هم فروخواهد ریخت، فقط محل و مبداء و مقدار و طرز عمل آن نیرو معلوم نیست. جهان دارای ظاهر و باطن است، ظاهر جهان را بطور عینی مشاهده می‌کنیم ولی باطن آن همان عمق وجود جهان هستی مطلق و یا دنیای اکبر است، مرگ موجودات برای ظاهر جهان مخفی ولی برای باطن جهان آشکار خواهد بود. پیوسته طبیعت به دنیای علم و دانش و مسائل متافیزیکی پوزخند می‌زند و همه چیز را بباد مسخره می‌گیرد زیرا خود طبیعت که طبق یک برنامه حساب شده و دقیقی جلو می‌رود دلیل آنرا می‌داند ولی درین باره سایرین خنگ هستند و نمی‌دانند، تازه علم و قانون قراردادی بوده و منحصر بانسانست. شاید علم و ابتکارات بعضی از موجودات عالم بالاتر از دانش بشری باشد کسی چه می‌داند. چون نیروی طالع در مرگ انسانها دخالت دارد لذا می‌توان با یک محاسبه دقیق و طولانی که فقط مقدور سلاطین است زمان آنرا پیش بینی کرد. بطوریکه اگر تاریخ فوت پدر و پدرجدان و مادر و مادرجدان شخص معلوم گردد که در کدامین ماه و سال حادث



در گوشه نامعلومی از جهان یک نیروی عظیم و مرموزی برای حفظ تعادل جهان نهفته است.

گردیده‌اند و همچنین نحوه مرگ آنها معلوم شود که به‌چه صورت انجام گرفته آیا طبیعی بوده یا حادثه، در خانه بوده یا در سفر، در جوانی بوده یا در پیری، در جنگ بوده و یا بهنگام صلح آنوقت می‌توان از روی جدول تنظیمی به تاریخ و نحوه فوت شخص پی برد. باید دانست در اقوامیکه انواع سرطان و سکته و امراض کشنده دیگر سابقه دارد محاسبه فوت ساده بوده و هیچگونه ارزش علمی نخواهد داشت، ولی از آنجائیکه مرگ طبیعی و حتمی و عمومی می‌باشد ازینرو شیرینی زندگی به ندانستن و مجهول بودن تاریخ آن می‌باشد (صفحه ۴۲۸) «مرگ اگر مرد است گو پیش من آی — تا در آغوشش بگیرم تنگ تنگ».

تغییر ماهیّت یعنی مرگ ** علم پزشکی بجایی رسیده است که می‌توان با واکسن کلیهٔ اعضاء بدن خود را تا پایان عمر نگاه داشت حتی مو و دندانها، و همچنین در آینده می‌توان تا ۱۸۰ سال عمر کرد ولی تغییر ماهیّت یعنی مرگ، انسان در هوا و ماهیان در آب زندگی می‌نمایند حال اگر جای ایندو عوض شود هردو خواهند مرد، پس هرکس باید خودش باشد و بس وگرنه در اثر تغییر ماهیّت از بین خواهد رفت.

شتاب فکری ** برای حصول و راندمان بیشتر از اشخاص باید بطریقی به مغز آنها شتاب وارد ساخت تا بتوانند رستاخیز و قیام کرده و کاری را انجام دهند و یا به عمق مسائل پیچیده در جهان پی ببرند، وگرنه با این فکر یکنواخت خرگوشی و بدون شتاب نمی‌توان هیچ نوع کار مهّمی درجهان انجام داد. آیا راندمان شخص در بستر خواب و میدان جنگ یکی است؟ تلقین، ورزش، سخنرانی و بالاخره تحریک و تبلیغ از جمله شتابهای فکری می‌باشند که می‌توان باشخاص اشاعه داد و کاری از آنها بدست آورد. مثلاً تشویق در مسابقات ورزشی فوق‌العاده مؤثر بوده و با شتاب فکری ناشی از آن می‌توان تیمی را بر دیگری غالب و پیروز ساخت و یا از طریق تلقین و شتاب فکری در هیپنوتیزم می‌توان شخص را بخواب مغناطیسی فروبرد و از آن حرف کشید. در فتح هندوستان نادرشاه به یکی از سربازان غیور خود که خوب شمشیر می‌زد گفت تو آنوقت کجا بودی که محمود افغان ایران را گرفت؟ گفت قربان من آنجا بودم ولی تو نبودی!!

انسان در حدّ متوسط است ** اگر انسان را موجودی متوسط درنظر بگیریم آنوقت با توجه بفرضیّه نسبیت می‌توانیم به‌دنیای بی نهایت کوچکها ودنیای بی نهایت بزرگها دسترسی پیدانموده وبه اختلاف فاحش آندو پی ببریم، مثلاً وزن مخصوص فضا $۱۰^{-۳۰}$ و وزن مخصوص ستاره نوترونی $۱۰^{۲۰}$ بوده که اختلاف آندو $۱۰^{۵۰}$ می‌شود و یا فاصله زمین تا ماه حدود یک ثانیه و فاصله زمین تا کواسارهای دور دست برابر ۲۰ میلیارد سال نوری بوده و یا فاصله الکترون تا پروتون $۱۰^{-۱۸}$ سانتیمتر است که اختلاف این فواصل سرسام‌آور می‌گردد. همچنین طول عمر بعضی از ذرّات نوروموزون مو یک ملیونیم ثانیه بوده و طول عمر سیکل طبیعت ۶۰ میلیارد سال تخمین زده شده است که اختلاف آنها وحشت‌آور می‌باشد. حال که به نسبت بین دنیای بی نهایت کوچکها و دنیای بی نهایت بزرگها پی بردیم بد نیست که اجزاء ثانیه را هم بدانیم، میلی ثانیه برابر $۱۰^{-۳}$، میکرو $۱۰^{-۶}$، نانو $۱۰^{-۹}$، پیکو $۱۰^{-۱۲}$ ثانیه می‌باشد.

گذشت و لختی زمان ** قضاوت در مورد حوادث و اتفاقات در لحظه اول پیچیده و گنگ بوده و درک آنها مشکل و گاهی غیرممکن بنظر می‌رسند ولی در اثر گذشت زمان همه چیز حل شده و معلوم می‌گردند، گذشت زمان خود حلاّل کلیه مصاعب و مشکلات جهان می‌باشد، من معتقدم مشکلی نیست که در اثر گذشت زمان حلّ نشود، لذا پیوسته باید سعی نمود تا برای رفع مشکلات لاعلاج خود متوسل به مرور زمان شویم. همگی طعم پشیمانی گذشته و نگرانی آینده را چشیده‌ایم ولی این طعم و مزه در سنین مختلف یکسان نیست، مثلاً انسان هرقدر پیرتر می‌شود بهمان اندازه خِنگ‌تر شده و زمانرا راحت‌تر می‌گذراند بطوریکه یک شخص پیر قادر است مدت یکسال را براحتی و روانی یک ماه در جوانی خود بگذراند که آنرا لختی زمان نیز می‌گویند (صفحه ۳۷۹).

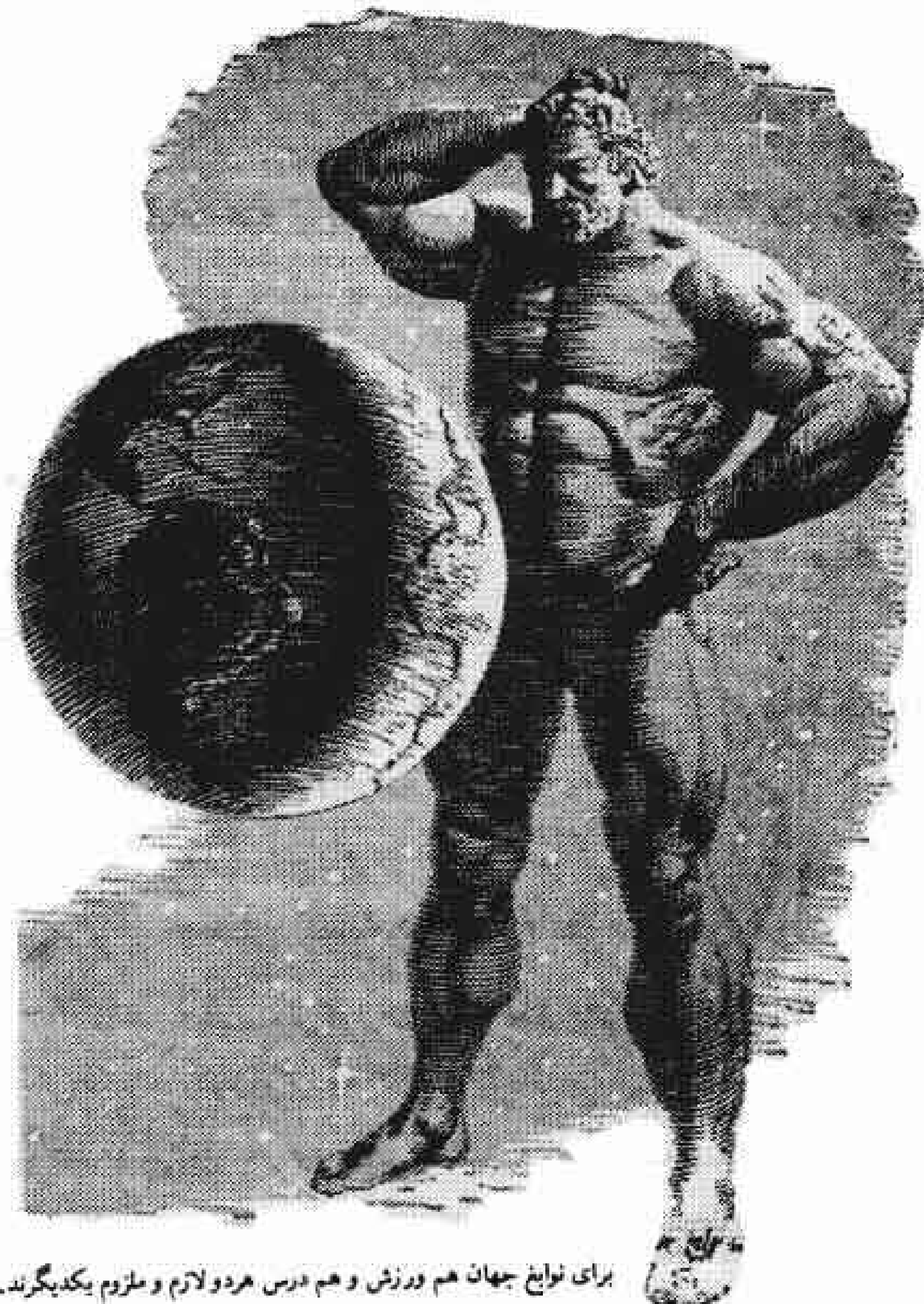
* * *

افراط یا سادیسم ** عقده و سادیسم انواع بسیار دارد، افراط یکی از آنهاست، هر چیزیکه از حدّ معمول خود بگذرد به افراط و سادیسم مبدّل می‌شود، مثلاً رقابت و حسادت و خشونت و مبارزه و تظاهرات و بالاخره حیله و نیرنگ هم حدّ و حدودی دارد که اگر از آن بگذرد به عقده و سادیسم تبدیل شده که فرد ایجاد نفرت در سایرین می‌نماید. هرجا که جنگ و دعوا و قیام و آشوبست به ترتیب باید پول و تعصب و سیاست و عقده را سراغ گرفت. عده‌ای می‌گویند نازکردن و یا منّت کشیدن غریزه است ولی من می‌گویم آنهم یک نوع افراط و سادیسم است، من به جوانان توصیه می‌کنم آنقدر ناز نکنید زیرا هرکس در جوانی نازکند در پیری پشیمانی و حسرت آنرا خواهد کشید، می‌گوئید نه؟ حالا امتحان کنید!! (متولدین شهریور، مهر، آبان). همیشه برای قیاس و سنجیدن مطالب بهتر است که در ذهنتان خود را بجای طرف مربوطه قرار داده و بعد قضاوت کنید و یا طرف را بجای خود گرفته و آنگاه قضاوت نمائید تا بتوانید به واقعیت نزدیک شده و یا به آن پی ببرید.

* * *

قهر و تابلو طبیعت ** قهر یعنی زور، حال می‌گویند طبیعت قهّار است یعنی آن زورگوست، بشر با تمام تمدن و پیشرفتش بازدر مقابل طبیعت و حتی عوامل جوی صفر و یا ناچیز است. مثلاً مقاومت بشر در مقابل سیل، طوفان، زمین‌لرزه و آتش‌فشان آنقدر ناچیز است که مثل یک ارزن بکوه می‌ماند. عده زیادی از دانشمندان و فضانوردان بعلت عظمت طبیعت جهان‌مدار گشته‌اند. از من بشما نصیحت که خودتان را با شاخ گاو در نیاندازید و آنقدر با طبیعت کلنجار نروید و سربسرش نگذارید و سعی کنید مطابق میلش رفتار و در جهت خوابش شنا کنید، زیرا در غیراینصورت شما را له کرده و نابود می‌سازد «هرچه پیش آید خوش آید». بشر باتمام ترقیات و پیشرفتش باز در مقابل عوامل جوی و طبیعت مثل پر کاهی در اقیانوس است، مختصراً سیل مرداد ماه ۱۳۶۶ تهران و زلزله ۱۳۴۰ بوئین‌زهرا و آتش فشان کوه وزودر ایتالیا را بخاطر بیاورید و بعد قضاوت نمائید. می‌دانیم زیباترین تابلوی جهان طبیعت است زیرا وقتی از نیل آرمسترانگ سئوال شد که بهترین منظره‌ایکه در عمرتان دیدید کدامست؟ گفت آن تابلوی زیبائی بود از شکل کره زمین که از میان راه ماه دیده می‌شد.

هم ورزش و هم درس ★★ متأسفانه در کشور ما رسم براینست که کودکان را یا درس‌خوان و یا ورزشکار تربیت می‌نمایند، درصورتیکه می‌توانیم آنها را هم ورزشکار و هم درسخوان و شاگرد اول بار آوریم، این فن را هنر آموزش فکری و پرورش بدنی می‌گویند، مثلاً **فیثاغورث** هم نابغه بود و هم قهرمان المپیک آنزمان یونان و یا ارنست همینگوی و جک لندن و تولستوی هم قهرمان ورزش بودند و هم نابغه درسی زیرا ورزش و تفریحات سالم آنقدریکه برای فکر مفید هستند برای جسم مفید نیستند، از قدیم گفته‌اند عقل سالم در بدن سالم است. معلمین خوب می‌دانند در کلاس دو نوع شاگرد وجود دارد، اول آنهائیکه فقط درسشان خوبست ولی از نظر بدنی ضعیف هستند، دوم آنهائی هستند که درسشان ضعیف بوده ولی از نظر ورزش و قدرت بدنی عالی هستند. حال اگر شاگردی بندرت پیدا شود که هم ورزشکار و هم درسخوان باشد واقعاً در آینده عالی و بی نظیر خواهد شد، ورزش برای شخص هدف و پیشرفت، سلامتی و تندرستی، خوش اخلاقی، وفاداری، خوش بینی، پاکی از نظر سکس و مادی، راستگوئی و صداقت، و بالاخره مقاومت و پایداری آورده و باعث افزایش راندمان همه‌چیز در شخص می‌گردد. ورزش دشمن اعتیاد و قمار و فساد و فحشا و دروغگوئیست درصورتیکه درس خالی فقط فکر را بالا می‌برد و بس. همچنین اگر نمرات کارنامه محصلی بین ۱۰ تا ۱۲ بود بدانید نبوغ در نهاد این شاگرد نیست ولی اگر نمراتش بین ۱ تا ۲۰ باشد حتم بدانید که او نابغه خواهد شد زیرا اختلاف بین نمرات ملاک است نه معدل قبولی، از قدیم



برای نوابغ جهان هم ورزش و هم درس هردو لازم و ملزوم یکدیگرند.

گفته‌اند همه کاره هیچکاره است. من معتقدم کشوری در جهان اول است که تعداد قهرمانان شرکت کننده آن در المپیک از همه بیشتر باشد. پوریای ولی اصیل‌ترین، ملّی‌ترین، شجاع‌ترین فرد ایرانیست که برای اولین بار زورخانه و میل و کبّاده و تخته‌شنا را اختراع نمود. او مکتب مبارزات ملّی و چریکی را برای رهائی کشورش ایران بنیان‌گذاری کرد و یکی از پیروان این شعر بود «افتادگی آموز اگر طالب فیضی ــ هرگز نخورد آب زمینیکه بلند است». او می‌گفت محبّت خرجی ندارد و تواضع مثل زمین نرم کشاورزیست که هرگونه تخم نبات در آن رشد می‌نماید ولی در زمین سنگی تکبّر تخم نفوذ نکرده و خودِ دانه خوراک پرندگان خواهد شد، بلی او نیز هم ورزشکار و هم عالم و دانشمند بوده است. حدود ۲۵۰۰ سال پیش **تصوّف** از ایران برخاست و بعد به یونان و سپس بفرمهای گوناگون به سایر نقاط دیگر جهان صادر گردید.

فرهنگ و تقویم ایرانی ★★ اگر روزی قرار شود یک تقویم واحد و مشترکی برای جهان تدوین گردد بدون شک تقویم ایرانی انتخاب خواهد شد، زیرا آنقدر منطق و ظرافت و طبیعت در آن نهفته است که خود بخود بقیّهٔ تقویم‌ها را از میدان خارج خواهد ساخت. تحویل سال نو و عید نوروز ایرانیان باستان مصادف با عبور کره زمین از نقطه اعتدال بهاری بوده و در این لحظه شکوهمند همه در این نقطه باصفا قرارخواهند داشت. باشد که این کتاب یادگاری برای سفره هفت‌سین و شب یلدا و تیرگان و مهرگان جهت تغییر فصول سال شما شده و بانتظار روزیکه کلیه انسانها تحویل نوروز سال ایرانی را در جهان جشن بگیرند. خوشبختانه برای اولین بار در جهان رصدخانه نیروی دریائی امریکا ساعت ۱۳ و ۸دقیقه و ۵۸ ثانیه را که تحویل سال ۱۳۶۷ ایرانی بود رسماً اعلام داشت و بایرانیان نیز تبریک گفت. منهم بنوبه خود از حالا تمام نوروزهای زندگی شما را تبریک می‌گویم. در حدود ۴۰۰۰ سال پیش که در هیچ جای دنیا خط و قلم و کاغذ و حتی آتش وجود نداشت ایران تقویم کامل و فرهنگ و تمدن عالی داشت، آنها ماههای ۱۲ گانه و اسامیشان را کشف کرده و حتی روز تولد اشو زرتشت را در ۶ فروردین قید کرده بودند. فرهنگ و تمدن و علم و هنر مثل معماری، موسیقی، و حتی تصوّف اول از ایران به یونان و سپس به سایر نقاط جهان گسیل گشت.

اسامی کیهانی ★★ امروزه متداولست که برروی فرزندان خود اسامی نجومی و کیهانی که ریشه فارسی و عربی و لاتین دارد می‌گذارند حال شما هم می‌توانید انتخاب نمائید. **آذرخش * آفاق * آذر * آسمان * البرز * اسپند * افسر * اختر * اورانوس * اردیبهشت * ایران * بهرام * بدری * بهمن * برساوش * پروین * پگاه * پرستو * پژواک * پولاریس * پرژام * ثریا * جهان * خورشید * دنیا * دریا * زهره * زمانه * زرّین * زیور * سُها * سحر * سهیل * سیمرغ * سپهر * ستاره * سنبله * شهاب * شراره * شهریور * طلعت * طاووس * عالم * غمیصا * فردوس * کیوان * کهکشان * کرانه * کیهان * گیتی * مهری * مهرداد * مهتاب * منوّر * مهتاج * هاله * نیوتون * تیّر * نوروز * ناهید *** همچنین اخیراً در بعضی از کشورهای جهان متداول گشته که نام فرزندان را در شناسنامه بطور رسمی از روی تاریخ تولد واقعی تشکیل نطفه در رحم مادر می‌گذارند ولی والدین حق دارند نام دلخواه دیگری هم جداگانه برای فرزندان خود انتخاب نمایند، مثلاً در تولد ظاهری اگر کسی در ماه شهریور و سال نهنگ متولد شود نهنگ شهریور نام خواهد گرفت که نشانه اخلاق و روحیّه او می‌باشد (دقیقترین فرد جهان).

تعصّب بی جا ** پیوسته تعصب سدّ راه علم نجوم بوده است، وقتی **گالیله** اولین دوربین نجومی یک بر هزار معروف خود را اختراع نمود و بطرف آسمان قراول رفت و ٤ قمر مشتری را پیدا کرد خواست دوربین خود را به بعضی از کشیشان کلیسای آنزمان بدهد آنها امتناع ورزیدند و گفتند که ما هرگز به داخل این لوله شیطانی نگاه نخواهیم کرد، وحتی بعضی از آنها با غرور می‌گفتند که ما چشم داریم و با آن به آسمان نگاه خواهیم کرد. گالیله را بدادگاه بردند و او را محکوم ساختند و از وی تضمین گرفتند که دیگر از عقایدش در مورد گردش زمین بدور خورشید دست بردارد ولی او وقتی از دادگاه بیرون آمد گفت:

" EPPUR SI MUOVE "

«با همه اینها حرکت می‌کند»

بپاس احترام وی این جمله در روی سنگ آرامگاه گالیله حک گردیده است. در روز ۸ ژانویه سال ١٦٤٢ میلادی گالیله در بین شاگردان خود دیده از جهان فروبست و درهمان سال بود که **اسحق نیوتون** پای بعرصه گیتی گذاشت «هرکس بی منطق نظر دهد متعصب است». از قدیم چنین رایج بوده است که دانشمندان و ریاضی دانان و فزیکدانان تا درباره علم نجوم و تمام جابجای جهان اظهار نظر نمی‌کردند هیچکس روی آنها حساب نمی‌کرد، ازینرو نیوتون و **انیشتن** بعد از ارائه فرضیات علوم پایه نسبت به فضا و نجوم دهان گشودند و ازینراه خود را به اوج شهرت و ارزش واقعی فلاسفه تاریخ رسانیدند.

دانش تطبیقی ** همانطوریکه در شرایط مساوی آب و هوا و زمین انواع محصولات بدست می‌آید که بو و طعم و فرم آنها با هم فرق می‌نماید همانطور هم در شرایط یکسان آب و هوا و زمین انسانهای مختلفی متولد می‌شوند که روحیه و صفات آنان با یکدیگر کاملاً فرق خواهند داشت، بطوریکه دیدیم متولدین سال نهنگ بسیار قوی و سالم و متولدین سال خوک اهل تظاهر و خودنمائی می‌باشند. دقت حسی کنونی بشر هنوز بسیار ضعیف است بطوریکه انسان بین عدد ۱+ و ۱— فقط صفر را می‌بیند در صورتیکه ملیونها عدد بین آندو وجود دارد. همینطور بین جنگ و سازش، خوبی و بدی، عشق و عناد هزاران فرم و حالت وجود دارد که انسان قادر به تشخیص آنها نمی‌باشد مگر روزیکه این دقت حسی افزایش یابد. جدیداً دانشی پدیدار گشته است بنام دانش تطبیقی، بطوریکه از اسم آن پیداست انسان بدون استفاده از وسایل و مطالعات زیاد با تطبیق دادن جنس زمین و آب و هوا و علائم حیوانات و نباتات کره زمین با سایر کرات دیگر منظومه شمسی به ماهیّت و طول عمر و طرز پیدایش و آثار حیات در آنها پی خواهد برد. با استفاده از همین علم بشر به وجود چند اقیانوس در کره **تیتان** که بزرگترین قمر سیاره زحل می‌باشد پی برده است.

دریافت انرژی از حرکت دورانی زمین ** میدانیم از نیروی حرکت وضعی و دورانی شبانه روز زمین که در اثر جرم جبری و اینرسی و لختی فوق‌العاده زیاد ایجاد می‌شود، می‌توان انرژی الکتریکی گرفت، این انرژی معادل $E = ۷\times۱۰^{۲۲}$ کیلووات ساعت می‌باشد، حال با توجه به مصرف انرژی سالیانه در جهان که برابر $e = ۳/۵\times۱۰^{۱۲}$ کیلووات ساعت است، مدت زمان مصرف این انرژی ۲۰ میلیارد سال می‌گردد، همچنین انرژی ناشی از حرکت دورانی کره ماه ۰/۲٪ کره زمین خواهد شد.

انواع انرژیهای نورانی ** منیر، نیّر، منوّر از واژه نور مشتق شده‌اند، میدانیم چشم انسان فقط قادر است که ذرّات فوتون نور را رویت کند و علت دیدن اجسام آنست که نور بآنها برخورد کرده و شکل آنها به چشم ما منعکس می‌شوند، در اینصورت آنجسم را از نظر فیزیک اُپتیک روشن شده می‌گویند، شدت و ضعف روشنائی آنها از روی فیلم عکاسی بخوبی مشهود می‌گردد. اجسام دو نوعند شفّاف و کدر، نور از اجسام شفّاف مثل شیشه عبور کرده ولی از اجسام کدر مثل سنگ و چوب نمی‌گذرد. اگر نور نبود حیات و در نتیجه انسان، حیوان، نبات در روی زمین وجود نداشت. طبق اصل هم ارزی نور و جرم در انرژی می‌توان از نور انواع انرژیها و حیات و برق و کار و گرما و انفعالات شیمیائی و حتی جرم و یا طول عمر بدست آورد.

مهم * من معتقدم که شاید پیدایش سیارات منظومه شمسی از تجمع ذرّات فوتونهای نور خورشید در حوزه منظومه شمسی بوجود آمده باشند.

ما خورشید را می‌خوریم ** میدانیم انسان و حیوان از گوشت سایر حیوانات و شیر آنها تغذیه نموده و از سبزیجات و میوه‌جات و ساق و برگ درختان تناول می‌نمایند. از طرف دیگر میدانیم درهر ثانیه هزاران تن از جرم خورشید کاسته شده و بابت انرژی یعنی نور و حرارت بخارج صادر می‌شود، مقداری از این جرم جذب گیاهان و حیوانات و جمادات و اقیانوسهای کره زمین می‌شود، در اثر تابش نور خورشید برروی سبزینه برگ گیاهان تولید مواد عالی غذائی شده و بدین طریق انسان و حیوانات مرتب و پی درپی جرم خورشید را می‌خورند تا زنده باقی بمانند.

فرق مکانیک کلاسیک ونسبی ** در مکانیک کلاسیک جرم و انرژی دو کمیّت مستقل و جدا از یکدیگر هستند ولی در مکانیک نسبی آنها بیکدیگر وابسته بوده و حتی جرم و انرژی قابل تبدیل بیکدیگر می‌باشند. در مکانیک کلاسیک فرمول انرژی $E = m.c^2$ ولی در مکانیک نسبی

$$E = \frac{m}{\sqrt{1 - \frac{v^2}{c^2}}} . c^2$$

می‌باشد.

همچنین اگر دو هواپیما از بالای سرمان یکی با سرعت v_1 بطرف شرق و دیگری با سرعت v_2 بطرف غرب برود منتجّه این دو سرعت برای ما $v = v_1 + v_2$ خواهد شد، ولی در مکانیک نسبی در فضا اگر دو موشک از بالای سرمان یکی با سرعت نور x بطرف شرق و دیگری با سرعت نور y بطرف غرب برود منتجّه این دو سرعت برای ما :

$$v = \frac{x + y}{1 + \frac{x \cdot y}{c^2}}$$

می‌گردد و اگر

حساب شود $v = c$ خواهد شد که مؤید مطلق بودن سرعت نور در حوزه منظومه شمسی بوده و سرعتی از آن بالاتر درین حوزه وجود نخواهد داشت. ضمناً سرعت دو نوع است اول سرعت نسبی انیشتن که حداکثر آن سرعت نور بوده و دوم سرعت نیوتون که به بی نهایت هم می‌رسد، همه ضرب می‌کنند ما تقسیم و همه جمع می‌کنند ما تفریق، من دهها سالست که شیفته انیشتین نابغه بزرگ جهان شده‌ام که علمای زیادی ریزه‌خور خان حکمت او هستند و تمام عمر بفکر فرضیات او بودم، او می‌گوید سرعت نور یک سرعت حدّ است و از آن بیشتر نیست، ولی من می‌گویم نظر او صحیح است فقط در حوزه فضائی منظومه شمسی، زیرا دیاگرام زیر با توجه به فرضیه نسبیت سرعت نور در کهکشانهائی بفاصله ۲۰ میلیارد سال نوری از یکدیگر خوب نشان می‌دهد که سرعت پله به پله در هرکدام باندازه یک دیوار نوری بالا می‌رود ولی اختلاف بین دو حوزه مقداریست ثابت «طول هر واحد فلش یک دیوار نوریست».



همچنین با توجه بفرمول انرژی انیشتن در بالا از انفجار بمب هسته‌ای یک کیلوگرم هیدروژن غنی و آماده شده مقدار 9×10^{23} ارگ انرژی تولید می‌شود که قادر است تمام کوههای کره زمین را محو و نابود سازد. طبق قانون نسبیّت اگر دو ساعت هم کوک داشته باشیم و در دو موشک قرار دهیم که هردو موشک با سرعت نور از یکدیگر دور شوند، آنوقت هر ساعت نسبت به دیگری کندتر کار می‌نماید که در واقع نشانه متوقف شدن زمان می‌باشد. قانون نسبیّت می‌گوید چه سنگ از بام بزمین اصابت کند و چه زمین در هوا بسنگ بخورد هردو اثر یکی است، همچنین اگر در روی زمین چاهی حفر کنیم که از مرکز زمین گذشته و از طرف دیگر سردرآورد و آنگاه سنگی داخل آن بیاندازیم سنگ با سقوط آزاد تند شونده به مرکز زمین رفته و بعد با سرعت کند شونده بطرف دیگر زمین

می‌رسد، و بهمین نحو باز جذب زمین شده و به حرکت نوسانی یا کشوئی و یا آونگی خود تا ابد ادامه می‌دهد بطوریکه در مرکز زمین سرعت آن حداکثر ولی در دوطرف زمین صفر خواهد شد. همچنین در سرعت های بسیار زیاد و نزدیک به نور حرکت بطرف سحابی امراة المسلسله که در فاصله دو ملیون سال نوری از ما قرار دارد با ساعت زمینی معادل سه ملیون سال نوری خواهد شد زیرا سرعت نور خارج از منظومه شمسی بیشتر از سرعت نور ماست و کرات با سرعت زیادی از ما دور می‌شوند، این زمان با ساعت داخل موشک حدود ۲۹ سال می‌گردد، بطوریکه شتاب موقع رفتن برابر g۲ یعنی سقوط آزاد تند شونده و در موقع برگشت برابر g۲— یعنی مثل حرکت پرتابی کند شونده خواهد بود.

***

تئوری فوق نسبیّت انیشتن ** ما برای اولین بار افشاءِ می‌کنیم که در بهار سال ۱۹۴۲ میلادی انیشتن بدوست پزشک خود **هانس میوزام** نوشت که من مثل یک بچه لج باز و بدپیله‌ای شده‌ام زیرا دهها سالست که بدنبال یک چیزی می‌گردم که اگر پیدا شود آنوقت تمام اسرار و مجهولات عالم پیدا خواهد شد، بطوریکه کار ملیونها دانشمند و فیزیکدان و شیمی دان در آینده سهل و آسانتر می‌گردد و آن چیز **میدان واحد** است. در میدان واحد کلیه عناصر شیمیایی و ذرات مرتباً بیکدیگر تبدیل می‌گردند بطوریکه اگر مادر اولیّه ذرات بنیادی عالم شناخته شود بسهولت پیش ماده و سازنده عالم جهان هستی معلوم خواهد شد، تا جائیکه می‌توان از ماده ضدماده و از دنیا ضددنیا ساخت «مقدمه ورود به‌دنیای عدم و نیستی». من نویسنده معتقدم که هیدروژن یعنی سبکترین عناصر شیمیایی و سازنده جهان تازه خود یک عنصر متوسط الوزن می‌باشد بطوریکه ماده‌ای وجود دارد که حدود ۲ هزار بار از هیدروژن سبک‌تر بوده که تازه بعد از گذشت میلیاردها سال تبدیل به هیدروژن شده و خود بعد از میلیاردها سال دیگر به عناصری چون سنگ و فلزات دیگر تبدیل می‌گردد چگالی این پیش ماده در حدود 1^{-27} گرم در سانتیمتر مکعب می‌باشد که در فضا معلق است. باید دانست که وزن مخصوص فضا 1^{-30} گرم در سانتیمتر مکعب است که میلیاردها بار کمتر از هرنوع خلائی در سطح کره زمین می‌باشد ما این ماده اولیه و یا پیش ماده و یا ماده واحده را که سازنده عالم هستی است و انیشتین سالها آنرا تعقیب می‌نمود **جرمک** نام نهاده‌ایم که واژه یونانی معادل آنرا می‌توان ایلم Ylem نامگذاری کرد.

***

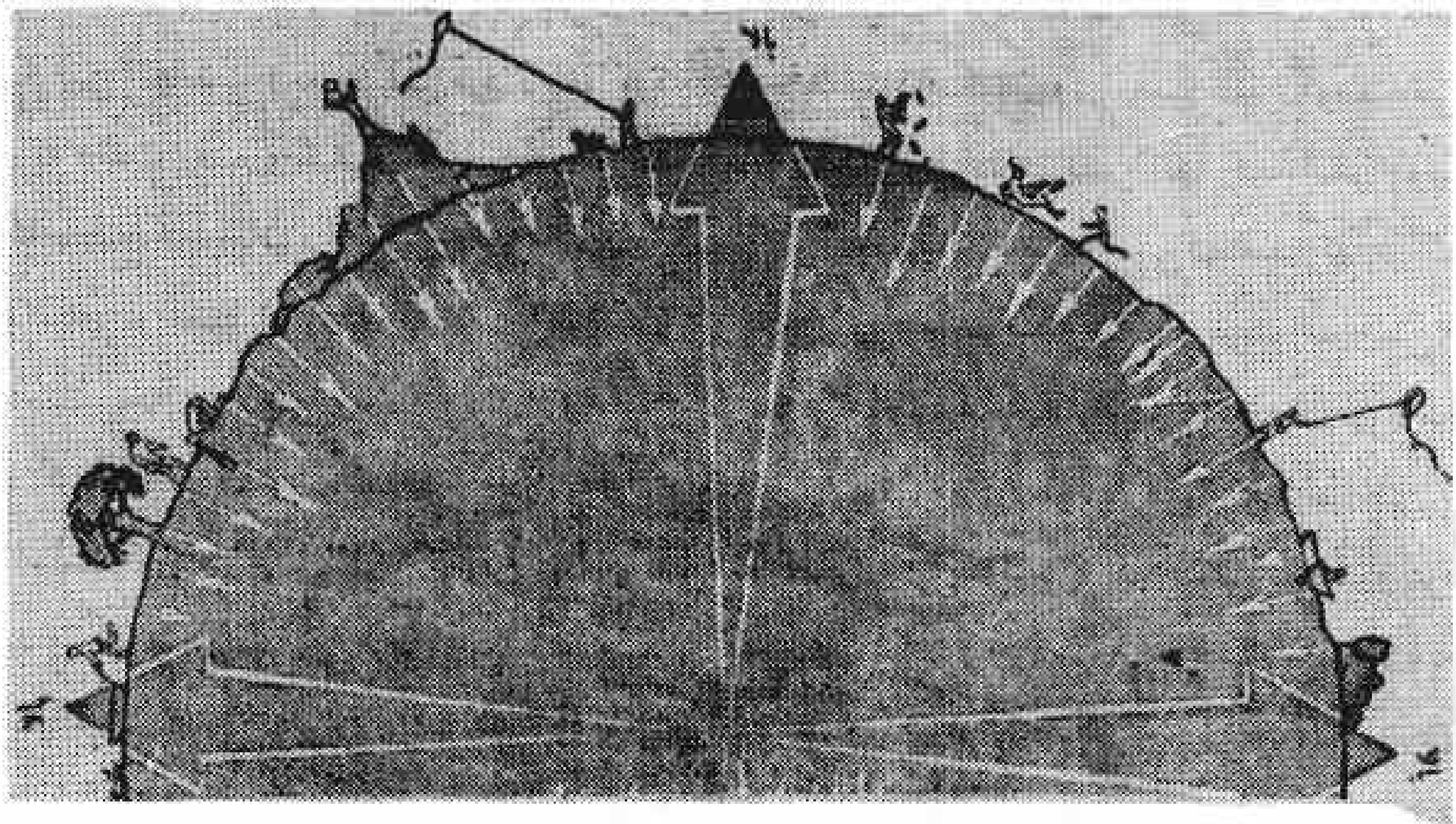
اتم

بمب اتم ** از آنجائیکه این روزها تب جنگ در جهان بالا رفته و امکان استفاده از این بمب لعنتی دوباره افزایش یافته است لذا ما مختصری از اثرات آنرا شرح می‌دهیم تا هم ذهن شما روشن شود و هم شاید راه حلی برای جلوگیری و رفع آن پیدا گردد. نور، حرارت، موج انفجار، محو اکسیژن هوا، و اشعه رادیواکتیو از جمله خساراتیست که بمب اتم ببار می‌آورد، بطوریکه نور خیره کننده آن هر ناظری را کور، و حرارت جهنمی آن هر شیئی را سوزانده و یا ذوب، و موج انفجار آن باعث تخریب ساختمانها، و محو اکسیژن در فضا باعث خفگی اطرافیان، و بالاخره اشعه رادیواکتیو آن که حامل اشعه آلفا، بتا، گاما می‌باشد در هوا و زمین و آب تولید سم کشنده نموده و با نفوذ آن در بدن و خون انسان سالها فرزندان کر و کور و لال و

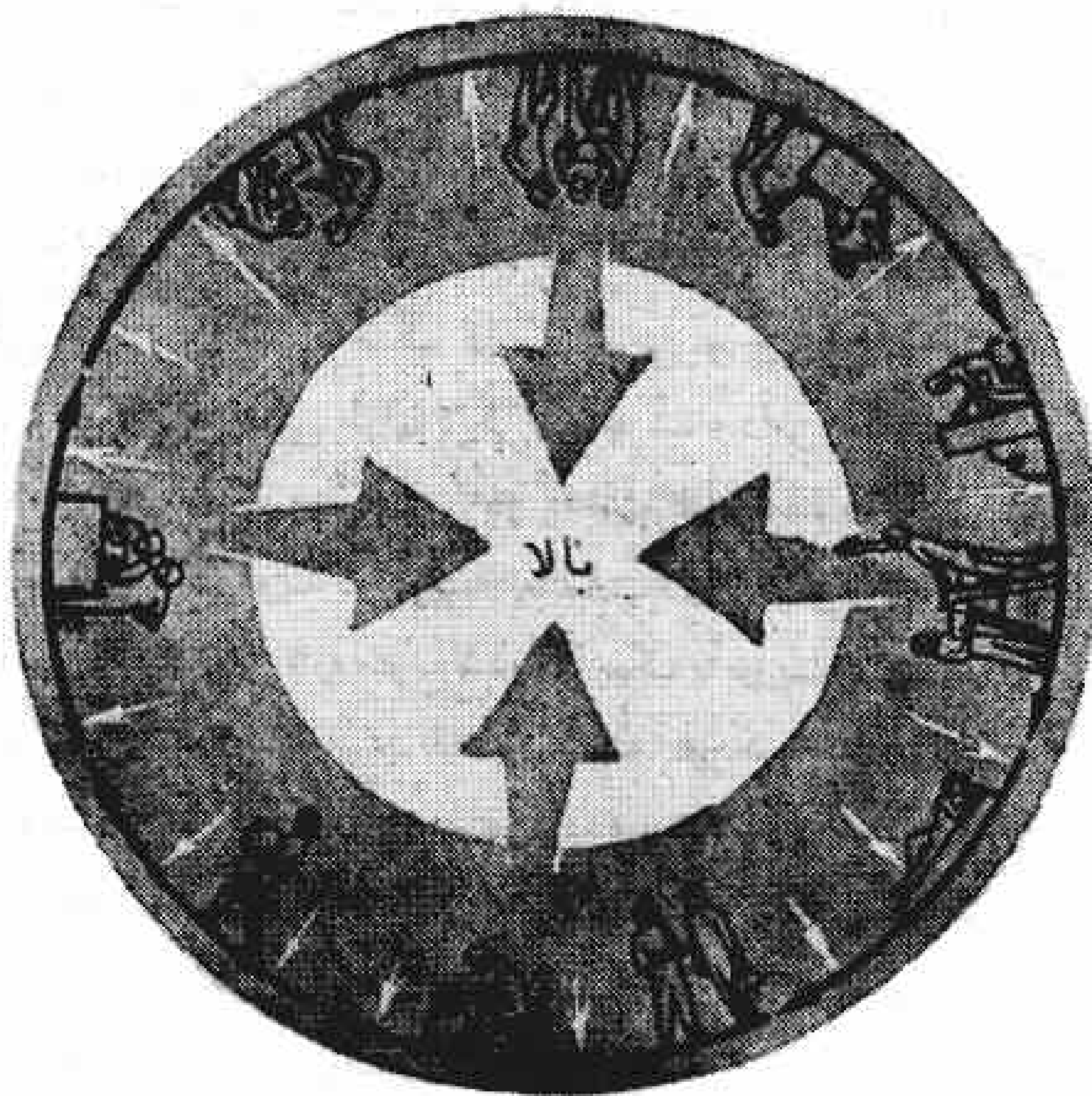
عقب مانده متولد می‌سازد. بد نیست بدانید استفاده از یک گرم اتم کوه اورست را از جا می‌کند و ۲ گرم آن گلوله‌ای را بدورترین سیاره می‌رساند و ۳ گرم آن چندبار هواپیمائی را بکره مریخ می‌برد و می‌آورد و یک خروار آن زمین را از مدار خورشید منحرف نموده و چند تن از آن زمین را محو و نابود می‌سازد. سه هزار سال پیش **دیقراطیس** دانشمند یونانی می‌گفت اجسام از ذرات بسیار ریزی ترکیب شده‌اند که قابل تقسیم و انفکاک نیستند، آنها ضخامت نازک طلا و یا روغن روی آبرا کوچکترین ذره قبل از میلاد مسیح می‌دانستند، فرق دانشمندان یونانی با سایرین اینست که هر چیزی باید برای آنها ثابت شود تا قبول داشته باشند و بعد از تصویب آنها در جهان متداول می‌گشت. در قرون اخیر دانشمندانی مانند **نیوتون، ولتر، لایب نیتز، بوهر، فرمی، روتفورد، کامپتون، کوری، بوش، یوری، لارنس، میت نر، تامسن، آندرسن، لرد کرول، هانری دیل، گرافت، ربوردیل، اپن هایمر، توسمان، سیمون، هاروت، شادویک، نورمان، فیشر، سلید، الیفانت، سرلشکر کروز،** و بالاخره **پرفسور آلبرت انیشتن** در باب شناختن اتم تحقیقاتی انجام داده و زحمت کشیده‌اند. آنها همگی بطور صریح نظر دادند که کلیه اجسام از ذرّات بسیار ریز تشکیل شده که خود آنهم قابل تفکیک می‌باشد. کوچکترین ذرّه جسم را اتم نامیدند و برای اینکه تصویری از اتم در خاطر داشته باشید کافیست بگوئیم که اگر ملیونها اتم را جمع کنیم تازه باندازه سر یک سوزن نخواهد شد. خود اتم از هسته مرکزی بنام پروتون و الکترون و نوترون تشکیل یافته است، الکترونها با سرعت زیاد بدور نوترون در حال گردشند، دستگاهی که قادر است اتم را بشکند **سیکلوترون** نام داشته که وزن آن ۲۵۰ تن است، این ماشین توسط بمباران الکتریکی شکستن اتم ها را انجام می‌دهد، کارخانه‌های کروپ و زیمنس آلمان قبل از جنگ دوم جهانی چنین کاری را انجام داده است، ولی بمب اتمی هیروشیما در شهر **اوک. ریج** امریکا ساخته و پرداخته گردیده است، در این شهر ۶۰ هزار نفر کار می‌کردند و اعتباری معادل ۳ میلیارد دلار برای تهیه آن‌ها هزینه برداشته که بزرگترین قمار سیاسی تاریخ لقب گرفته است. در اثر جداشدن الکترونها از مدار پروتون نیروی عظیمی تولید می‌گردد که باعث ارزش اتم در جهان گردیده است، اگر اینکار در صنعت انجام شود بطور حتم از مصرف ملیونها تن ذغال سنگ و نفت و گاز در هرماه صرفه‌جوئی خواهد شد. قبل از متلاشی شدن آن اتم را جزءِ لایتجزای اجسام می‌نامیدند، بنازم بآن شاعر ایرانی که قبل از شکافتن اتم گفته بود «دل هر ذرّه را که بشکافی، آفتابیش در میان بینی». کلیه اجسام مانند آب و هوا و فلزات دارای اتم منحصر بخودشان می‌باشند. هرقدر تعداد الکترونها بیشتر باشد آنجسم سنگین‌تر خواهد بود، مثلاً آب دارای دو اتم هیدروژن و یک اتم اکسیژن می‌باشد، ما اتم را به منظومه شمسی که خورشید مانند

هسته مرکزی آن در وسط قرار گرفته است تشبیه کرده‌ایم (صفحه ۳۹۰). الکترون دارای بار منفی و پروتون دارای بار مثبت ولی نوترونها خنثی می‌باشند، الکترونها در روی مدارهای مختلفی حرکت می‌نمایند که مقدم و مؤخر یکدیگرند، در مدار اول دو و در مدار دوم می‌توانند هشت الکترون قرار گیرد، چرخش آنها بصورت دمبل انجام می‌گیرد بطوریکه مسیر آنها ثابت نبوده و متغیر می‌باشند، هرقدر تعداد الکترونها زیادتر باشد آنجسم سخت‌تر و محکم‌تر است، بازداشتن الکترون از چرخش خود تولید انرژی عظیمی خواهد نمود، امروزه با کم و زیاد کردن تعداد الکترونها در مدار پروتون می‌توان فلزات مختلف بدست آورد، این عمل را در قدیم کیمیا گری می‌گفتند که در ایران بسیار رواج داشته و ازینرو قادر بودند تا از مس طلا و یا سایر فلزات نظیر آن بسازند، هیدروژن دارای یک الکترون و کربن شش الکترون و کلسیم بیست الکترون می‌باشد (صفحه ۱۵۴). چون اورانیوم دارای الکترونهای بیشتر می‌باشد لذا از آن برای ساختن بمب های اتمی استفاده می‌شود. گوهر شب‌چراغ که از خود نور ساطع می‌نماید دارای فسفر و اورانیوم می‌باشد، دانشمندان جهان قرن ۱۹ را قرن آهن و قرن ۲۰ را قرن اتم نامگذاری کردند و خوب هم نامگذاری نموده‌اند، حتماً قرن ۲۱ قرن کامپیوتر خواهد بود، تمام قوانین مکانیک و جرم و سرعت الکترون ها و اتم را به قوانین کوانتوم نامگذاری کرده‌اند، خیال نکنید فقط هیدروژن و اورانیوم و کوبالت خاصیت انفجار بمب اتمی را دارد خیر از مواد خاک و سنگ و فلزات دیگر که حاوی ماده می‌باشند می‌توان بمب اتمی ساخت ولی مقرون بصرفه نخواهند بود. عقیده ادینگتن براینست که دراثر متلاشی شدن اتم تولید انرژی می‌گردد و در اینصورت خود ماده باید منهدم و نابود گردد، و در اثر انفجار بمب اتمی تمام ماده از بین نمی‌رود بلکه مقدار زیادی از آن تبدیل به بخار آب و دود می‌گردد، از شکستن اتم اشعه ایکس و آلفا و بتا و گاما بدست می‌آید که بسیار مضر می‌باشند، جرم اتم مطلق نیست و در اثر سرعت افزایش می‌یابد بطوریکه اگر جسمی به ۸۶ درصد سرعت نور برسد جرمش دوبرابر می‌شود، بطور کلی انرژی جرم می‌خواهد، خواه انرژی حرکتی یک جسم متحرک باشد و یا خواه انرژی ساکن یک فنر پیچ خورده باشد و یا خواه انرژی یک گاز متراکم انفجاری باشد. وقتی شما ساعت خود را کوک می‌کنید از نظر مکانیک جرم آنرا هم زیادتر می‌نمائید ولی مقدار آن بقدری ناچیز است که حرفش را هم نباید زد. فوتون های خورشید را اگر مشابه اتم بدانیم آنها هم دارای جرم و قوانین کوانتوم می‌گردند، امروزه ثابت شده است اگر ذرّات متلاشی شده اتم و پراکنده شدن الکترونها و نوترونها را دوباره دور یکدیگر جمع نموده و آنها را با هم ترکیب نمائیم ده برابر حالت اول نور و حرارت بدست خواهیم آورد که همان ذوب هسته‌ای نامیده می‌شود (صفحه ۱۵۲). از تجمع چندین اتم از عناصر مختلف همیشه ملکول بدست می‌آید، برای نخستین بار آمپر دانشمند و فیزیکدان فرانسوی کوچکترین ذرّه را اتم نامید، گذشته از آمپر عدهٔ دیگری مثل دکارت، ولتر، ساکاندی، دانتون، پروست، در اطراف خصوصیات اتم تحقیقاتی بعمل آمد و آنها نیز بحرکت الکترونها بدور هسته مرکزی مطلع شدند و همه درصدد برآمدند تا قدرت لایزال نهفته شده در آنرا در کنترل بشر قرار دهند. برای نخستین بار آلبرت انیشتن با کشف رابطه بین ماده و انرژی فکر تجزیه اتم را قوت داد بطوریکه با صرف مقدار کمی از ماده می‌توان به انرژی عظیمی دسترسی پیدا کرد، از انرژی حاصله یک گرم اتم ذغال می‌توان شهر بزرگی را گرم نمود و یا قطاری را سالها در خط خودش بحرکت درآورد، از زمان کشف رادیوم توسط مادام و مسیو کوری که اصلاً لهستانی تبار بودند برای اولین بار تغییرات داخله اجسام بوسیله رادیواکتیو امکان پذیر گشت. آنها توانستند بدن انسانرا با تزریق مواد رادیواکتیو دارای تشعشات رادیوئی نموده و در مقابل صفحه عکاسی نورانی نمایند، دانشمندان تا سال ۱۹۴۰ از اسرار حرارت هسته مرکزی زمین و خورشید خبری نداشتند تا اینکه بمب اتمی اختراع شد در اینوقت آنها برای تولید

حرارت خورشید و گرمای وسط زمین فرضیاتی ارائه داشتند که قبل از آن چنین خبری نبود، علمای اتم‌شناس مواد عالم را بر پایه نیروی لایزال اتمی استوار می‌دانند، کشورهائیکه دارای اورانیوم ۲۳۵ می‌باشند ثروتمندترین کشورهای جهان درآینده محسوب می‌شوند. تا کنون سرّی‌ترین اسناد و مدارک در جهان اسرار اتمی بوده است زیرا به مناسبت طبع خطرناک اتم بایستی کلیه نقشجات وطرح و پروژه ساختن بمب اتمی بکلی محرمانه باشد. من در مورد تخریب ساختمانها در اثر بمباران اطلاعاتی کسب کرده‌ام، لذا شدت اثرات تخریبی بمب اتمی را نسبت به بمب‌های معمولی بطور تقریبی صد هزار برابر می‌دانم، زیرا با توجه به موشک‌باران تهران از طرف عراق در نوروز سال ۱۳۶۷ ایرانی معلوم شد که بطور متوسط هر موشک قادر است ساختمانهائیکه در شعاع ده‌متری نقطه اصابت قرار گرفته‌اند بسوزاند و تخریب نماید و برای سهولت از موج انفجار و شکستن شیشه‌های اطراف صرفه‌نظر می‌کنیم، از طرف دیگر می‌دانیم که این شعاع برای بمب اتم ۲۲۵۰ متر می‌باشد، اگر در بمب اتمی خطرات ناشی از اشعه رادیواکتیو و خفگی در اثر کمبود اکسیژن در هوا را معادل با خود تخریب و سوختن ساختمانها فرض کرده و بآن اضافه کنیم، با محاسبه دو سطح دایره بزرگ و کوچک و تقسیم آندو بر یکدیگر و دوبرابر کردن نتیجه عدد صد هزار برابر پیدا می‌شود که واقعاً وحشت‌آور خواهد بود، ضمناً بمب اتمی زمین و آسمان و دریا را مرگبار نموده و خاک کشاورزی را آلوده بامراض ویژه و هولناک و غیرقابل کشت و زرع می‌سازد، روی قلب و ریه و خون اثر کرده و در روی بدن جراحات نوظهور شبیه به سرطان تولید می‌نماید، در منطقه انفجار بمب اتم اگر دریا باشد بعلت حرارت بسیار زیاد آب دریا دفعتاً تبدیل به بخار شده و باد و طوفان سهمگین بپا خواهد شد، عکس برداری و مطالعات در مورد تخریب بمب اتمی فقط از ارتفاع ۴۰ هزار پائی مقدور خواهد بود. کارشناسان اتمی عقیده دارند برخلاف بمب‌های اتمی گذشته هواپیما از خطرات بمب‌های جدید مصون نخواهند ماند زیرا پس از رهاشدن بمب در مدت سه ثانیه بعد از انفجار آثار آن بحدنصاب شعاع خود می‌رسد و سرعت هواپیما آنقدر نیست که در این مدت صدکیلومتر طی نماید و خود را از محیط خطر رها سازد چون آثار انفجار در عرض دو ثانیه به ده‌هزار متری می‌رسد و هواپیما قادر نیست در این مدت کوتاه خود را بطبقات فوقانی جوّ برساند، ازینرو کارشناسان تصمیم دارند که بوسیله رادیو راهنما از فاصله دور یعنی هواپیمای بدون خلبان برفراز هدف به پرواز درآورند و توسط امواج رادیوتله. کوماند، دریچه بمب انداز را بازکنند، همچنین در آینده برای پرتاب بمب اتم حتماً از موشکهای هدایت‌شونده از راه دور استفاده خواهد شد. امروزه بمب‌های اتمی در دست تهیه است که بتواند تأثیر آن عمودی باشد یعنی از ارتفاع یکصد کیلومتر در فضا تولید حرارت و نور و اشعه رادیواکتیو و کمبود اکسیژن نماید، اینگونه بمب‌ها آسیبی بزمین نمی‌رسانند و هوای منطقه وسیعی را در فضا آلوده و سوزان و مرگبار می‌سازند، در آن موقع انفجار آنی اکسیژن هوا را از بین برده و هر موجودی را در منطقه تلف خواهد ساخت. بعضی کارشناسان اتمی می‌گویند تازه بمب اتم درحال طفولیت است چه‌رسد بروزیکه این طفل بزرگ شود. در بین بزرگان علمی انیشتن در فیزیک و ریاضیات سرآمد همگی است زیرا محقق و مبتکر و آموزگار اولیه اتم همانا انیشتن بوده که نقش اول را بازی کرده است، او اولین دانشمندی بود که در جهان فرضیه نسبیّت را ابداع کرد، کشف این قانون بزرگ غوغائی در دنیای علم انداخت زیرا جهانیان فهمیدند که بعد از کشف قانون نیروی جاذبه زمین که سیصد سال قبل از آن بوسیله نیوتون ابداع گردید هیچ دانشمندی در جهان پیدا نشد که بتواند قانونی باین عظمت در جهان کشف کند، مهم آنست که هیچ دانشمندی قبل از آن در این مورد تحقیق نکرده بود تا جرقه‌ای در فکر دانشمندان دیگر زده باشد،



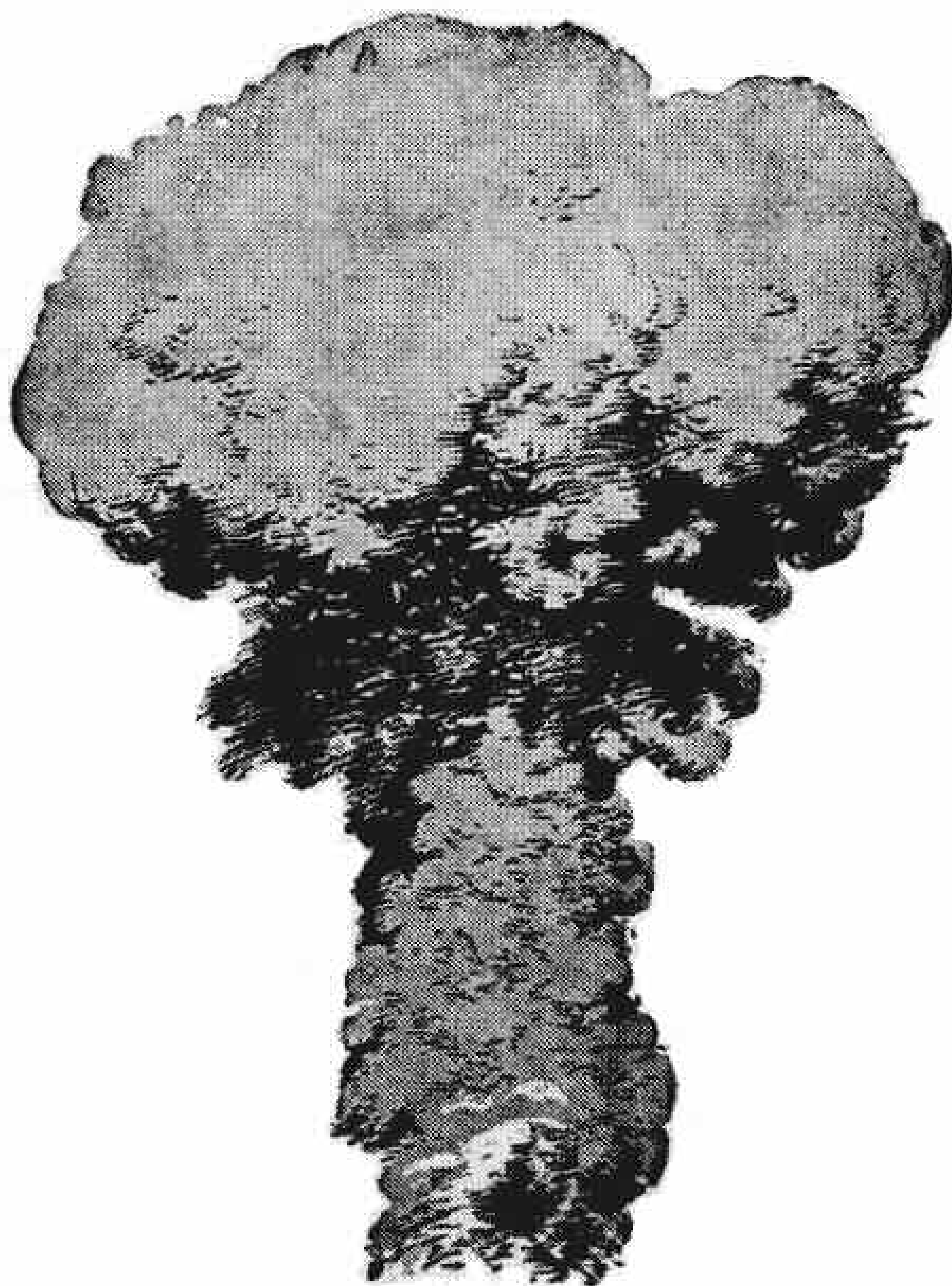
بالا و پائین هم مطلق نبوده بلکه آنهم نسبی و قراردادیست.



در سفینه های فضائی جهت بالا و پائین معکوس می‌شود
بطوریکه یک بالا و چند پائین خواهیم داشت.

انیشتن ثابت کرد که جسم و انرژی یکی است و هیچ فرقی باهم ندارند و یگانه تفاوت آنها در اینست که جسم و ماده عبارتست از نیروی متراکم شده و انرژی عبارتست از مادهایکه تراکم خود را از دست داده و به اطراف پراکنده شده است، انیشتن با این اکتشاف خود ثابت کرد که براستی افتخار نوع بشر وجود و داشتن نوابغ بین آنهاست و بس. این مرد ثابت کرد که پنج میلیارد سکنه روی زمین نظیر گوسفندانی هستند که صبح به دشت رفته و شب به آغل خود مراجعت می‌نمایند و فقط در بین آنها چند نفر چوپان یافت می‌شوند که سطح فکرشان بالاتر از دیگرانست و می‌توانند آنچه که دیگران نمی‌فهمند آنها درک نمایند «دانشمندان». او معتقد است که بشر روزی سلاح مخوفتری خواهد ساخت که بمب اتم مثل یک ترقه آتشبازی دست بچه می‌باشد و بشر از ترس آن باید بکرات دیگر منظومه شمسی فرار نماید، وقتی شخصی از وی سئوال کرد که در قبال بمب اتمی چاره نوع بشر کنونی چیست او در جواب گفت فقط ساختن شهرهای زیرزمینی است آنهم در عمق ۸۰۰ متری آن، آنگاه نقشه شهری را نشان داد که طول آن صد و عرضش دو کیلومتر بود و گفت عرض آنرا برای این کم گرفتم که سقف شهر روی سر مردم خراب نشود، سکنه این شهر باید بتوانند در صورت لزوم مدت مدیدی مواد غذائی خود را از خاک بگیرند زیرا اثر آن بقدری مخوف است که می‌تواند برای مدت زیادی رابطه این شهرها را با خارج قطع سازد، در صورت لزوم حتی باید اجساد مردم را تبدیل به غذا نموده و از آنها نوشجان فرمایند، انسان بفکر کتاب موریانه موریس مترلینگ می افتد که در قرن بیستم هم انسان باید مثل یک حشره برای بقاء خود در زمین فرورود. چون حرفهای انیشتن یکی پس از دیگری ثابت شده و او اهل گزاف گوئی و مبالغه نیست من نویسنده باتجربه پناهگاه سازی در تهران حتم دارم که بالاخره روزی خواهد رسید که بشر در شهرهای عمیق زیرزمینی زندگی نموده و مثل موریانه از گوشت اموات هم‌نوعان خود استفاده نماید. ایکاش انیشتن بجای راهنمائی انسانها به ناف و به دل زمین از دانشمندان و نظامیان و سیاستمداران جهان دعوت می‌کرد تا مثل فضانوردان دو ابرقدرت زیر یک پرچم سفید صلح سندیکای دوستی تشکیل دهند و از هرنوع جنگ اتمی و غیراتمی حذر و پول آنرا صرف آبادانی شهرها و مردم کره زمین کرده و یا باتفاق کرات دیگر منظومه شمسی را بطور دوستانه تسخیر نمایند. من امیدوارم روزی برسد که دولت های بزرگ از سرمستی بخود آیند و بدانند که جنگ بهرنوعی که باشد برای غالب و مغلوب خسارت انگیز است، در گذشته جنگ کاسبی خوبی بود ولی اکنون مسجّل شده است که ویرانی و افلاس یکطرف باعث پیروزی و چاقی طرف دیگر نخواهد شد و دامن آنها هم در این ماجرا خواهد سوخت.

ما برای روشن شدن ماجرای انفجار بمب اتمی در گذشته نظر خلبان هواپیما را در بالا و شخص دیگری را در پائین شرح می‌دهیم. خلبان می‌گوید در هواپیما تعلیمات لازم را بمن دادند، در هواپیما چند نفر عکاس و کارشناسان اتمی حضور داشتند، من تازه متوجه شدم که بیک مأموریت غیرعادی می‌روم، زیرا هواپیمای من در جائیکه بمب چند صد کیلوئی بسته میشد فقط یک بسته کوچک چند کیلوئی قرار داشت که تازه نصف بیشتر آنهم لوازم و ادوات و چتر کوچک بود، دستور دادند بسمت هیروشیما پرواز کنم و بعد از انداختن این بسته فوری منطقه را ترک نمایم، پیش خود خیال می‌کردم این کار فقط یک تمرین و یا آزمایش است، شهر بزرگ و قشنگی در زیر پایم مشاهده می‌شد ولی تصور نمی‌کردم چند لحظه بعد این شهر بدست من دود شده و نابود گردد، بالای هدف بودم که دستور صادر شد و من دگمه پرتاب بمب را فشار دادم بسته کوچک با چتر آرام پائین می‌رفت، ارتفاع ما بیست هزار پا بود و مدتی وقت لازم داشت تا بسطح زمین برسد، من با دقت تمام پائین رفتن بسته کوچک را مشاهده می‌کردم، هنوز بسته حدود هزار پا با زمین فاصله داشت که ناگهان قیامت و جهنم رخ داد، اول برق نور خیره کننده سفیدی که چند برابر خورشید روشنائی داشت برای مدتی



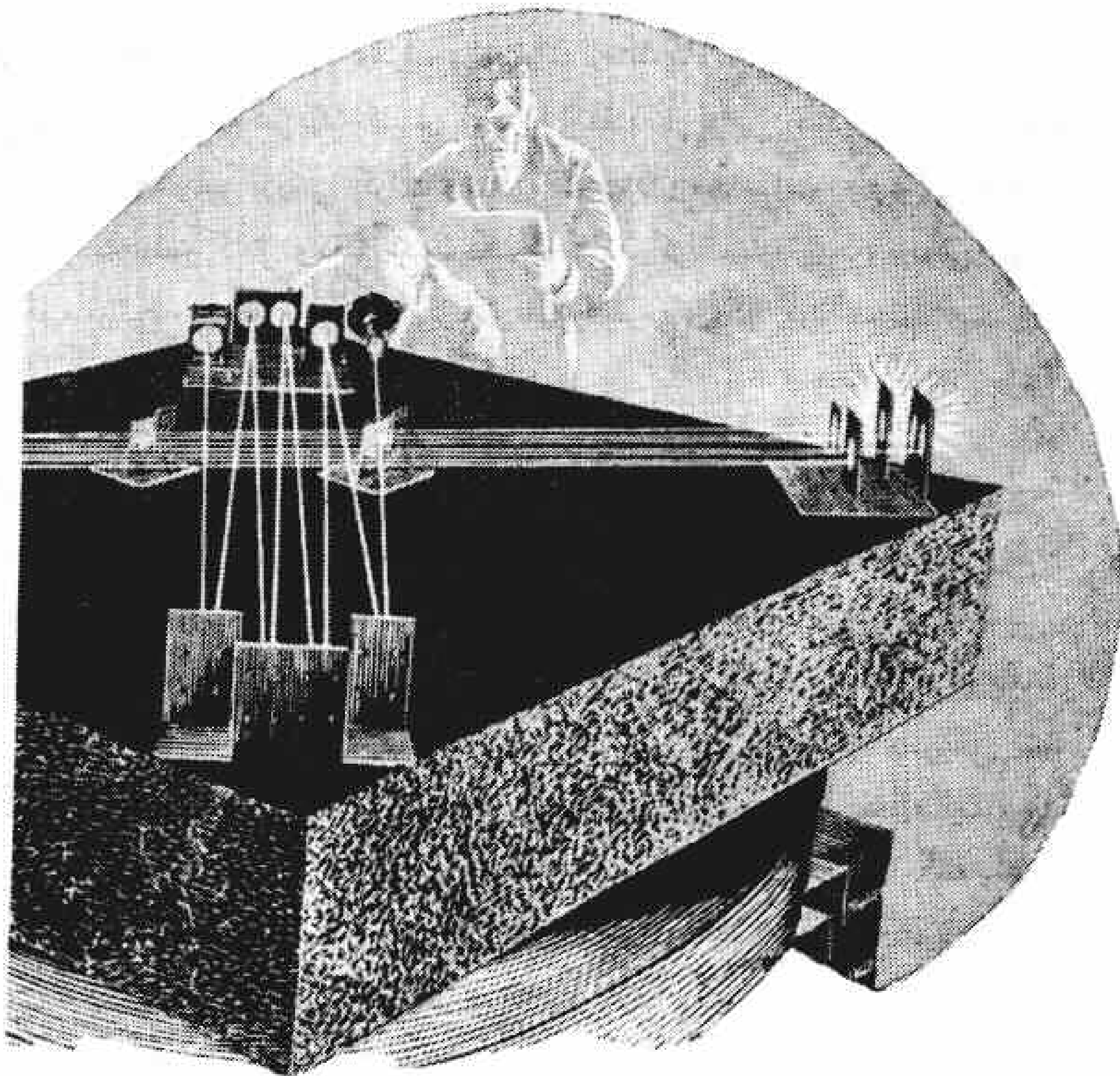
نمایش ابر قارچی شکل ناشی از انفجار بمب اتمی.

کور ساخت و بعد رنگهای سبز و آبی و سفید سر به فلک کشیده فضای شهر را روشن ساخته بود، موج انفجار اول هواپیما را ببالا و بعد به پائین پرت کرد و یک بار آنرا در حول محور مسیر گردش داد، برفراز شهر توده بزرگی از آتش بلند شد که دائم توسعه می‌یافت، شدت حرارت از داخل کابین هواپیما محسوس بود، دود بسیار عظیمی اطراف شعله‌های آتش را احاطه کرده بود، بنا بدستور از شهر فاصله گرفتم تا عکسبرداری میّسر گردد، برای مدت طولانی ستونهای دود و آتش در آسمان بلند می‌شد که ناگاه ابر قارچی شکل اتمی پیدا شد، شدت نور نسبت به خورشید بحدی بود که انسان خیال می‌کرد آفتاب نسبت به آن فقط یک ستاره است. کار ما دیگر تمام شده بود ولی از فاصله دویست مایلی هنوز آن نور خیره کننده و ابر قارچ اتمی مشاهده می‌شد، آنوقت که من گیج بودم ولی بعدها فهمیدم که شهر هیروشیما با ربع ملیون نفر جمعیت خود دود گشته است، همکار منهم که بمب ناکازاکی را فروریخت مشاهداتش درست مثل من بوده است. حال مشاهدات نفر دوم را که یک کشیش است و در پائین بوده و برحسب تصادف زنده مانده است می‌شنویم.

روز ششم اوت ۱۹۴۵ بود که در اطاقی محفوظ نشسته بودم ناگهان قیامت بپا شد و شهر لرزید و سقف فرودآمد، حرارت و نور شدیدی حس کردم، آسمان تیره شده بود ولی از وسط آن شعله‌های سبز و آبی و سفید سر بفلک کشیده زبانه می‌کشید، جوش و خروش و فریاد مردم که می‌سوختند بگوش می‌رسید، من از وحشت

همه چیز را فراموش کرده بودم و حتی گذشت زمان را دیگر نمی‌فهمیدم، نزدیک شب بخود آمدم و به خیابانها زدم راهها تشخیص داده نمی‌شد و همه‌جا سوخته بود و جسد نیمسوز شده مردم در کوچه ها ریخته بود، بازهم شهر می‌سوخت و زخمی ها مانند حیوان تیر خورده از درد عربده می‌کشیدند، سربازان پادگان نزدیک شهر همه ذغال شده بودند و تنی چند از آنان که هنوز زنده بودند کمک و دادرس می‌خواستند ولی کسی نبود که بآنها کمک کند من دیوانه شده بودم و گاهی گریه می‌کردم و نمی‌دانستم بکجا پناه ببرم، عفریت مرگ بر شهر حکمفرما شده بود و هیچکس نمی‌دانست که چطور شده است و اکثر مردم عقلشانرا از دست داده بودند، عده زیادی زخمی در شهر بعلت نداشتن آب و غذا جان خود را از دست دادند، روشنائی شهر رفته بود ولی شعله های آتش در شب دیده می‌شد، هیچکس بفکر کمک دیگری نبود، روز بعد که عده‌ای مأمور برای کمک و رسیدگی باین شهر آمده بودند گفتند که بمب اتم منفجر شده است. من از بس که از روی شعله های آتش پریده بودم پاهایم پخته شده بود، و حدود دویست نفر زخمی زنده که به بیمارستان برده بودند بعلت بی دوائی و بی غذائی همه مردند و شهر بصورت یک قبرستان بزرگ درآمده بود، و حالا که مدتی از این واقعه می‌گذرد هنوز آن شعله های عظیم آتش من را بوحشت می اندازد و روانی شده‌ام.

گاز اتر ★★ در قرن نوزدهم میلادی قبل از تولد انیشتن کلیه دانشمندان و فیزیکدانان جهان باتفاق آراءِ معتقد بودند که در فضا گازی وجود دارد بنام اتر که این گاز سیال، شفاف، پیوسته، غیرقابل تراکم، غیرمادی، بی رنگ، بی بو، بی طعم، بی وزن، و غیرقابل مرئی می‌باشد. بطوریکه آن قادر است که نور و صدا و تشعشعات و امواج را توسط خودش عبور دهد، آنها معتقد بودند که اگر اتر در فضا وجود نداشته باشد آنوقت نور قادر نخواهد بود که در فضا انتشار یابد، و همچنین می‌گفتند که برای انتشار امواج و نور حتماً باید محمل و ناقل و رابطی وجود داشته باشد و تصوّر می‌کردند که اتر سراسر جهان را فراگرفته و مرتب از لابلای اتمهای فضا درجهتی وزش می‌نماید و کلیه سیارات نیز در آن غوطه‌ور بوده و یا حرکت می‌نمایند. در آنزمان عده زیادی از دانشمندان حتی معتقد بودند که سرعت نور در جهت وزش باد اتری بیشتر از سرعت در جهت عکس آنست. در سال ۱۸۷۵ میلادی یعنی ٤ سال قبل از تولد انیشتن ماکسوئل فیزیکدان اسکاتلندی درباره وجود اترآزمایشی بعمل آورد و نتیجه‌ای عاید نگردید، و در سال ۱۸۸۱ میلادی مایکلسن افسر جوان نیروی دریائی امریکا وبعد ماخ فیزیکدان اتریشی و دانشمندان دیگر آزمایشاتی انجام دادند ولی جرأت حرف‌زدن نداشتند، تا اینکه برای آخرین بار در سال ۱۸۸۷ میلادی آزمایش دقیقی توسط مایکلسن و مورلی انجام شد و تحول عظیمی در جهان علم و فیزیک نوین بپا گردید. مورلی استاد شیمی و مایکلسن استاد فیزیک در امریکا بودند، دستگاه آزمایش برروی تخته سنگی بابعاد ۱/۵×۱/۵ متر و به ضخامت ۳۰ سانتی متر قرار داشت که خود سنگ برروی مخزنی از جیوه قرار داشت تا بتواند ارتعاشات جانبی را گرفته و حول محور قائم گردش نموده و بطور افقی باقی بماند، دستگاه عبارت بود از چندین آینه سوراخدار برای بیشتر ساختن طول مسیر نور و یک ساعت دقیق و یک دسته اشعه نورانی، آنها چندین‌بار در جهات مختلف سرعت انتشار نور را دقیق اندازه گیری نمودند و بالاخره باین نتیجه رسیدند که اتر و یا باد اتری که قبلاً متصوّر بود اصلاً در جهان وجود ندارد، و بدین طریق فرضیه ایکه سالها توسط دانشمندان در جهان استوار بود باین طریق واژگون گردید.



آزمایش تاریخی مایکلسن و مورلی برای رد وجود اتر در فضا.

امواج گرانشی ★★ امروزه ثابت شده است که کلیه پدیده‌ها مثل صدا و نور و امواج الکترو مغناطیسی اعم از رادیوئی و تلویزیونی و برقاطیسی کرات بصورت موج در فضا منتشر می‌شوند که همگی آنها دارای قوانین یکسان می‌باشند، مثلاً آنها همه سرعتی معادل با نور داشته و دارای طول موج و فرکانس و گره و شکم گوناگون می‌باشند. حال امواج مغناطیسی و امواج گرانشی که همان گراویتون می‌باشد از قوانین فوق جدا نبوده و حتی بعضی از آنها را نیز شامل می‌شوند، ولی آنچه مسلّم است طول موج امواج گرانشی فوق‌العاده کوتاه‌تر بوده ولی سرعت انتشار آن بیشتر و فرکانس آنهم هزاران بار زیادتر از سایرین خواهد بود. قبل از چاپ و انتشار این کتاب و حتی در قرون گذشته بطور دست و پا شکسته آنهم عده بسیار کمی نیروی طالع را فقط ناشی از نور ستارگان می‌پنداشتند، ولی حالا در این کتاب می‌بینیم که دهها پارامتر دیگر از قبیل امواج مختلفه و نیروی جاذبه و مغناطیس و خسوف و کسوف و اقتران کرات و تشکیل فرم وریتم ۱۲ گانه طبیعت و رله کوههای اطراف و بالاخره گراویتون نقش بسیار مهمّی را بعهده گرفته‌اند که هرکدام بنوبه خود حائز اهمیّت می‌باشند. برای مطالعه و بررسی و تدوین قوانین امواج گرانشی احتیاج به آزمایشگاه بزرگ نجومی داریم که فعلاً مقدور انسان نیست، مثلاً آزمایشگاه و جرثقیل و جک های نجومی لازمست تا کره ماه را که تازه کوچکترین کره می‌باشد تحت مطالعه قرار دهیم و برای مقابله و رویاروئی آنهم تازه به کره‌ای مثل

زهره می‌باشد که بایستی آنرا با وسیله‌ای بهمان آزمایشگاه نجومی بکسول نمائیم تا بتوانیم قوانین گرانشی را برروی یکدیگر پیدا کنیم، ولی با استفاده از قوانین جاذبه کرات و فرمولهای نیوتون و انیشتن و غیره و همچنین بررسی کرات و ستارگان جهان و محاسبات ریاضی و نجومی موجود در این کتاب می‌توانیم بطور کامل و دقیق بدون بکسول کردن کرات بآزمایشگاه نجومی آنها را روانشناسی کرده و کلیه قوانین مورد نظرمان را پیدا کرده و آنها را بفرمهای گوناگون تعمیم دهیم.

* * *

فوق اندیشه ** همه خواب سفید و سیاه می‌بینند ولی خواب ما رنگی است، ما برای اولین بار افشاء می‌کنیم که در جهان باید ۳ نوع زمان وجود داشته باشد و بس، اول t_1 یعنی جریان و گذشت زمان قبل از انفجار بزرگ جهان، دوم t_2 یعنی جریان و گذشت زمان از اول انفجار بزرگ تا خاتمه کار جهان، سوم t_3 یعنی جریان و گذشت زمان بعد از پایان کار جهان بطوریکه زمان کل $t = t_1 + t_2 + t_3$ خواهد شد، حال اگر من بتوانم بطریقی شما را در مورد شکل گذشت زمان توجیه نمایم دَین خود را ادا کرده‌ام خوب توجه فرمائید، آیا تابحال در تخیّلتان فکر کرده‌اید که قبل از تأسیس و شروع جهان آیا زمان جریان داشته است یا خیر؟ و همچنین آیا تابحال فکر کرده‌اید که بعد از آخرت جهان بازهم زمان می‌گذرد یا خیر؟ بطور حتم جواب آن آریست. حال من می‌توانم بصراحت بشما بگویم که زمان یگانه پدیده و عاملی است که هرگز تمام شدنی نبوده ولی بازاء هر پریود پایان کار جهان «جهان خالی و ظلمات و سرد و ساکت و راکد و بدون نیرو و جاذبه» دیگر بوجودش برای پخته شدن طبیعت احتیاجی نیست و آنهم بدنیای عدم و نیستی بطور موقت فرو می‌رود ولی بعد از لحظه‌ای مکث طبیعی یعنی ۱۳۰ میلیارد سال دوباره برای تأسیس و شروع جهان دیگر که آنهم تکراریست بجریان خواهد افتاد، بطوریکه می‌توان گفت که زمان مانند نقطه‌ای برروی یک سیکل بسته دایره شکل همیشه جریان داشته و حرکت می‌نماید، یعنی زمان نقطه شروع و پایانی نداشته و هرگز قطع نمی‌شود و هرقدر کم شود از طرف دیگر بآن اضافه خواهد شد فقط در مسیر دایره شکل خود گاهی تند و گاهی کند شده ولی پیوسته بجریان خود ادامه می‌دهد. فرضیّه زمان و جهان کاهشی اینست که هرچه زمان می‌گذرد جهان کاهش می‌یابد، در صورتیکه اصل تکامل جهان می‌گوید هرچه زمان می‌گذرد جهان بجلوپیش می‌رود و برای هدفی کامل می‌گردد، مثلاً گاهی سئوال می‌شود که آیا اول مرغ بوده و یا تخم مرغ؟ اصل تکامل جهان می‌گوید اول تخم مرغ بوجود آمده و سپس مرغ، حال هردو اصل فوق تأکیدیست بر فرضیّه ما که زمان نه کم می‌شود و نه زیاد بلکه در روی یک سیکل بسته دایره شکل پیوسته در حال حرکت خواهد بود.

مهّم * می‌خواهم شما بدانید که ۲۰ میلیارد سال نوری حداکثر فاصله کرات را از کجا آورده‌ایم، برای اینکار می‌گوئیم بازاء هریک ملیون سال نوری ازدیاد نسبی سرعت کرات ۱۵ کیلومتر در ثانیه است، حال اگر بخواهیم این سرعت معادل نور شود باید ۲۰ میلیارد سال نوری فاصله داشته باشیم.

ابوریحان بیرونی ★★ ابوریحان محمدبن احمد بیرونی خوارزمی از جمله نوابغ و دانشمندان ایرانی نژاد و فارسی زبان ایرانست، او در سال ۳۵۲ ایرانی در حومه شهر خوارزم بدنیا آمد «۴۴۰ـ۳۶۲ هجری قمری». خوارزم یکی از شهرهای بزرگ ماوراء النهر جیحون بوده است، معروف است که چون ابوریحان از مردم خارج از محدوده شهر خوارزم بود از ینرو باصطلاح آنزمان آنرا بیرونی خطاب کرده‌اند، ابونصر عراق که خود یکی از امیرزادگان و نوابغ آنروز بشمار می‌رفت استاد علوم ریاضی و نجوم و مثلثات کروی ابوریحان بوده است، ابونصر هرچه از علم و فنون ریاضی که خود می‌دانست باضافه ۱۲ کتاب جدید که برای ابوریحان تألیف کرده بود به ابوریحان املاء کرد ابوعلی سینا دانشمند و نابغه بزرگ ایرانی و ابوسهل مسیحی طبیب بزرگ و سلطان قابوس وشمگیر از جمله دوستان ابوریحان بوده که در باب علوم و حل مسائل جهان از یکدیگر متشکر بوده‌اند. شخصیت علمی و اخلاقی ابوریحان از طبقه عالی فلاسفه و علمای ریاضی و هیئت و نجوم و طبیعی و تاریخ جغرافیا و معدن‌شناسی و مذاهب و آداب و رسوم اقوام و بالاخره ادبیات بشمار می‌رفته است. دریای علم از آن می‌جوشیده و در زمینه‌های مختلف کتاب‌ها نوشته و آثار زیادی ازخود بجای گذاشته است او از جمله علمائی است که عاری از تعصب و حسادت و خرافات و غرض‌رانی و هوای نفسانی بود و درین باره کمیاب و نادرالوجود می‌باشد. او در بیان مطالب شعاری دارد بسیار زیبا که فقط خاصه نوابغ جهانست و بس «همیشه سعی کنید که حق را بگوئید هرچند که بزیان خودتان باشد». روح عمیق و کنجکاو او در هیچ امری از مطالب تقلید نمی‌کرد، او همه چیز را اول در بوته انکار و شک تردید می‌گذاشت تا بوسیله برهان ریاضی و یا تجربی آنرا کشف نماید، او تا سند محکمی برای اثبات مطالب در دست نداشت هرگز آنرا بزبان نمی‌آورد. برعکس ابوعلی سینا که معتقد بود هرچیزی را باید پذیرفت و در بوته امکان گذاشت تا خلاف آن با برهانی قطعی و مسلّم رد شود. بیرونی اولین دانشمند ایرانیست که عقیده قدمای یونان را چندان جدّی نمی‌گرفت و تا چیزی بخودش ثابت نمی‌شد آنرا بدیگران اشاعه نمی‌داد، ازینرو اصالت و استقلال فکر او که کمتر اشتباه داشت برجسته افکار دانشمندان عالم گشت «مطابق سبک زکریای رازی». ابوریحان کتاب **التفهیم** را در تاریخ ۳۹۸ ایرانی برابر سنه ۴۲۰ هـ.ق نوشته است که شامل ریاضیات، هیئت و نجوم، تنجیم و طالع‌شناسی، جغرافیا و علوم دیگر می‌باشد، این کتاب توسط استاد جلال همائی از زبان فارسی و عربی و اروپائی بصورت یک کتاب ۷۰۰ صفحه‌ای گویا تألیف گردید که خود بزرگترین شاهکار علمی و تاریخی و فرهنگی جهان بشمار می‌رود و در سال ۱۳۵۲ ایرانی مصادف با جشن هزاره ابوریحان توسط انجمن آثار ملی ایران منتشر گردید. ابوریحان این کتاب پرارزش را برای دختری بنام ریحانه خوارزمی نوشته است، تعجب در اینجاست که درقرن پنجم سواد یک دختر دانش‌آموز ایرانی بحدّیست که او براحتی قادر بوده است که کلیه مطالب ریاضی، نجومی، طبیعی، و جغرافیا را بسهولت درک و ضبط نماید، کتاب مهم دیگر ابوریحان **الباقیه** می‌باشد که درباره تقویم، نجوم، جغرافیا، طبیعیّات، و جشن‌ها و اعیاد مشهور اقوام مختلف جهان نوشته و تقدیم سلطان قابوس وشمگیر نموده است. ابوریحان مسافرتهای زیادی منجمله به عراق کرده است، باصطلاح آنروز عراق شامل شهرری، اصفهان، همدان، نهاوند و غیروه بوده که شهرری دارای رصدخانه و دانشگاه هیئت

و نجوم و ریاضیّات بوده است. ابوریحان و ارسطو و جالینوس از جمله نوابغی هستند که اولین بار در مورد حرکت وضعی و انتقالی زمین سخن گفته‌اند، هیچ دانشمندی در جهان بیشتر از ابوریحان عاشق علوم ریاضی و هیئت ونجوم نبوده که تمام عمر خود را وقف اینکار نموده است. روزی خورازمشاه ابوریحان را برای کاری به پیش خود می‌خواند و باو می‌گوید اگر آداب و رسوم دنیوی نبود تو را پیش خود نمی‌خواندم بلکه با پای خود به نزد تو می‌آمدم چرا که علم بر همه چیز بلندی و برتری دارد ولی هیچ‌چیز برآن برتر نیست. ابوریحان در روز دهم مهرماه ۳۸۵ ایرانی و برابر ۱۷ ایلول ۱۳۲۷ اسکندری میل کلی آفتاب را معادل ۴۷ درجه و ٤٤ دقیقه در شهر خود رصد نمود، بطوریکه ملاحظه می‌شود این رقم خیلی نزدیک به دوراستاب خودمان می‌باشد که در این کتاب قید گردیده است. یعنی ۴۷ درجه که خورشید از اول دیماه تا اول تیرماه هرسال در روی یک نصف‌النهار در بالای سرمان در آسمان تغییر زاویه می‌دهد. ابوریحان طول و عرض بلاد را با توجه به طول و عرض شهرری که بزرگترین پایگاه منجمین و ریاضی دانان آنزمان بوده پیدا می‌کرده است.

ابوریحان چندسالی مقیم سرزمین هندوستان گردید و از برهمنان بودائی و علمای هندی زبان سانسکریت را بخوبی آموخت و هنر تنجیم را که قسمتی از علم نجوم و طالع‌شناسی غربی است از آنها فراگرفت، ابوریحان در کتاب الهند تصوّف و معارف هندی را با یونانی و ایرانی مقایسه کرده است، او هرقدر علم از هندیان آموخت بهمان اندازه علوم و فنون ریاضی و نجوم را بآنان آموخت که به سحر و معجزه منسوب داشته‌اند، ابوریحان با وجودیکه خودش از هنر تنجیم و طالع‌شناسی که خود ریشه علمی و نجومی دارد فوق‌العاده آگاهی داشت ولی مخالف سرسخت غیب گویان و فال‌بین‌های بی‌سواد دربار آنزمان بود و آنها را نکوهش می‌کرد، ابوریحان طرفدار علوم عقلی و منطقی و ریاضی بود نه خرافات بی اساس، روی همین حساب وسوسه فالبینان به سلطان محمود غزنوی باعث شد آنطوریکه باید و شاید احترام و مقام و مرتبت استاد را نادیده بگیرد و بر وی تعظیم و تکریم و عنایت روا ندارد، ولی پسرش امیرمسعود برعکس پدر احترام او را عالی می‌داشت و بارها سنگ گرانبهائی بنام «حجر قمر» باو تحفه می‌داد، ابوریحان هم پاداش معنوی امیرمسعود را که با جمیع مادیات و ثروتها و قدرتهای دنیوی فراهم نمی‌شد بنام کتاب **قانون مسعودی** که بزرگترین شاهکار علمی و ریاضی و نجوم بوده و از نظر ارزش برابر کتاب **بطلمیوس** می‌باشد برای او نوشت و امیرمسعود هم بعنوان پاداش متقابل یک فیل نقره‌ای برای او فرستاد ولی ابوریحان به عذر بازماندن از کارهای علمی آنرا قبول نکرد و پس فرستاد. ابوریحان درعلوم **اسطرلاب** مهارت فراوان داشت بطوریکه می‌دانیم آسطرا یعنی نجوم و لاب هم یعنی آینه، ابوریحان چون زبان فارسی، عربی، عبری، هندی، سریانی، سانسکریت، و یونانی را خوب می‌دانست لذا از کتابهای آنکشورها بهره‌مند می‌گردید. ابوریحان کتابهای فراوانی نوشته و جیب یک درجه را استخراج نموده «سینوس یک درجه» و درباره سیر نور و صوت، ترازوی ابوریحان، شاقول، قبله‌نما، نقّاله، حرکت زمین، جزر و مد، چشمه‌های متناوب، خاصیت فیزیکی الماس و زمرد، داریوش و حفر کانال سوئز، اشکال هندسی گلها، امکان خلاء، زنبور عسل، و بالاخره تنظیم نقشه در روی کره جغرافیا کتاب و مطالبی نوشته است. ابوریحان اولین کسی بود که بقوه درک علم و فراست خود ۵ قرن جلوتر سرزمین امریکا را حدس زد و

گفت در آن مدار در نیمکره شمالی باید مسکون باشد، تا اینکه در سال ۱۴۹۲ میلادی قاره امریکا توسط کریستف کلمب کشف گردید. در زمان ابوریحان جبر و مقابله باوج خود رسید و کامل گردید، در زمان او مردم جبر را «مال» و مقابله یا معادله را «مالِ مال» می‌گفتند، ابوریحان اولین شخصی است که در آن زمان تضاعیف خانه‌های شطرنج را حل کرده است، بطوریکه میدانیم تضاعیف یعنی دوبرابر کردن چیزی بطور مرتب، او کشف کرد که تضاعیف خانه‌های شطرنج مبتنی بر تصاعد هندسی است، در صورتیکه اگر خانه اول از یکی شروع شود نتیجه آن بشرح زیر خواهد شد:

$$(۲^{۶۴} - ۱) = (۱۶^{۱۶} - ۱) = ۱۸،۴۴۶،۰۷۳،۷۰۹،۵۵۱،۶۱۵$$

* * *

زیور کتاب ★★ در مورد جهان نظر همه صاف ولی نظر ما برجسته و کنگره‌دار است، من معتقدم هرچیزیکه در جهان به ذهن شخص خطور نماید حقیقت داشته و بالاخره روزی به تحقق خواهد پیوست منتها دیر و زود دارد ولی سوخت و سوز ندارد. امروزه ثابت شده است که علم و دانش و سواد کلاسیک کنونی بشر نسبی و قراردادی بوده و مطلق نیست لذا پیوسته طبیعت به علم بشری پوزخند می‌زند و آنرا بباد شوخی و مسخره می‌گیرد، چون دانش امروزی ما در مقابل عظمت طبیعت کاربردی نداشته و احساس شرمندگی می‌نماید. مثلاً علم ثابت کرده که از سرعت نور بالا تر نداریم در صورتیکه هیئت می‌گوید در فاصله ۲۰ میلیارد سال نوری از ما سرعت کهکشانها به چند برابر نور می‌رسند، و یا میدانیم اجرام سماوی باید یکدیگر را جذب نمایند پس چرا کهکشانها رویهم فرو نمی‌ریزند؟ و همچنین علم شیمی می‌گوید هیچ چیز از بین نمی‌رود پس چرا ماده در اثر ضدماده معدوم می‌گردد؟ و یا علم می‌گوید هر تیری باید در روی دو تکیه گاه باشد تا بماند در صورتیکه در هیپنوتیزم می‌بینیم که گردن شخصی را در روی یک تکیه گاه قرار میدهند و پاهای آن در هوا معلق است و آن شخص نمی‌افتد، و خیلی مسائل متافیزیکی دیگر که علم را پاسخگوی آن نبوده و در مقابل طبیعت احساس پوچی می‌کند. اینجانب افتخار دارد که برای اولین بار افشاگر و پیام‌آور مطالب مهم زیر برای شما هستم و امیدوارم که بعنوان سمبل و زیور کتاب این یادگار گرانبها را همیشه در ذهنتان منقوش و با یاد ما بازگو فرمائید:

الف ــ ضد ماده ★★ ماده از اتم و اتم از الکترون و پروتون تشکیل یافته ولی ضدماده از ضدالکترون و ضدپروتون و ضدنوترون تشکیل گردیده است (صفحه ۳۶۰).

ب ــ ضد نور ★★ میدانیم طبق قانون تبدیل انرژیها بیکدیگر چون انرژی نورانی و فوتونها روزی بجرم تبدیل می‌شوند و خود جرم هم توسط ضدماده معدوم می‌گردد لذا حتم خواهیم داشت که نور هم ضدنور خواهد داشت. میدانیم نور و حرارت خورشید دراثر معدوم شدن جرم خورشید عاید می‌گردد بطوریکه درهر ثانیه $۴/۲۴ \times ۱۰^{۹}$ کیلوگرم از جرم خورشید

کاسته شده و بابت انرژی حرارتی و نورانی بفضا ساطع می‌گردد و طبق اصل هم ارزی و تبدیل انرژیها بیکدیگر نور در چند میلیارد کیلومتر آنطرفتر به ماده و سیارات تبدیل خواهند شد. ضد نور همان ضدفوتون بوده که بصورت سایه با نور تداخل کرده و تولید تاریکی می‌نماید. همچنین باتوجه به اختلاف طول موج و ضریب انکسار و شکست نورهای ساده می‌توان از تداخل چند نور برروی یکدیگر دسترسی به تاریکی پیدا نمود.

ج ــ ضد زمان یا زمان منفی ** می‌دانیم اگر با موشکی با سرعت نور در فضا حرکت کنیم زمان خِنگ شده و متوقف می‌گردد حال اگر سرعت موشک بیشتر از نور شود یعنی از دیوار نوری بگذریم عقربه ساعت به عقب برگشته و بزمان منفی که همان ضدزمان است خواهیم رسید بطوریکه امروز بدیروز و پریروز و سالها و قرنها بعقب برمی‌گردد و ناظر فرضی می‌تواند کلیه حوادث و اتفاقات گذشته را مشاهده نموده و حتی نیوتون و افلاطون و سقراط را زیارت کند ازینرو کهکشانها و اخترنماهای دوردست که با سرعت بیشتر از نور حرکت می‌نمایند به زمان منفی دسترسی پیدا کرده‌اند. دراین حالت ناظر فرضی کهکشانها و جهان را بصورت معکوس و پشت‌ورو خواهد دید. آنوقت پدیده مراجعت شخص از مسافرت قبل از رفتن و مرگ انسان قبل از تولدش و یا مسئله برخورد خودش موقع رفتن بمسافرت با خودش در موقع برگشت در فضا پیش خواهد آمد.



از دو برادر همزاد و دوقلو آنکه در زمین مانده پیر و آنکه فضانورد شده جوان مانده است.
برادر فضانورد آنقدر جوان می‌ماند که قادر است روزی به خواستگاری نوه و نتیجه و نبیره فرضی خود برود.



اگر با سرعت مافوق نور مسافرت کنیم خودمان با خودمان برخورد و تصادف خواهیم کرد.

د ــ ضد جاذبه ★★ اگر قبول داشته باشیم که جاذبه در اثر جرم جبری کرات و ساطع شدن گراویتون از آنها حاصل می‌شود آنوقت می‌توانیم ضدجاذبه را در جهان درک نمائیم. جاذبه چیزی نیست که انسان بتواند براحتی از چنگ آن فرار کند اگر در داخل صد قوطی هم پنهان شویم باز جاذبه اثر خود را خواهد داشت. امروزه چون بشر آهنگ سفر بکرات دیگر را در سر می‌پروراند لذا تصمیم به اختراع عایق ضدجاذبه گرفته است در غیراینصورت کار مسافر کشی بفضا بدرازا خواهد کشید. همانطوریکه ضد نور فوتون و ضد ماده اتم را از بین می‌برد همانطور هم ضد گراویتون می‌تواند آنرا معدوم سازد.

ه ــ ضد طول وسطح وحجم ★★ می‌دانیم ستارگانی وجود دارند که جرم و حجم آنها ملیونها برابر خورشید، می‌باشد حال اگر این ستارگان خاموش و متراکم و چگال شوند حتی قطر آنها از چند ملیون به ۵ کیلومتر می‌رسد و جرم مخصوص آنها حتّی به $10^{20} = d$ کیلوگرم در سانتیمتر مکعب خواهد رسید. در این حالت می‌گویند ستاره نوترونی شده است «حجم شوارتز چیلد» بطوریکه چند مترمکعب از آن ستاره باندازه جرم کره زمین خواهد شد. تراکم بحدّی می‌رسد که الکترون اتم‌ها به پروتون یعنی هسته مرکزی اتم رسیده و فضای خالی در اتم دیگر یافت نمی‌شود ازینرو نوترونها اجباراً به بیرون از اتم رانده می‌شوند لذا درینصورت ستاره را نوترونی می‌نامند. ستاره نوترونی بسیار گرد و صیقلی بوده و ارتفاع کوههای بلند حتی به ۲ سانتیمتر می‌رسند و بعلت جاذبه عظیم ناظر فرضی مثل پوست پیاز در روی آن کشیده می‌شود و نور و حرارت و صدا و امواج رادیوئی از اطراف آنها عبور نخواهد کرد. در این ستاره زمان دیگر نمی‌گذرد و عقربه ساعت بعقب برمی‌گردد و بعلت انحنای نور فرضی ناظر فرضی می‌تواند پشت

گوش خود را به‌بیند و هیچ چیز قادر به انهدام این ستاره ابدی نخواهد بود. درینصورت بعلت ازدیاد جاذبه طول و سطح و حجم آنقدر جمع می‌شود که حجم آنها از صفر گذشته و پشت و رو می‌شوند ازینرو به طول و سطح و حجم منفی که همان ضدطول و ضدسطح و ضدحجم می‌باشد خواهیم رسید. بطور کلی اگر از دیوار نوری بگذریم و یا در روی ستاره نوترونی قرار بگیریم و یا در پایان کار جهان برسیم حتی دستگاه دیمانسیون قراردادی C.G.S روبه قهقرا رفته آنوقت به طول و جرم و زمان منفی خواهیم رسید و جهان را بصورت معکوس و پشت و رو خواهیم دید که همان دنیای عدم و نیستی می‌باشد که فاقد مادیات بوده ولی دارای معنویات نیز هست.

* *

انواع هندسه ** برای شناسائی کامل شکل هندسی جهان که آیا صاف و یا بسته و یا باز است باید از سه نوع هندسه زیر کمک گرفت:

الف ــ هندسه اقلیدوس ** چند قرن قبل از میلاد مسیح اقلیدوس ریاضی و هندسه‌دان مشهور جهان اولین پایه و اساس علم هندسه را براساس تعریف نقطه، خط، سطح، پایه گذاری کرد.

۱ ــ نقطه کوچکترین شکل هندسی است که فاقد سطح و حجم می‌باشد.

۲ ــ خط کوتاهترین فاصله بین دو نقطه می‌باشد مانند لبه میز.

۳ ــ سطح مستوی که مانند سطح آبهای ساکن کم وسعت اطرافمان می‌باشد.

ب ــ هندسه ریمن ** درحدود ۲ قرن پیش ریمن اساس هندسه خود را برروی سطح کروی فرض نمود که از انحناء جهان نشئت گرفته است. بطوریکه خط آن کوچکترین فاصله دو نقطه در روی کره می‌باشد «خط ژئودزی» و سطح آن کروی بوده و مجموع زوایای داخلی مثلث آن بیشتر از °۱۸۰ درجه می‌باشد.

ج ــ هندسه لوباچوفکسی ** درین هندسه اساس کار برروی سطح مقعر قیف و یا زین بنا شده است. بطوریکه خط و سطح آن مقعر بوده و مجموع زوایای داخلی مثلث آن کمتر از °۱۸۰ درجه خواهد شد (صفحه ۳۳۷). ضمناً باید دانست که از جمع دو متضاد هیچوقت نتیجه‌ای عاید نمی‌گردد ولی برای تجسم شکل هندسی جابجای جهان می‌گوئیم شکل جهان منحنی است که شعاعش بی‌نهایت است، می‌دانیم بی نهایت نجومی از بی‌نهایت فیزیک و شیمی و حتی ریاضی هم بیشتر می‌باشد.

*

زینت کتاب ** اخلاق خوب و یا حرف خوب همان کمند صید قلوب اشخاص بوده و یا زینت انسانست. تا اینجا شما کتاب را خواندید و ما هم برای اولین بار سه معادله شکل هندسی جهان را برای شما نوشتیم (صفحه ۳۳٤). ما خواستیم شما یک شناخت کلّی از وضع و شکل جهان داشته باشید، زیرا آنها برای تکمیل شکل تصوّری اقلیدوس و نیوتون و انیشتن لازم بود، حال به سه نوع شکل تصوّری جهان ما که برای اولین بار طبق حساب آلگوریتم بازگو می‌شود توجه فرمائید:

۱ ــ جهان گردابی شکل ** شکلی که هم باز و هم بسته و هم محدب و هم مقعر بوده و حرکت در آن بصورت ابدی باشد فقط می‌توانند شکل حلقوی بنام **توور** و یا **حلقه لاستیک** باشد که تمام اصول و قوانین حرکت کهکشانها را شامل شود و حتّی نظریه نیوتون و انیشتن را هم برآورده سازد، مضافاً باینکه برش و مقاطع قائم و افقی آن بصورت بیضی بوده و حلقه های گردابی شکل آن مثل فنر و یا **هلیس** بصورت مار پیچی چرخش می‌نمایند تا مسیر آن پیوسته و باز و ابدی گردد منتها هرقدر که این حلقه ها بیشتر می‌شود قطر آنها نیز افزوده شده و در نهایت بصورت گرداب قیفی شکل باز در می‌آید. (مانند شکل صفحه ٤۲۱ انتشار امواج). در اینصورت باید انفجار بزرگ اوّلیه جهانرا باور داشته باشیم. این نظریه بقوت خود باقیست تا روزیکه با استدلال قوی رد شود، در اینصورت نظریه دوم را ارائه می‌دهم.

۲ ــ جهان رودخانه شکل باز ** همانطوریکه ابرهای آسمان بصورت برف و باران برروی کوه و دشت می‌بارند و بعد از مدتی ذرّات و قطرات آب از منافذی سرچشمه گرفته و توسط جویبارهای کوچک پدیدار گشته و تولید جوی و نهر و بالاخره رودخانه نموده و بعد از طی مسیر طولانی از کوه و درّه و دشت با جریان تند و کند و سرازیری و سربالائی بصورت منحنی و صاف در مقاطع پهن و باریک سرانجام روانه دریا و اقیانوسها می‌شوند بهمان گونه هم کهکشانها مثل ذرّات همین آب از مبدئی سرچشمه گرفته و بصورت رودخانه‌ای شکل جریان می‌نمایند (مانند صفحه ۱۵۷ باید باور داشت که فضا هم مثل آب رودخانه پر است). این نظریه بقوت خود باقیست تا روزیکه با استدلال قوی رد شود، در اینصورت نظریه سوم را ارائه می‌دهیم.

۳ ــ جهان مطلق تکروندی ** ما این جهان بزرگ مطلق هستی موجود را بفارسی تکروندی نامگذاری کرده‌ایم، زیرا همه چیز عالم نسبی است جز جهان مطلق موجود. جهانهای دیگر نسبت به جهان تکروندی ما مثل یک ارزن بحجم کره زمین است، میلیاردها جهان باز و بسته با شکل هندسی و غیرهندسی در جهان ما دوش تا دوش ردیف شده و موج می‌زنند، میلیاردها جهان مستوی اقلیدوس و هذلولی نیوتون و بیضوی انیشتن و ریمن و لوباچفسکی باتمام ابعاد و گسترششان درین جهان قرار گرفته‌اند، بطوریکه جهان تکروندی ما محیط و پوشش برتمام آنها بوده و چون مطلق است دیگر حرکتی نخواهد داشت. شما توده های عظیم ابر را دیده‌اید که ذرّات آن گاهی گرد کروی و گاهی کاس مقعر و گاهی صاف و گاهی هم بی نهایت شکل مختلف بخود می‌گیرند جهانهای دیگر هم همینطور هستند ولی تمام آنها محاط و اسیر جهان تکروی‌ما می‌باشند و چهار وهله پرگاری جهانها یعنی تولید و تکامل و تحلیل و فنا درین جهان قرار گرفته است. حجم جهانهای کوچکتر ثابت نبوده و گاهی کم و زیاد می‌شوند در صورتیکه حجم جهان تکروندی ما باز و بی نهایت است (صفحه ۳٤٦

و ۳۱۷). هر شکل هندسی دارای یک حجم و دو سطح داخلی و خارجی است که می‌توان آندو سطح را با دو رنگ مختلف مشخص ساخت درصورتیکه شکل جهان تکروندی غیرهندسی ما فقط یک رو داشته و بیشتر از یک رنگ بخود نمی‌گیرد، این شکل حدّ نهائی فلک الافلاک می‌باشد. میلیاردها جهان اگر جمع شوند تازه گوشه‌ای از آنرا پر نخواهند کرد چه رسد بشمارش کرات موجود در آن، مضافاً باینکه آنهم باز بوده و بگونه‌ای جهانها از گوشه و کنار آن فرار می‌نمایند. از آنجائیکه یک فلک شناس و جهان شناس وظیفه دارد هر چیزیکه خود می‌داند برایگان برای سایرین بازگو نماید لذا فرض کنید یکی از دانشمندان به گونه‌ای با موشکی از نقطه‌ای به جدار آن نفوذ کرده و میلیاردها میلیارد سال نوری از مرکز جهان دور شود با این حساب تازه خود را به وسط جهان منعکس و نزدیکتر ساخته است آنوقت متوجه می‌شود که **جهان تا بوده چنین بوده و تا هست چنین است.** ما در هرجای جهان که مادیات وجود نداشت می‌گفتیم که معنویات هست ولی در خارج از این مرز و بوم نه هرگز فکر و اندیشه می‌تواند نفوذ کند و نه معنویات می‌تواند وجود داشته باشد و نه سازنده آن هر چیزیکه هست در داخل آنست و بس. این جهان غیرهندسی و تکروندی ما هم باز و هم بسته، هم محدب و هم مقعر، هم پشت است و هم رو، بدون لبه و بدون مرکز، و دارای حجم مثبت و منفی و زمان مثبت و منفی و جرم مثبت و منفی بوده و شکل آن فقط یک رو داشته و از پشت بهم چسبیده است و آن چیزیست در خور هستی خود و تصوّریست در اندیشه ما ازینرو من فقط تعریف آنرا گفتم و تصویر و شکل و شمایل آنرا به آیندگان واگذار کرده‌ام. برای شناخت و عظمت این جهان ما مجبوریم چند فشرده از مطالبی که در تنگاتنگ آن قرار دارد بصورت زیر شرح دهیم:

۱ ــ **آلگوریتم** ★★ حدود هزار سال پیش حساب آلگوریتم توسط خوارزمی اختراع و بعد به سراسر جهان صادر گردید، آلگوریتم به معنی الخوارزم می‌باشد. آلگوریتم یعنی آنالیز و تجزیه و تحلیل کردن مسائل پیچیده جهان و پیداکردن و نوشتن کلیه معادلات و فرمولهای مربوطه جهت حلّ کردن همان مسائل. این روش درست مثل برنامه‌نویسی کامپیوترها بوده و توسط آن می‌توان کلیه مسائل و مجهولات و حتّی پدیده‌های متافیزیکی جهان را حل و کشف نموده منتها معلومات و اطلاعات و دقت و وقت بسیار زیادی لازم دارد که مقدور هر شخصی نمی‌باشد. برای تدوین این کتاب بخصوص کلید مغز انسان و روانشناسی طالع که قبلاً متافیزیک محسوب می‌شد از این روش استفاده شده است، زیرا طالع دارای ریتم ۱۲ گانه می‌باشد که این ریتم فقط در بین سیارات منظومه شمسی و تقویم ناشی از آنها می‌باشد. من معتقدم که چون آثار حیات از خارج از منظومه شمسی آمده لذا ریتم ۱۲ گانه در سایر نقاط دیگر جهان هم یافت می‌شود. با آلگوریتم می‌توان بسیاری از رموز و اسرار پنهانی طبیعت را پیدا کرد و حتی اینکه آیا طبیعت خودش خود را آفریده و یا سازنده فراتری دارد و اگر آن وجود دارد پس کی آنرا ساخته است پی برد. همچنین می‌توان با آلگوریتم بهترین همسر و شغل را انتخاب نموده و کلیه قاتلین و سارقین و جاسوسان و مقصرین جهان را بدام و تله انداخت. مثلاً به شخصی می‌گوئیم دو عدد در ذهن خودش فکر کند و بعد بطریقی و یا توسط خودش جمع و تفریق آن دو عدد را که ۱۰ و ۲ می‌باشند بدست می‌آوریم، حال با نوشتن دو معادله و دو مجهول آندو عدد یعنی ٦ و ٤ پیدا خواهند شد. من معتقدم که با روش و بوته آلگوریتم میتوان

حتی باطن و شعور و تدبیر و تولّد و مرگ طبیعت را اگر وجود داشته باشد آشکار ساخت.

۲ ــ **با جهت و بی جهت** ** فرض می‌کنیم پنجره اتاقی باز بوده و زنبوری وارد آن می‌شود و بعد از چندبار گشت زدن از همان پنجره خارج می‌شود، در اینصورت می‌گوئیم زنبور بی جهت است. حال فرض می‌کنیم که خلبانی با یک فروند هواپیما از فرودگاهی بقصد بمباران اهداف از پیش تعیین شده بلند می‌شود و بعد از انجام مأموریت خویش به پایگاه خود برمی‌گردد آنوقت می‌گوئیم که آن خلبان جهت دار است.

۳ ــ **فرق توسعه و تکامل** ** توسعه یعنی پیشرفت و گسترش کارها در صورتیکه تکامل یعنی پیشرفت در جهت تکمیل و رسیدن به اهداف از پیش خواسته. توسعه ممکن است بصورت قهقرا و فنا و بدون ثمر انجام شود ولی تکامل ثمربخش بوده و بسمت مثبت و هدفی نهائی پیش می‌رود.

٤ ــ **بامعنی و بی‌معنی** ** در روز هزاران حرف زده می‌شود و یا هزاران کار انجام می‌شود که هیچگونه نتیجه‌ای دربر ندارند، دراینصورت می‌گوئیم آن حرفها و یا آن کارها پوچ و بی معنی هستند. حال اگر حرفها و یا کارهائی انجام شوند که همگی روی حساب و طبق طرح و برنامه باشند آنوقت می‌گوئیم که آن حرفها و یا آن کارها بامعنی می‌باشند.

۵ ــ **عدد فرا شمارش** ** ما درمحاسبات ریاضی برای اینکه زود خودمانرا راحت کنیم برای هر عدد بزرگ بی نهایت می‌گذاریم تا جواب فرمول را بدست آوریم در صورتیکه خود بی نهایت هرگز مطلق نبوده و از طرفی بی نهایت نجوم بمراتب از بی نهایت فیزیک و ریاضی بیشتر بوده و شخص عاقل کسی است که بجای بی نهایت موهومی عدد و رقم بگوید وگرنه حرفش بی اساس و غیرقابل توجیه می‌باشد. ما می‌دانیم بزرگترین عدد حقیقی جهان $۱۰^{۸۰}$ یعنی تعداد کل اجرام سماوی جهان ما می‌باشد، حال اگر این عدد را بقوه خودش برسانیم عدد فرا شمارش بدست می‌آید.

٦ ــ **شکل هندسی و غیرهندسی جهان** ** هیچ لازم نیست که شکل جهان هندسی باشد، بطوریکه می‌دانیم هزاران گل در طبیعت یافت می‌شوند که شکل آنها غیرهندسی بوده و هیچگونه لطمه‌ای به نظام و روند طبیعت هم نمی‌زنند لذا ممکن است شکل جهان بصورت غیرهندسی باشد.

۷ ــ **جهان برمبنای دو فرایند مهمّ زیر استوار است:**

اول ــ وسیله ** برای رسیدن به هدف و انجام هر کاری به لوازم و ابزارآلات همان کار احتیاج است که اصطلاحاً آنرا شیئ و یا آلت و یا وسیله می‌گوئیم که از نوع مادی بوده و همان وسیله وجود می‌باشد.

دوم ــ هدف ** آن تدبیر و منظور و پنداریکه برای رسیدن بآن کوشش می‌شود و مورد نظر می‌باشد هدف و یا طرح و برنامه نامیده می‌شود که از نوع معنوی بوده و واجب الوجود محسوب می‌گردد.

مثلاً در جنگ توپ و تانک و هواپیما وسیله ولی اهداف جنگ و کسب پیروزی مورد نظر را هدف می‌گویند که اولی از نوع مادی و دومی ازجنس معنویست، انسان درمسیرزندگی خود گاهی وسیله و گاهی هم درمقام هدف قرار می‌گیرد زیرا ارزشهای انسانی بشر چیزیست که خود برای خویش

می‌سازد و بدیگران ارائه می‌دهد. فرض کنید یک مداد بی شعور برای نقاشی کردن ساخته‌ایم دراینصورت که مداد چیزی نمی‌داند وسیله ولی نفس نقاشی هدف و یا واجب‌الوجود محسوب می‌شود. من معتقدم که پیدایش این جهان عظیم لایتناهی به هیچ وجه کورکورانه نبوده و طبق دو اصل فوق پدیدار گشته است.

۸ ــ ابزارشناسی ** از قدیم بشر بفکر اختراع لوازم و ابزارآلات بوده تا بتواند سهلتر و شیرین‌تر زندگی نماید ازینرو پیوسته از سنگ و چوب و استخوان و فلزات برای خود وسیله و لوازم می‌ساخته است. چون ضریب هوشی نهنگ و دولفین و فوک دریائی از سایرین بیشتر است لذا حسّ ابزارشناسی در آنها قوی‌تر بوده و این خود زنگ خطریست که شاید در آینده انسان آلت دست حیوانات قرار گیرد. فوک‌های دریائی با سنگ‌های کروی کف دریا یک نوع بازی می‌نمایند که شبیه به فوتبال است و از این راه احساس آرامش و شادی می‌نمایند، همچنین آنها از همان سنگها برای کوبیدن به صدفها استفاده کرده و گاهی هم به سر و کله همدیگر می‌زنند و با هم شوخی می‌نمایند، من معتقدم که این جهان هرگز وسیله بازی و شوخی برای کسی نمی‌باشد.

نتیجه ** حال با توجه بمطالب فوق‌الذکر می‌توان گفت که جهان بزرگ مطلق هستی موجود تکروندی ما دارای شکل غیرهندسی بوده و بامعنی و باجهت است که بسمت تکامل پیش می‌رود بطوریکه قطر کوچکترین حفره‌های آن میلیاردها فراشمارش سال نوری مسافت داشته و طول عمر آن میلیاردها فراشمارش سال و تعداد اجرام سماوی آن میلیاردها فراشمارش عدد است. حال اگر ملیونها دانشمند جمع شوند قادر نخواهند بود که آلگوریتم آنرا تعیین نموده و یا سر از اسرار پنهانی و عاقبت کار آن دربیاورند و یا منظور از پیدایش و هدف و تکامل جهانرا پیدا کرده و تشخیص دهند که این جهان مطلق هستی موجود تکروندی آیا از نوع مادی وسیله است و یا از جنس معنوی هدف می‌باشد!!

تحریر کتابهای آموزشی و کلاسیک ** کتاب باید خودآموز بوده و احتیاجی به معلم نداشته باشد، کتابهای فعلی آنقدر سخت و گنگ و نارسا و غلط هستند که بایستی معلم چند بار شرح دهد تا تفهیم شود. فشار کتاب بایستی در روی مغز مؤلفین باشد، محصلین چه تقصیر کرده اند. من معتقدم فقط از راه ساده و شیرین و روان و گویا نوشتن کتابهای درسی می توان کم کم طوری پیشرفت کرد که در آخر یک دفعه انسان متوجه شود که یک کارخانه و یا موشک و یا سدّی را ساخته است. در ایران کنونی که ۱۲ ملیون محصل دارد اگر ۱۱ ملیون آن ۹۵٪ کتابهای ساده را بفهمند بهتر است تا اینکه یک ملیون کتابهای سخت را صددرصد بفهمند، انشاءِ اول باید مطلب را برساند و بعد قشنگ باشد. مطالب پیچیده کتابرا بایستی آنقدر ساده نوشت که مثل دو سه تا شش تا قابل فهم باشد، منتها فقط کاغذ بیشتری می خواهد که آنهم فدای سر یک ملّت. انسان از خواندن زیاد چیزی نمی فهمد بلکه از تدریس و سؤال کردن مطلب می آموزد، من هر چه آموختم از جوابهای شاگردانم بود. امتحان نهائی با کنکور فرق داشته و اصلاً قابل قیاس نمی باشند، زیرا در امتحان فقط معدل ۱۰ ملاک قبولی است و اگر ۱۲ ملیون محصل توانستند بآن برسند همگی قبول و اگر نشد مردود هستند. ولی در کنکور که از نوع مسابقه می باشد اگر همه یکسان ۲۰ بگیرند هیچکس قبول نشده ولی اگر همه صفر بگیرند و یکنفر یک داشته باشد همان برنده است. من معتقدم برای محصلین بعد از دوره ابتدائی از هر درس باید ۱۲ کتاب نوشت. مثلاً ۱۲ کتاب فیزیک و ۱۲ کتاب شیمی و ریاضی وطبیعی وغیره. حال اگر محصلّی ۳ تا از هرکدام را تمام کرد فارغ التحصیل راهنمائی و اگر ۶ تا از آنها را تمام کرد دیپلم و ۹ تا لیسانس و ۱۲ تا دکتر علوم خواهد شد. این امر مدت را کوتاه و زندگی دوران تحصیل را شیرین و راحت و منفعت کشور را بسیار خواهد ساخت.

ooo

مهم * حداقل سالی یکبار تمرین امتحان برای محصلین لازمست.

ooo

تقویم موسیقی در ایران باستان ** جناب باربَد موسیقی دان مشهور ایرانی در زمان خسرو پرویز می زیسته است. او ۳٦۵ آهنگ برای روزهای سال و ۳۰ آهنگ برای روزهای ماه و ۷ آهنگ برای روزهای هفته یعنی ۳ آهنگ برای هر روز بعنوان تقویم موسیقی ایران ساخته بود. نقل است وقتی که باربَد با خسرو پرویز درافتاد چهار انگشت خود را قطع کرد و بکف دست نهاد و با قهر بخانه خود آمد و تمام سازها را شکست و در آتش ریخت. چند آهنگی که او با دست دیگر ساخته است آهنگ سبز در سبز. گنج سوخته. پالیزبان می باشد. سی آهنگ ماهیانه او به ترتیب عبارتند از: ۱ـ اورمزد. ۲ـ وَهمن. ۳ـ اردیبهشت. ٤ـ شهریور. ۵ـ سپندارمذ. ٦ـ خورداد. ۷ـ امرداد. ۸ـ دی بآذر. ۹ـ آذر. ۱۰ـ آبان. ۱۱ـ خُور. ۱۲ـ ماه. ۱۳ـ تیر. ۱٤ـ گوش. ۱۵ـ دی بمهر. ۱٦ـ مهر. ۱۷ـ سروش. ۱۸ـ رشن. ۱۹ـ فروردین. ۲۰ـ ورهرام. ۲۱ـ رام. ۲۲ـ باد. ۲۳ـ دی بدین. ۲٤ـ دین. ۲۵ـ اُرد. ۲٦ـ اِشتاد. ۲۷ـ آسمان. ۲۸ـ زامیاد. ۲۹ـ مانتره سپند. ۳۰ـ انارام.

ooo

مهم * کراوات علامت زندگی و تقویم مردم قرن بیستم جهانست.

ooo

انیشتن ★★ چون پروفسور آلبرت انیشتن ستاره تابناک کلیه نوابغ و دانشمندان جهانست امروز بنا دارم مطالبی چند دربارهٔ آن آبردانشمند جهان بازگو کنم، او در ١٤ مارس ١٨٧٩ میلادی مطابق با ٢٤ اسفند ١٢٥٨ ایرانی درشهر **اولم** آلمان پای بعرصه گیتی نهاد، این دانشمند چهار بُعدی ماده و انرژی و جاذبه وجرم را با هم درآمیخت وزمان رابه فضا جوش داد تا فرضیّه انرژی وجا - گاه ونسبیّت رادرجهان آشکار سازد. او در کودکی بسیار خجول و گوشه گیر و کم حرف و کودن بود ولی در جوانی بسیار شوخ طبع و شاد و مهربان وساده پوش و کمک رسان به فقرا وبالاخره دانشمند گردید، پدرش تعمیرکار لوازم برقی بود ویک قطب نما برای پسرش خریده بود، آلبرت بعدها گفته بود که یک چیز کوچک می تواند انسان را بدنیای بزرگ راهنمائی کند، او ازفشار و اطاعت والدین بیزار ولی عاشق مطالعه آزاد بود، او درجوانی ویلن آموخت ودر محافل بجای سخنرانی ترجیح می داد برای آنها ویلن بنوازد، او در کنسرتها شرکت می‌کرد تا موزیسین ها بیشتر افتخار کرده ودرآمدشان هم زیادتر شود، اوبهترین شغلی که توانست پیدا کند اداره ثبت اختراعات سوئیس بود که دفتردار شد، اودرسال ١٨٩٦ وارد پلی تکنیک زوریخ شد وبعد ازپایان استاد همانجا گردید، ودرآنزمان مرکزثقل فیزیک وریاضیات بود وبا کشف فرضیّه نسبیّت خود یکدفعه بعرش رسید، ولی متأسفانه من که پیوسته دوست داشتم درزندگی نقطه عطف وفصل مشترک علوم فیزیک وشیمی وریاضیات وطبیعی وهیئت ونجوم ومکانیک وجهانشناسی باشم وبجای چهار بُعدی دوازده بُعدی شده و ١٢ کتاب **مکانیک مدرن** برای قرن ٢١ جهان تدوین نمایم بطوریکه ازنقطه وخط شروع شده وبه جهان بزرگ مطلق هستی موجود ختم شود، وهمچنین می خواستم برای اولین بار برای بیسوادان جهان کتاب شکل دار تألیف نمایم یکدفعه درجوّواهی وپس گرا وزورگو و غیرمنطقی فرو رفتم وازنطق افتادم وخفه شدم! انیشتن با وجودیکه ساعت را درتمام نقاط جهان نصب کرد خانه خودش ساعت نداشت، اوبیشتر پیاده بدنبال کارها می رفت وروزی یکبار آنهم دررستورانهای درجه ٣ غذا می خورد ومرتب به فقرا کمک می‌کرد، اطرافیان وشاگردانش ازاواعیان‌تر وخوش لباس‌تر بودند ولی او ازآنها شادتر بود، این مهّم یعنی فرضیّه نسبیّت خاصّ درسال ١٩٠٥ که او ٢٦ ساله بود اتفاق افتاد، او گفت جرم همان انرژیست، جرم وطول وزمان همه نسبی هستند، سرعت نوربالا ترین سرعتهاست. اودرسال ١٩٠٧ فرمول مشهور $E = m.c^2$ یعنی اصل هم ارزی ماده وانرژی را ارائه داد و گفت هر ذرّه دارای یک مخزن عظیمی ازانرژیست که درآن محبوس می باشد واگر منفجر شود همان سبب بمب اتم خواهد شد. اودرسال ١٩١٦ فرضیّه نسبیّت عامّ را که شامل نسبی بودن تمام پدیده های جهان می باشد منتشر وبدین وسیله مشهورآفاق گشت. کسوفی که درسال ١٩١٩ دربرزیل رخ داد کلیّه فرضیّات وخم شدن نورستارگان را به جهانیان ثابت کرد، اومی‌گفت نیروی تخیّل وتصوّربیشتر ازعلم اهمیّت دارد زیرا دامنه علم محدود ولی تصوّرنامحدود است، اودرسال ١٩٢٢ جایزه نوبل را برد، او مخالف کمونیسم، ماتریالیسم، صهیونیسم، کاپیتالیسم، نازیسم وجنگ بود وترجیح می داد که فقط یک انسان واقعی ودور ازتظاهرولی صلحجووخاکی باشد، اومرتب می‌گفت من هیچ ملیّتی ندارم و مایلم شهروند جهان باشم.

او وقتی دراوت سال ١٩٤٥ خبرانفجاربمب اتمی هیروشیما وابرقارچی ازمردم آن شهررا شنید سخت ناراحت شد وبافسردگی شدید دچار گردید وازآن پس منزوی وگوشه گیرشد. درسال ١٩٥٢ بعد

از درگذشت **وایزمن** با و پیشنهاد ریاست جمهوری اسرائیل شد ولی او با خنده گفت من دیگر فقط همین یکی را کم داشتم و آنرا رد کرد. در زمان او شایع بود که فقط ۱۲ نفر تئوری نسبیّت را فهمیده اند وقتی او شنید بشوخی گفت این عدد بسیار مبالغه آمیز است، او فقط **خنده** را مطلق می دانست. یک ثروتمند امریکائی ۵۰۰۰ دلار جایزه تعیین کرده بود برای کسی که بتواند بطور ساده فرضیّه نسبیّت را برای او شرح دهد، فیزیکدانان زیادی شرکت کردند، دوستان انیشتن از او سئوال کردند که چرا خودت شرکت نمی‌کنی؟. او گفت اولاً ازدحام بسیار است ثانیاً می ترسم که رد شوم!!. روزی چارلی چاپلین با و گفت چون در جهان کسی قادر نیست حرفهای شما را بفهمد لذا شما مرد اوّل جهان هستید، او در جواب گفت شما که بدون صحبت با هنر و بازی خود مردم جهانرا ملتفت می سازید مرد اوّل جهان خواهید بود. از او سئوال شد که اگر با یک دوربین قوی به فضا نگاه کنید در نهایت چه خواهید دید؟. او گفت خودم را آنهم از پشت. از او سئوال شد فضای چهاربُعدی چیست؟. او گفت اجسام سه بُعدی را که شما قبول دارید همان تصویر چهاربُعدیست. او در اواخر بیشتر دوست داشت با خودش دوستی و معاشرت داشته باشد تا با دیگران، او سرانجام بعد از ۷٦ سال و ۳٤ روز زندگی در ۱۸ آوریل سال ۱۹۵۵ میلادی برابر با ۲۸ فروردین سال ۱۳۳٤ ایرانی بدرود حیات گفت و طبق وصیّت خودش سوزانیده شد تا انرژی آن پرتوئی بخش همیشگی برای روشنائی دانش بشر در جهان گردد.

ooo

خیّام ** حکیم عمر خیّام نیشابوری ریاضی دان و فیلسوف و منجم و شاعر بزرگ ایرانیست که کمتر نظیر آن در جهان متولّد گشته است، آیا هیچ می دانید که اشعار خیام چرا آنقدر باارزش و شیرین بوده و به تمام زبانهای زنده جهان ترجمه و منتشر گردیده است؟. بلی چونکه خیّام در درجه اوّل یک ریاضی دان بوده و مغزش با حلّ مسائل پیچیده ریاضی جهان آشنائی داشته و درنتیجه کاربرد فکرش در جهان به بی نهایت رسیده و هر چه گفته منطقی و راست بوده است. مشکلات اداری و مالی حکّام قدیم ایران سبب گردیده بود که فرهنگ و تمدّن و تاریخ ایرانی را بناچار گردن نهند، و نوروز را آغاز سال شمسی بشناسند زیرا آنها خراج سالیانه را بحساب سال قمری می‌گرفتند که جور نبود و گاهی هم سالی دو بار طلب خراج می‌کردند که باعث خشم دهقانان ایرانی می شد، لذا خلیفه وقت با کسب نظر دانشمندان ایرانی مجبور بود نوروز را آغاز سال شمسی قرار دهد که بعداً به سال خراجی معتضدی نام گرفت. تقویم ایرانی در سال ٤۷۱ قمری بنا بدستور ملکشاه سلجوقی توسط خیّام و منجمان دیگر با دقیق ترین شیوه علمی آنروز اصلاح شد و عید نوروز در نقطه اعتدال بهاری یعنی برابر شدن شب و روز در آغاز فصل بهار برای همیشه تثبیت گردید. من معتقدم که اقتصادیون و حقوقدانان و حتّی پزشگان جهان هم بایستی ریاضیّات خوب بدانند تا بتوانند در کارشان موفق گردند. خیّام در طول عمر خود فقط ۷۲ بیت شعر فلسفی و منطقی و استدلالی گفته است و بقیّه اشعار را بدان منصوب می دارند، معادلات ریاضی خیّام را هنوز کسی حلّ نکرده است، خیّام هم در تمام عمر خود سرگرم مبارزه با یک بُعدی های متعصب آنروز بوده است، او در یک رباعی که باندازهٔ یک دانشگاه معنی می دهد می‌گوید:

. اسرار ازل را نه تو دانی و نه من.   این حلّ معمّا نه تو خوانی و نه من.
. هست از پس پرده، گفته گوی من و تو.   . چون پرده بیافتد، نه تو مانی و نه من.

رؤیا شبانه ** فُروید دانشمند اطریشی اولین کسی بود که دربارهٔ خواب دیدن مطالعاتی انجام داد وبعد از آن یک دانشمند سوئیسی دربارهٔ خواب ورؤیای شبانه مطالعات وتجربیاتی انجام داد. درخواب باز هم مغز انسان کار می‌کند ویک جریان بسیار ضعیف از آن خطور نموده و هرگز متوقف نمی شود ولی شدت آن از روز کمتر است. پلک بدون حرکت ولی خود چشم حرکت نموده ودست ویا وسایر اعضاء بدن هم بدون حرکت می شوند. دویدن وپر کشیدن ودعوا وعشق بازی از ویژگیهای خواب است که راحت‌تر از روز از ذهن انسان بدون خجالت خطور می نمایند. اغلب مشکلات وحل مسائل و گرفتاریها درخواب حلّ می شوند. پدیده خواب دیدن بین ۵ تا ۱۰ دقیقه طول می‌کشد وبعد متوقّف گشته و اگر بیدار نشویم بقیهٔ برنامه‌ها از یک ساعت بعد مجدداً شروع می‌گردد. درآینده نزدیک با دستگاه و کلاه الکترونیک مخصوص کامپیوتری می توان تمام برنامه های خواب را درصفحهٔ تلویزیون مشاهده نمود وحتی آنها را در روی کاست ویدئوضبط کرد. خواب یا درست وبا معنی ویا غلط ورؤیائی انجام می شود. کارهای عشقی که ما در روز از آن شرم وحیا داریم بطورساده وبدون مانع درذهن ما انجام می‌گیرد، درخواب کلیه عملیات روزانه انجام می شود به جز حرکت وتکلّم. ولی اگر شدت آن زیاد شود بحکم طبیعت در اثر هیجان زیاد ازخواب می پریم و گرنه در اثر شدت ناراحتی انسان ممکن است به‌میرد زیرا راندمان هیجان درخواب چندین برابر بیداریست وهمین موضوع سبب فشار دندانها برروی همدیگر می شود که صدای آن حتّی از مسافت دورهم بوضوح شنیده می شود.

حرف منطقی ولی سوزناک ** نقل است وقتی که ناپلئون برای کشورگشائی به افریقا لشکرکشی می‌کرد وقتی خواست وارد دروازه شهری شود مرد پهلوان ودانشمندی سوار بر اسب یکّه وتنها پیش آمد و گفت این جوانمردانه نیست شما با یک لشکر مجهّز به توپ وتفنگ بجنگ ما آمده اید درصورتیکه دست ما خالی است. اگر راست می‌گوئید هر کدامتان با من کشتی بگیرید و اگریکی از شما من را بزمین زد آنگاه همه شما مجازید داخل شهرمن شوید. دراین هنگام ناپلئون دستور می دهد با تیر به سینه اوشلیک نموده وسپس ناجوانمردانه وارد شهر شوند. به‌منظور سپاس از شجاعت آن پهلوان اکنون مجسمه او در مدخل همان شهر نصب گردیده است.

معرفت زیباست ** من معتقدم شخصی ارزشمند وبااعتبار است که هم ورزشکار و هم دانشمند باشد. نقل است وقتی پوریای ولی با جوانی که مادرش یک پیرزن هندی بود کشتی میگرفت، مادرپیر در بین جمعیّت تماشاگر ایستاده بود ومرتب فریاد وضجّه می زد ودعا می‌کرد که یگانه فرزندش بزمین شرم و ننگ نخورد. ناگهان پوریا از این منظره منقلب گشت وبخاطر رضای دل یک مادرخود را به زمین کوفت و اورا برنده ساخت. بلی آن رادمرد دانشمند وپهلوان اهل خوارزم ایران بوده است.

اگـر بـهـوا روی مـگـسـی بـاشـی.   . اگـر بـر آب روی خسـی بـاشـی.
. دلـی بـدسـت آرتـا کـسـی بـاشـی.

تکبّر ** من اصلاً تکبّررا نمی شناسم ولی یک نوع خریّت وبی معرفتی را که آنهم ناشی ازنادانی و تهی مغزی و کوته‌نظری انسانست می شناسم که مردم آنرا تکبّر می‌گویند. انسان بهر شکل ومقام و شرایطی که باشد هیچگونه مالی نیست وعیناً مثل یک دانه ویروس است به حجم کره زمین. ناگفته نماند که تکبّر وافاده زنهای شرقی به مراتب از زنهای غربی بیشتر است.

هیپوتیزم یا انجماد فکر ❊❊ علم هیپنوتیزم درچند قرن پیش در اروپا پیدا شد و در آنزمان این عالیترین کاری بود که بشر بآن دسترسی پیدا کرده بود. ابتدا خیال میکردند که هیپنوتیزم فقط یک خواب عمیق است ولی بعدها بخواب مغناطیسی مشهور گردید. برای شناخت و روانشناسی و همچنین نحوه عمل آن کافی است به شرح چند مثال طبیعی در زیر به بپردازیم:

۱ــ میدانیم که نحوه شکار و دریدن گاو توسط شیر و یا پلنگ باینطریق است که ابتدا شیر نر با همسر و فرزندان خود به گله گاوی در آبشخوار حمله مینماید در اینصورت همه گاوها فرار میکنند ولی سُست‌ترین آنها از ترس در جای خود میخکوب گشته و آنگاه شیرژیان با مهارت کامل بر روی گرده او پریده و دو چنگال خود را در شانه گاو فرومی برد و از پهلو هم با چشمان خوفناک خود بچشم گاو مرتب چشم‌خوره رفته و برای ایجاد رعب و وحشت با صدای مهیب در گوش آن غرش مینماید. در این هنگام همسر و بچه‌های شیر به شکم گاو که نرمترین و لذیذترین جای بدن او میباشد حمله‌ور شده و آنرا دریده و میخورند در اینجاست که در اثر خونریزی و ترس زیاد دو زانوی گاو بزمین رسیده و در حال بین بیداری و بیهوشی از زندگانی خود ساقط میگردد. در این حال شیر نرپیاده شده و خود مشغول خوردن میشود و بعد از سیر شدن بقیه لش گاو را با دندانهای قوی و مخروطی خود بجای دیگر حمل نموده و حتی ببالای درختی برای وعده دیگر میکشاند. بهمین طریق طبق قانون جنگل آهو توسط پلنگ و کبوتر مظلوم هم توسط باز شکار میشوند.

۲ــ بارها دیده‌ایم که در گله حیوانات حیوان نر برای بدام انداختن و کام گرفتن از حیوان ماده اول خود را با آن نزدیک ساخته و به چشمان او نگاه میکند و با صدا و حرکات مخصوصی تسلط و توان طبیعی خویش را بر او استوار ساخته و او را مجبور به تسلیم انجام غریزه جنسی و حیوانی میسازد در صورتیکه صدها حیوان نر دیگر در آن حوالی وجود دارند که هرچنین کاری را نخواهند داشت.

۳ــ فرض میکنیم محلول سیّالی داریم که میخواهیم آنرا منجمد بسازیم و چند دستگاه برودت هم وجود دارد. دستگاه اول میتواند آنرا فقط سرد نموده و دستگاه دوم آنرا بصورت ژله درآورده و دستگاه سوم که برودتش زیادتر است آنرا منجمد میسازد ولی اگر برودت قطع شود محلول باز بحالت اولیه خود بازخواهد گشت. همچنین اگر تلقین قطع شود سوژه بحالت اولیه درخواهد آمد.

حال با توجه به مثالهای فوق میتوان گفت که یک سری جریانات روانی پیوسته از مغز انسان میگذرد که دیگر تابع عقل و منطق و قانون و اخلاق و تعلیم و تربیت بشر نبوده و شخص دیگری که توانش بیشتر است میتواند آنرا برای مدتی منجمد سازد و بعد از مدتی فکر از انجماد خود بیرون آمده و بحالت خطور بازمیگردد. هر قدر استاد ورزیده‌تر بوده و تمرین و تلقین و نفوذ بیشتری داشته باشد خواب سوژه عمیق‌تر و مدت آن بیشتر خواهد شد. چون ضربان قلب در اثر جریان الکتریسیته خودکار انجام میشود لذا هرگز قلب زیر تأثیر تلقین استاد قرار نگرفته و انسان نمی‌میرد ولی پیش‌بینی میشود که در آینده این علم بقدری پیشرفت خواهد کرد که از فاصله دور هم میتوان بر این جریان فائق آمد و شخص را بدون اسلحه کشت. امروزه هیپنوتیزم در بیهوشی و عمل جراحی و آموزش و معالجه بیماران روانی و مرض سرع و ترک اعتیاد و دندانپزشکی و تله‌پاتی بصورت تنها و دسته جمعی از راه دور و نزدیک با تلقین و بدون تلقین بکار میرود. بطوریکه قبلاً آمد متولدین سال ببر و ماه آبان بعلت داشتن چشمان مغناطیسی اکثراً استاد این فَن در جهان میباشند.

حرکت فضا ** اگر خیال می‌کنید که فضا ساکن است کور خوانده اید زیرا کلیه نقاط مختلفه فضا دارای سرعت و حرکت و شتاب بوده و جهان ما هم مثل آکاردئون باز و بسته می شود، منتها بفرم دیگری فضا حرکت می‌کند که دیمانسیون آن با حرکت و سرعت و شتاب معمولی اختلاف فاحشی دارد. سرعت حرکت فضا در حوزه منظومه شمسی معادل سرعت نقطه اعتدال بهاریست، بطوریکه یک روز در سال کره زمین زودتر به نقطه قبلی خود می رسد زیرا هر سال نجومی معادل ۳٦٦/۲٤۲۲ روز و هر سال اعتدالی برابر ۳٦۵/۲٤۲۲ روز می باشد، (تقدیم اعتدالین).

***

فرار از زمین ** هر شیئ که از جوّ کره زمین خارج شود با سرعت ۲۹ کیلومتر در ثانیه در جهت گردش زمین بدور آن می‌گردد تا روزیکه باز به مبداء اوّلیه خود مراجعت نماید. سرعت گردش زمین روی کلّیه موجودات آن بعنوان سرعت ذاتی اوّلیه اثر داشته و هیچگاه از بین نمی رود. چون ماه با همین سرعت بدور زمین می چرخد لذا حتم خواهیم داشت که از زمین جدا شده است. بهمین طریق زمین و سیارات دیگر از خورشید جدا شده و محکوم بگردش دور آن هستند و دورتر نخواهند رفت، پیوسته کرات در روی فضا فشار می آورند و چون جرم مخصوص سیارات از خورشید بیشتر است لذا خورشید مثل تپّه در بالا قرار گرفته و سیارات در پائین بدور آن می‌گردند و قدرت بالا رفتن و فرو ریختن به خورشید را نخواهند داشت، ضمناً ماهواره را وقتی ثابت می‌گویند که بارتفاع معیّنی رسیده و سرعت آن نسبت به نقط ای از زمین صفر باشد.

***

کوه‌زائی ** باید دانست که این کوهها در بدو پیدایش زمین نبوده اند بلکه در خلال میلیاردها سال طول عمر زمین کوه‌زائی انجام گردیده است. در هر قرن ۲/۵ سانتیمتر به ارتفاع کوهها اضافه می شود، دوره سوّم زمین شناسی یعنی **اِلیگوسن** ۸ ملیون سال پیش باتمام رسیده و ما اکنون در دوره چهارم هستیم که تازه در کویر ایران کوه‌زائی شروع گردیده است.

***

کوه قاف ** در ایران باستان کوههای البرز مرکزی را **کوه قاف** می نامیدند که سیمرغ یعنی مرغ افسانه ای با شعور در آنجا می زیسته است. کوههای **لَش دراز** البرز مرکزی عبارتند از قلّه دماوند. آفجه. شمشک. توچال. دَرکه. (قافلانکوه آذربایجان از قاف نام گرفته است).

***

روز زمین ** می دانیم ۲۲ آوریل هر سال روز زمین در جهان می باشد، بمنظور بزرگداشت این روز در سال ۱۹٦۳ یک کوه‌نوردی بین المللی بقلّه اورست که در ارتفاع ۸۸٤۸ متری می باشد انجام گردید و درنتیجه حدود ۲ تن زباله در کوه از آنها بجای ماند که از نظر پاکسازی و بهداشت محیط زیست خلاف قانون شناخته و قرار شد در سال ۱۹۹۰ در همین روز این زباله ها توسط گروه کوهنورد از کشورهای چین و شوروی و امریکا تخلیه شوند. همچنین سه کوه‌نورد هم در روی یک حلقه طناب بهم دیگر آویزان شوند که نشانه اتحاد و صلح و دوستی برای فرزندان کلیه کشورهای جهان باشد. این برنامه از طریق ماهواره که نشانه و سنبل بهداشت محیط زیست بود پخش گردید. حال من معتقدم که جمع آوری زباله های فضائی دور کره زمین مثل دستکش و دوربین و غیره فضانوردان هم بایستی در چنین روزی انجام گردد.

پدیده اینورژن ** میزان تراکم وتجمّع گازهای آلوده وسمّی و همچنین هیدروکربورهای سرطان‌زای موجود در هوای شهری را تا ارتفاع وسقف معین پدیده اینورژن ویا وارونه شدن هوا می‌گویند. اهم این گازها عبارتند از Co^2 و So^2 و No^2 که در اثر ترکیب با بخار آب موجود در هوا بصورت Co^3H^2 و SO^3H^2 و No^3H یعنی بارانهای اسیدی وسیانوربزمین فرود میآیند. پتانسیل وتراکم این گازها گاهی به ۲۵ برابر حدّ متعارف میرسند که سبب حمله قلبی وخفگی وتحریک وآلرژی درچشم و گوش وبینی وگلووریه می‌گردد. مثلاً تهران دوّمین شهر آلوده جهانست که با حدود ۲ میلیون وسیله نقلیه دودزا و ۲/۵ میلیون دودکش موتورخانه شوفاژ منازل این آلودگی بحدّی می رسد که مسافت دید تا فاصله ۶۰۰ متری تقلیل می یابد.

***

معالجه کچلی جوّ ** میدانیم که در هوا فقط دوفاکتور اکسیژن و ازت که جوّرا تشکیل میدهد نیستند. بلکه دهها گاز مفید مثل آرگون و نئون و هلیوم وغیره در هوا وجود دارند که سبب زندگی انسان و حیوان ونباتات میشوند. بعلّت ازدیاد وتراکم گاز کلر وفلور و کربن در هوا پدیده C.F.C تشکیل شده و سبب مسموم شدن و از بین رفتن گازهای مفید درجوّمیشوند. درطبقه فوقانی جوّسپری برای جلوگیری از اشعه های مضر نور خورشید وجود دارد بنام سپر ازون. محل تولید ازون همانا دوقطب شمال وجنوب کره زمین میباشد. اینک سپر جوّزمین کچل شده است. اگر من روزی پزشگ معالج این کچلی شوم چند هواپیمای ازون‌ساز به منظور وصله پینه کردن جوّبه پرواز درمیآوردم تا مانع نفوذ اشعه های مضر آلفا وبتا و گاما به جوّزمین گردد.

***

ژئوترما ** سالهاست که تولید برق و گرما از نور و حرارت خورشید درجهان ادامه دارد. حال تولید انرژی از حرارت داخلی زمین را ژئوترما می‌گویند. درحوالی کوههای آتش فشان مثل سهند وسبلان و دماوند که موّاد مذاب وداغ درزیر پوسته زمین جریان دارد میتوان با نصب وسایل الکتریکی ویا لوله کشی جهت تخلیه آب جوش از انرژی لایزال زمین استفاده کرد. بدیهیست هرقدر وسایل زیادتری نصب شود انرژی رایگان بیشتری نصیب ما خواهد شد.

***

ناخنک زدن به جوّ ** امروزه کشورهای جهان برای جلوگیری از هرگونه قحطی وخشکسالی برای نزولات جوّی اقدام به پاشیدن محلولهای باران‌زا مثل نیترات دارژان بداخل ابرهای کشورشان می نمایند. این عمل غیرطبیعی موجب کم‌آبی در کشورهای مجاورخواهد شد که بایستی در این باره قوانین بین المللی تدوین وبمورد اجرا گذاشته شود.

***

مهم ** تمام نفتی که از زمین استخراج می شود عیناً به جوّزمین تزریق می‌گردد.

***

معجزه طبیعت ** میدانیم که چوب و کاغذ و نفت و گاز موجود در کرهٔ زمین همه درآتش میسوزند. ولی جای تعجب اینجاست که خود زمین از داخل خورشید سوزان با ۲۰ میلیون درجه حرارت جدا شده

است. همچنین خنده‌آور است آب اقیانوسها که آتش را خاموش می‌کند چطور آنهم از خورشید آمده است. طبق همین نظریه باین نتیجه می رسیم که کلیه اجسام مادی جهان دربدو پیدایش قبلاً بصورت انرژی یعنی نور و حرارت بوده و بعد هم بصورت انرژی در جهان باقی خواهند ماند.

برف یا ذغال سفید ★★ امروزه ثابت شده که ۳/۲ انرژی پتانسیل کشورهای جهان ناشی از برف است. بعد از ریزش برف در جنگل و کوه و دشت و شهرها توسط خورشید بمرور ذوب شده و بصورت جوی و نهر و رودخانه برای تولید انرژی پتانسیل در پشت سدها متوقّف می‌گردد. این انرژی ذخیره‌شده به سه صورت مصرف می شود. اول لوله آب کشاورزی و دوم لوله آب مصرف آشامیدنی و بخار ژنراتور برق ساکنین شهرها و سوم آب تحت فشار پشت سدها برای گردش توربین های برق. امروزه برای تولید و انرژی بیشتر از این ذغال سفید از احداث چندین سد پی درپی بر روی رودخانه ها استفاده می شود تا توان وراندمان و پتانسیل انرژی را برای مردم جهان بیشتر سازند.

٭٭٭

تغییرات هوش در روز ★★ می دانیم درطول روز حافظه و هوش انسان ثابت ویکنواخت نیست. بطوریکه در روی ۱۲۰۰ نفر دانشجو در ساعات مختلفه روز آزمایش بعمل آورده اند معلوم گشته در ساعت ۸ صبح چون بعد از خوابست راندمان هوش و حافظه انسان صددرصد و در ساعت ۱۱ نود درصد و در ساعت ۱۳ هشتاد درصد و در ساعت ۱۷ به هفتاد درصد خود می رسد. ازینرو ارزش زمان وثانیه ها جهت فراگیری دروس برای محصلین در صبح ها بیشتر از عصرها می باشد.

٭٭٭

سه اثر مهّم ★★ انسان در اثر شنیدن هوشیار و در اثر حرف زدن فعّال و در اثر نوشتن بسیار دقیق و کنجکاو می شود. ولی از من به شما نصیحت که همیشه اولی را انتخاب نمائید زیرا از همه آسانتر بوده و هیچگونه دشمن تراشی هم نمی‌کند.

روانشناسی عشق ★★ در طبیعت پدیده‌ای وجود دارد بنام عشق. این غریزه که از بزرگترین نیروهای جهان می باشد از طبیعت دریافت گردیده است. اگر تمام درختان جهان قلم شوند و دریاها مرکب گردند و ملیونها دانشمند جمع شوند هرگز قادر نخواهند بود که عشق را توصیف نمایند، درصورتیکه این نیرو وجود داشته و بهانه ومبداءِ و مولود زندگی انسانست. این نیرو کم وبیش در حیوانات و چه بسا در نباتات هم ممکن است وجود داشته باشد. نیروی عشق آنچنان قویست که کوهی را از جا می‌کند، انسان فقط بخاطر عشق خودکشی می نماید، ما بوجود آمده ایم تا عشق بورزیم. بعضی ها سعی کرده اند که عشق را از طریق هنر و موسیقی و نقاشی و شعر و فرهنگ و ادب توصیف نمایند، ولی هر چه کوشیدند نتیجهٔ کمتری عایدشان گردیده است. عشق از تمام غرایز طبیعی بشر مثل خوردن و خوابیدن و مالکیّت و بالاخره امور جنسی و شهوترانی بالاتر و قوی‌تر است. عشق ممکن است به هنر و وطن و ورزش و دین و مذهب و یا به شخص و یا چیز دیگری ورزیده شود. از نظر طبیعی و غریزی می توان عشق را چنین تصویر کرد. آن نیروی عظیم و معنوی و احساسی و عاطفی و ذهنی انسان را که باعث کشش و حرکت شخص بسوی هدفی خاص گرایش پیدا می‌کند می توان پدیده عشق نامید. چون نیروی عشق در نهاد انسان قوی‌تر از سایر غرایز می باشد لذا می توان آنرا نیروی مطلق انسان قلمداد نموده و بقیه را بطور درصد نسبت به آن قیاس

نمود. این جهان را مثل یک کارگاه و کلاس درس تشبیه کرده که درس اول و آخر آن عشق آموختن است. می‌گوید هر چه زودتر این درس را فرا بگیر زیرا ممکن است جهان آخر شود و توبی بهره بمانی.

عاشق شوورنه روزی کار جهان سرآید. ناخوانده درس مقصود از کارگاه هستی.

* * *

روز عشق در جهان ** عشق ورزیدن و دلدادگی هنریست مافوق هنرها در جهان که آنهم فرهنگ خاصّ می خواهد زیرا فقط وجه تمایز انسان و حیوانست و بس. در جهان کنونی مادّی و صنعتی که تمام انسانها مثل ماشین سرگرم تهیه پول و مادیّات و مقام و شهرت می باشند بلی روزی لازمست بنام روز معنوی عشق که چون ستاره تابناک بر تارک زندگی آنان بدرخشد. در ۱۷۰۰ سال پیش یک کشیش سیاه پوست عاشق پیشه بنام **والِن** روز ۱۴ فوریّه یعنی ۲۵ بهمن را بنام روز عشق بنیان گذاری کرد و این روز بنام **والِن تایم دی** در تاریخ بنام او ثبت گردید. در این روز دختران یونانی اسم خود را در روی کاغذی می نوشتند و جمع می‌کردند و پسران هرکدام یک عدد برمی داشتند. نام هر دختری که می آمد برای مدت یکسال آن دختر عشق و آرزوی آن پسر خوانده می شد. اکنون در امریکا این روز مجدداً احیا شده بطوریکه در سال ۱۹۹۰ حدود ۹۰۰ ملیون کارت عشق چاپ و توزیع گردید که بطور متوسط بهر نفر چهار کارت رسیده است. اینکار در روزنامه و مجلات و رسانه های گروهی نیز انجام می شود، مثلاً ساده‌ترین آنها اینست (مری دوستت دارم — جان).

«از صدای سخن عشق ندیدم خوشتر»
«یادگاری که در این گنبد دوّار بماند»

* * *

تسبیح زاغیان ** انسان همیشه در زمان گذشته زندگی می‌کند و در زمان گذشته هم می میرد و زمان حالی وجود ندارد چه رسد بزمان آینده وانگهی گذشته ها هم گذشته است، شما هر لحظه ای را که می‌گوئید زمان حالست من می‌گویم آنهم که گذشت، زیرا وقتی آن لحظه را درک می‌کنیم که دیگر وجود ندارد، مثلاً این نور ستارگان را که ما می بینیم مربوط به ملیونها سال پیش است و نور و حرارت خورشید مال چند دقیقه گذشته بوده و صدای رادیو متعلق به چند لحظه پیش است که از فرستنده برخاسته و در راه بوده و بگوش ما رسیده و سپس در تخیّل ما خطور کرده است. فرض کنیم در استخری پر از ماهی شنا می‌کنیم که مرتب ماهیان با بدن ما تماس می‌گیرند ولی پوست بدن ما قادر بگرفتن آنها نیست، همینطور لحظات می‌گذرند و ما حسّ می‌کنیم ولی قادر به توقّف حتّی یک ثانیه از آن هم نیستیم. حال اگر این لحظات گذران را مثل دانه های تسبیح فرض کنیم می توانیم با نخی آنها را به زنجیر و کنترول خویش درآورده و بصورتی متوقف سازیم، می دانید آن نخ کدامست؟. بلی آن نخ همان نخ عشق است که می توان تمام لحظات زمان را بهم دوخت و در اختیار گرفت. فقط با نخ خاطرات و سوز عشق می توان زمان گذشته و حال و آینده را تسخیر کرده و ماهها و سالها و قرنها و حتّی زمان بعد از مرگ را هم مصوّر خاطرات آیندگان بسازیم.

«غیر از گوهر عشق که پاینده و باقیست»
«باقی همه چون موج ز دریا گذرانند»

گرینویچ زاغیان ⋆⋆ یگانه ایراد منطقی که مردم جهان میتوانند از انگلیسیها بگیرند آنست که چرا مبداءِ طول جغرافیا و همچنین مبداءِ زمان کره زمین را در گرینویچ گرفته اند. زیرا حداقّل قضیه آنست که این نقطه باید در روی دایرهٔ استوا باشد که عرض جغرافیای آن صفر است. تازه آنهم بایستی در روی آب باشد تا ارتفاع مکان از سطح دریا معادل صفر گردد (خلیج گینه). در ینصورت نقطه مقابل آنهم که بایستی ۱۲ ساعت اختلاف داشته باشد غرب جزیره **بیکر** خواهد شد که در روی آب و خط استوا قرار دارد. باشد روزیکه در قرون آینده در اثر انفجار صد میلیاردی جمعیّت کرهٔ زمین گرینویچ به نقطهٔ موعود خود بکسول شود. حال در آن شرایط اگر کرهٔ زمین و کف هواپیما را شیشه بلورین فرض کنیم اگر شخصی در گرینویچ جدید باشد خودمانی ترین جای بدن مسافرین را در حین عبور از نقطهٔ مقابلش یعنی نصف النهار ۱۸۰° درجه خواهد دید. من معتقدم که درآینده باید رصدخانه ها و رادار و مراکز اطلاعاتی و رادیوئی منظومه شمسی در این دو نقطه و قطب شمال و جنوب کره زمین احداث گردند.

⚬⚬⚬

جزیره شنبه یکشنبه ⋆⋆ در اقیانوس آرام شمالی جزیره ای وجود دارد که نصف النهار و طول جغرافیائی ۱۸۰° درجه از آنجا میگذرد و چون مقابل نصف النهار صفر گرینویچ فعلی می باشد از ینرو ۱۲ ساعت اختلاف داشته و چون تقویم روزانه کرهٔ زمین در آنجا تعویض می شود لذا جزیره شنبه یکشنبه نام گرفته است.

⚬⚬⚬

فصول چهارگانه مطلق زاغیان ⋆⋆ فصول نزدیک به مطلق عبارتند از:

بهار	⋆	ساعت	٦	صبح اوّل فروردین در روی خط استوا.
تابستان	⋆	ساعت	۱۲	ظهر اوّل تیر در مدار رأس السرطان.
پائیز	⋆	ساعت	٦	عصر اوّل مهر در روی خط استوا.
زمستان	⋆	ساعت	٢٤	نیمه شب اوّل دی در قطب شمال.

«بامدادان که تفاوت نکند لیل و نهار»
«خوش بود دامن صحرا و تماشای بهار»

⚬⚬⚬

تطابق سال شمسی وقمری ⋆⋆ مثلاً اگر روز ۱۳ رجب سال ۱۳۵۱ قمری با روز ۲۲ آبان سال ۱۳۱۱ شمسی مصادف بوده باشد می خواهیم بدانیم در چند سال دیگر این تطابق مجدداً صورت میگیرد؟ محاسبه بطریق زیر می باشد:

ثانیه مدت زمان سال شمسی.	$T = ۳۱,٥٥٦,۹۲٦$
ثانیه مدت زمان سال قمری.	$t = ۳۰,٦۱۷,۳۱٦$
نسبت بین سال شمسی و قمری.	$n \frac{T}{t} = ۱,۰۳۰٦۸$
ثانیه اختلاف سال شمسی و قمری.	$E = T - t = ۹۳۹,٦۱۰$
تعداد سالهای شمسی برای تطابق.	$N = \frac{T}{E} = ۳۳/٥۸٥,۱۳۲$

یعنی پس از گذشت ۳۳ سال و ٤ ۲۱ روز مجدداً تطابق انجام میگیرد که آنرا سال قِران تطابق هم میگویند.

عید نوروز ایران ** ایرانیان باستان درزمان بسیار کهن آغاز فصل بهار را که کره زمین در نقطه اعتدال بهاری قرار می‌گرفت و مدت شب و روز یکسان می شد جشن می‌گرفتند، آنها بر این باور بودند که پس از پایان برف و سرما و یخبندان و افسردگی گل و گیاه دوباره طبیعت زنده شده و رونق می‌گیرد. رفته رفته بحکم منطق و طبیعت سرانجام این روز آغاز سال و مبداءِ تقویم ایران گردید و نوروز نام گرفت ازینرو اعراب نوروز را فیروز می‌گویند. **نوروز** به تحقیق مثل ملّت ایران عمری چهار هزار ساله دارد که سه زرتشت بخود دیده است، اول زرتشت منجم و فیلسوف و دانشمند، دوّم زرتشت راهنما و کمک‌رسان به مردم، سوّم زرتشت پیامبر. ایرانیان سال را به دو نیمه سرد و گرم تقسیم کرده و آغاز نیمه سرد را بنام **مهرگان** و آغاز نیمه گرم را بنام **نوروز** جشن می‌گرفتند، و دو جشن دیگر هم بنام **تیرگان** برای شروع تابستان و **یلدا** برای شروع زمستان بآنها اضافه می شد. آنها سال را ۳۶۰ روز بحساب می آوردند و آن ۵ ساعت و روز و ۴۸ دقیقه و ٤٦ ثانیه فعلی را بنام **گاهان بار** ویا **پنجه وه** ویا پنج روز نیک جزءِ ایّام تعطیل جشن های نوروزی می پنداشتند تا مراسم سال تحویل اختراع گردید. آنها باور داشتند که ارواح نیاکانشان همواره در این ایّام که طبیعت تولّد دوباره می‌گیرد به زمین فرود می آیند تا به بازماندگانشان خیر و برکت و شادمانی وخوشبختی عطا نمایند، ازینرو بخاطر خوشایند ارواح خود لوازم و لباس نو در کانون خانواده خویش تدارک می دیدند و صلح وصفا و دوستی و مهر را از آنان آرزو می‌کردند. آنها هفت نوع بذر غلّه سودمند را در این ایّام سبز می‌کردند و به نشان عدد مقدّس هفت آنها را در هفت قاب چینی باضافه گل و گیاه و شیرینی و حلوا و سکّه و ماهی و پنیر و نارنج در کنار آینه و شمعدان و تخم مرغ رنگی در خوان زیبای نوروزی می آراستند، درغروب آفتاب همه دور این سفره گرد می آمدند و شادمانی می‌کردند، شب هنگام آتشی بر روی بام منازل می افروختند و دور آن دست افشانی و پایکوبی می‌کردند تا بخیالشان ارواح در آنجا فرود آیند، بعدها این مراسم در شب چهارشنبه سوری تثبیت گشت. چون فرهنگ عرب حرف چ نداشت لذا هفت چین به هفت شین و بعد بفرم امروزی یعنی هفت سین شهرت یافت. از ویژگیهای این جشن مراسم آشتی کنان و عروسی و سیاه‌بازی و حاجی فیروز، و دید و بازدیدها بود که بعدها حسّ وطن پرستی و ملّی گرائی را در دل ایرانیان اصیل جرقه زد، جشن های نوروزی از شب چهارشنبه‌سوری شروع می شد و در روز ۱۳ فروردین بنام **سیزده بدر** ختم می‌گردید، بامزه اینکه مردم برای رفع نُحوست این روز به دشت و صحرا می رفتند ولی در آنجا هم با یکدیگر دعوا و کتک کاری می‌کردند. نقل است روزیکه جمشاه به آذربایجان رسید آفتاب دربرج حمل بود و چون او بر تخت کیانی نشست پرتوی آن تاج و تخت شاه را گرم و روشن کرد و چون بزبان پهلوی شعاع را **شید** می‌گویند لذا بر جم افزوده شد و آنرا **جمشید** یعنی شاه روشن و آنروز را هم **نوروز** نام نهادند. درآستانه نوروز سال ۱۳۷۰ ایرانی اکثر مردم نقاط کره زمین مثل ایران، افغانستان، عراق، ترکیه، سوریه، قفقازیه، کویت، بحرین، یوگسلاوی، هند، لوس آنجلس، جنوب شوروی، مراسم عید نوروز و سال تحویل را در پای سفره هفت‌سین جشن گرفتند. بامید روزیکه تمام مردم جهان این لحظه ورق گردان و شکوهمند را جشن گرفته و مبداءِ تاریخ روز و ماه و سال و قرن خود و کرات منظومه شمسی قرار دهند!.

«از نسیمی دفتر ایّام برهم می خورد»
«از ورق گردانی لیل و نهار اندیشه کن»

چرخه فکر زاغیان ** من تمام پدیده های جهانرا بصورت یک دائره می بینم و چرخه فکر من دائره است. مثلاً گردش زمین بدو خورشید و گردش ماه بدور زمین و گردش فصول سال شمسی و سالهای چینی وسیکل طبیعت و انفجار بزرگ جهان و غیره همه بصورت دائره می باشند. ازینرو بصراحت می توان گفت همه چیز در جهان بصورت دائره در حال گردشند و هر نقطه پایان تازه خود نقطه شروع جدید آن پدیده است وبجای پایان باید گفت آغاز دگر. از نظر فلسفی خدا وآفریدگار و پروردگار همه با هم فرق دارند

ooo

مهم * پایان هفته و ماه وسال همان اول هفته و ماه وسال است.

ooo

شعور و اندیشهٔ طبیعت ** فرض می‌کنیم در روی پشت یک فیل بزرگی تعداد زیادی رشگ و کنه وجود دارند و مدتهاست از لابلای شیارهای گرم بدن آن فیل تغذیه و تولید مثل وزندگی می نمایند و خیال می‌کنند که بستر آنها مثل کره زمین بی شعور است. درصورتیکه هیچگونه اطلاعی ندارند که بستر گرم آنها هم عامل باشعور بوده و خودش زندگی می‌کند وطول عمرش نیز محدود بوده و در مقابل طبیعت عاجز و وجود آنها را هم در روی پشت خود حس کرده وآگاه می باشد. و هروقت که اراده کند در آنی روی زمین چرخی می خوردو تمام آنهارامعدوم می سازد،لذاهمینطور است برای ماو زمین وشعورطبیعت در جهان.

ooo

سیب زاغیان ** اگر جرم سیب نیوتون را که از ارتفاع ۱۰ متری درخت بزمین سقوط کرد معادل ۲۰۰ گرم و مدت زمان لازم برای جذب وبالا رفتن آب وخاک وغذا را که سیب پخته میشود ۱۰۰ روز فرض نمائیم مقدار کاریکه از طرف طبیعت بزرگوار برای ما انجام میشود بصورت زیر است:

کیلوگرم متر ــ کار $\qquad W = ۰/۲ \times ۱۰ = ۲$

$$\text{توان} = \frac{\text{کیلوگرم متر}}{\text{ثانیه}} \qquad P \frac{w}{t} = \frac{۲}{۸۶۴ \times ۱۰^{۴}}$$

عصاره تکامل حیوانات انسانست ** تازگی باین نتیجه رسیده اند که هرقدر سلولهای عصبی مغز حیوانی منظم تر و ظریفتر باشد آن حیوان از سایرین با هوشتر است. مثلاً در چند حیوان باشعور سلولهای مغز میمون منظم تر از روباه و روباه ظریفتر از گرگ می باشد. در گذشته میمونی می زیسته است بنام **نئاندرتال** که فرم و طبقه بندی سلولهای مغز او از همه منظم تر و پیشرفته تر بوده که انسان اوّلیه از آن منشعب گشته است. حال این نظام و آرایش سلولها و همچنین طرز قرار گرفتن چین وشِکن های مغز انسان بقدری ظریف و دقیق و حسّاس و پیشرفته هستند که دیگر قابل قیاس با سایر حیوانات نمی باشد لذا از اینجاست که انسانرا اشراف حیوانات عالم لقب داده اند. طول ردیف شیارها و تضاریس مغز انسان اگر باز شود به حدود ده کیلومتر می رسد درصورتیکه برای حیوانات بصد متر هم نمی رسد. وانگهی کلیه سلولهای عصبی مغز انسان بگونه ای با یکدیگر ارتباط داشته و همین موضوع سبب بالا رفتن و افزایش تفکّر و هوش انسان گردیده است. وزن و حجم مغز مهّم نیست آنچه که مهّم است حساسیّت و ظرافت و پیچیدگی شیارهای مغز انسانست. ملیونها سال دیگر جانوری از انسان منشعب می شود که انسان امروزی در مقابل آن یک حیوان خرفتی بیش نخواهد بود.

***

مهّم * نقش رستاگر و کد فکری انسان ** همانطوریکه یک جعبه تایمکس در ادارات وجود دارد تا هر کارمندی وارد می شود یک ساعت معیّن در روی کارتش ثبت می نماید، همانطور هم در گردش زمین بدور خورشید در هر روزیکه انسان متولّد می شود از طرف طبیعت و سیارات یک کد فکری خاصّی بر روی چین و سلولهای عصبی مغز او نقش می زنند که من می‌گویم طبیعت بر پیشانی اوقلم زد و کُد فکریش دیگر حک گردید. این نقش در نظام و آرایش شیارهای مغز انسان بسیار مؤثر بوده و طرز فکر و نهاد انسان را قالب می ریزد. تعداد قالبهای لازم برای ریختن بافت و فرم بندی و چین وشِکن های مغز انسان جهت تشکیل نهادهای گوناگون و کد فکری برای سالهای چینی ۱۲ نوع وبرای ماههای ایرانی ۱۲ فرم بوده که درجمع ۱٤٤ نوع قالب می باشد. این قالبها از طرف طبیعت وجاذبه ماه وخورشید وسیارات و ستارگان جهان بنوعی در روز تولّد واقعی نطفه در رحم مادر بر روی مغز کودک بعنوان کلید مغز اسان نقش می‌گردد. مثلاً نهاد تمام متولدین آبان ماه یکی بوده ویا متولدین سال میمون در طالع چینی یکسان می باشند. بطوریکه در زمانهای مختلف که زمین در نقاط متفاوت قرار داشته وسیارات منظومه شمسی هم جاذبه وریتم خاصّی را تولید کرده اند انسان عکس العمل و فکر خاصّی را از خود بروز می دهد. بعنوان یک مثال واقعی یکروز منشی دوستم پیامی را تلفنی بمن داد و چند لحظه بعد برادرزاده ام تلفن زد، چند لحظه بعد که تلفن بصدا درآمد فریاد زدم هر که هستی متولد سال بز و ماه آذر هستی. با کمال تعجب همینطور هم شد!!.

همدوره و هم عصر زاغیان ** می دانیم هزاران سال است که سگ و گربه و مرغ وخروس و گاو و گوسفند واسب والاغ اخیراً هم خرگوش و میمون و سایر حیوانات دیگر وارد زندگی انسان شده اند. و نهنگ و دولفین هم از داخل دریا چشمک دوستی ورفاقت بانسان می زنند. بعد از ملیونها سال دیگر روزی می رسد که همه آنها قادر خواهند بود که با هم رفاقت وصحبت نموده و از درد دل هم باخبر شوند، مثلاً روزی فرا می رسد که سگی به شخصی می‌گوید در هزاران سال پیش پدر و مادر جدّ شما جلوی چشم

پدر و مادر جدّ من لخت عشق بازی می‌کردند و خجالت هم نمی‌کشیدند، و یا روزی می رسد که انسان با حیوانات دیگر در کره مریخ کمیسیون برای تسخیر پلوتورا تشکیل می دهد. انسان و حیوانات روزی بدنیا می آیند و روزی هم از این دنیا می روند و دیگر هم زندگی آنها تکرار نمی شود، حال اگر عمر متوسط انسان و حیوانات را حدود صد سال الفت بگیریم این مدت در مقابل میلیاردها سال طول عمر جهان مثل یک ارزن به حجم زمین است. ما که در این جهان در قرن ۲۱ زندگی می‌کنیم همه انسانها با حیوانات نامبرده بالا و تمام حیوانات دیگر جهان اعم از پرنده و چرنده و خزنده و ماهیان همه از نظر طبیعی و حیات در این مقطع از زمان با هم همدوره و هم عصر می باشیم و آنها حقّی دارند، لذا علاوه بر کمک انسانهای همدوره باید به حیوانات هم عصر خود که بیشترین غذای ما را هم تشکیل می دهند کمک کنیم تا تعادل و نظام طبیعت واژگون نشود. در جنگ ژانویه ۱۹۹۱ بین عراق و متحدّین غربی که طرفین مخاصم زورشان به یکدیگر نمی رسید آنها صدها چاه نفت را آتش زدند و دهها ملیون بشگه نفت به خلیج فارس سرازیر کردند و پای وحش بیچاره یعنی پرندگان و ماهیان همدوره ما را به میدان جنگ ناخواسته کشیدند و همه آنها را مثل قیر سیاه کردند. بطوریکه ۲۰۰ سال بعد از جنگ هم این بدبختی وسیاه‌بازی برای آنان باقی خواهد ماند.

«عمر با صد ساله الفت بی وفائی کرد ورفت»
«از که دیگر در جهان چشم وفا دارد کسی»

فراموشی یا بزرگترین نعمت بشر ** اگر فراموشی نبود هجوم کلیه ناراحتیها و گرفتاریها مثل غم و غصّه و ناکامی و بخصوص غم فوت عزیزان انسانرا از پای درمی آورد. بطوریکه دیگر جریان و گذشت زندگی بشر راکد و حتّی متوقّف می‌گردید. فراموشی چند دلیل بشرح زیر دارد:

۱ — بیرون راندن اطلاعات قدیم توسط اطلاعات جدید در مغز.
۲ — تداخل اطلاعات قدیم و جدید و درنتیجه محو یکدیگر.
۳ — از بین رفتن تعداد زیادی از سلولهای عصبی مغز.
٤ — ازدیاد سن و بیماریهای زیاد و ناهنجار.
۵ — ناتوان شدن و یا از بین رفتن انرژی حافظه در مغز.
٦ — ناتوانی و یا عدم بمباران مراکز اطلاعاتی مغز توسط اتمهای مواد شیمیائی حافظه.
۷ — ضعیف شدن جریان الکتریسیته بین دو نیمکره مغز.
۸ — عدم تمرین و مطالعه و محاسبه و مذاکره و معاشرت.
۹ — مصرف زیاد مشروبات الکلی و داروهای ناهنجار.
۱۰ — اضطراب و نگرانی و چند نوع دیوانگی مخصوص و حادّ.
۱۱ — سفلیس پیشرفته از نوع درجه چهارم.
۱۲ — نرسیدن خون و غذا و اکسیژن به سلولهای عصبی مغز.

حال برعکس مطالعه و تحصیل و ورزش و تفریحات سالم و موسیقی و تنفس در هوای پاکیزه باعث افزایش راندمان حافظهٔ انسان خواهد شد.

. تو نه پندار فراموش شوی از دل من مگر آنروز که درخاک شود منزل من.

اِسکیتوفرینیا ** یک درصد اشخاص مرضی دارند بنام اِسکیتوفرینیا. این مرض ناشی از خون آنهاست بطوریکه ۲۵٪ آنها خوب می شوند ولی بقیه بدتر می‌گردند. در مغز آنها چندین نقطه وجود دارد که دیگر خون جریان نداشته و این سبب می شود که آنها بسیار بدبین و مشکوک شوند. بطوریکه اگر هواپیمائی در بالای سر آنها پرواز کند خیال می‌کنند که برای عکس برداری و جاسوسی و کشتن آنها آمده است!!.

ooo

مهم * منهای مواد مخدّر همه چیز جهان طبیعی است.

ooo

هدف اززندگی وعاقبت کارجهان ** انسان روزی دست خالی بدنیا می آید و روزی هم دست خالی از این دنیا می رود. باسواد و بی سواد و فقیر و ثروتمند همه یکسان هستند. در هر مقام و شرایطی هیچکس مالی نیست و چیزی هم با خودش نمی برد. نام خوب و بد هم حداکثر تا ده هزار سال می ماند که در مقابل میلیاردها سال طول عمر جهان بسیار ناچیز است.

سرمایه تو در این جهان یک کفن است. آنهم بگمانم ببری یا نبری.

طول عمر ما نسبت به جهان مثل ضخامت یک تیغ ژیلت روشن است نسبت به میلیاردها کیلومتر تاریکی در سمت راست و چپ آن که نشانه زمان گذشته و آینده است. حال ما چطوری می توانیم سر از اسرار پنهانی و عاقبت کار جهان درآوریم. لذا درینصورت قضاوت ما از جهان سرسری و واهی بوده و اصل چیز دیگر یست که فلک هم نمی داند. اگر کسی بخواهد از عاقبت کار جهان سر درآورد باید باندازهٔ طول عمر جهان بزرگ مطلق هستی موجود عمر داشته باشد تا اول و آخر و وسط جهان را به بیند تا بتواند خوب قضاوت کند. وقتی من می شنوم شخص پیری بعد از سالها بیماری درگذشته است خوشحال می شوم. زیرا بالاخره او بعد از سالها کار و کوشش و زندگی به هدف نهائی خود رسیده است و دیگر هیچگونه گِله و شکایتی برای اطرافیان نیست. ازینرو شما هم روزی موفّق شده و به هدف نهائی خود خواهید رسید. گیریم ده سال هم بیشتر ماندید همه اش چند بشگه آب و غذا بیشتر مصرف می‌کنید اینکه چیزی نیست. ما مثل سوخت موتور جت هستیم و جهان مثل خود جت است بطوریکه ما بعقب زده می شویم تا جت جهان بسمت جلو و تکامل پیش رود.

حقیقت تلخ است ** بعضی اشخاص غلط اندیش و رند و واهی گرا که همه آنها متأسفانه زن هستند می‌گویند بهتر است که ما اسرار پنهانی جهان را مبنی بر اینکه روزی همه چیز در جهان از بین می رود و ما هم می رویم ندانیم. زیرا ما می خواهیم این چند روز عمر را در زندگی الکی خوش باشیم. درست مثل اینست که آنها بگویند بگذارید که ما مثل یک حیوان باشیم و چیزی هم از جهان نفهمیم آنها نمی دانند فقط فرق انسان و حیوان همین است و بس. حال من می‌گویم اگر ما اصل و اساس و رَوند و سیر تکامل و قوانین طبیعت و جهان را خوب بدانیم مثل پولاد آبدیده می شویم و آنوقت می توانیم عالی و پاکیزه و باگذشت و شیرین زندگی کنیم. حیف که آنها سطحی اندیش بوده و نمی دانند که حقیقت در جهان از همه چیز شیرین تر و لذیذتر است.

گر هست بگو. نیست بگو. راست بگو.

مکانیک مطلق زاغیان ** امروز سر آن دارم که اندیش مایه فکر خود را که برآیند زندگی خویش می باشد با زبان علمی و ساده قرن ۲۱ برایتان بازگو نمایم. می دانیم تا کنون در جهان سه نوع مکانیک تدوین گردیده است. اول مکانیک کلاسیک و عمومی نیوتون، دوم مکانیک نسبی انیشتن، سوم مکانیک کوانتومی اتم. حال می خواهم بشما بگویم که این سه نوع مکانیک هرگز جوابگوی علم و دانش و صنعت امروزی جهان نمی باشد زیرا کارها معطل مانده و بایستی راه حل دیگری پیدا کرد. آب در صفر درجه سانتیگراد یخ زده و متبلور و یا کریستال می شود، زیرا فقط حرارت محیط است که باعث تولید انرژی و حرکت و گردش الکترونها بدور پروتن اتم اجسام میگردد. حال اگر این حرارت را بگیریم تمام انرژی حرکتی الکترونها را گرفته ایم و درنتیجه الکترونها درست مثل اتومبیلها پهلوی یکدیگر پارک نموده و متوقّف می شوند، دراینصورت میگوئیم جسم بیهوش شده ولی هنوز نمرده است زیرا با اندکی حرارت مجدداً الکترونها به حرکت درآمده و اتمهای جسم زنده می شوند. باید دانست اگر جسم بمیرد معدوم می شود ولی چون درجهان مطلقی نیست لذا درآب یخ زده اگر میکروب و یا ویروسی باشد باقی می ماند و در تمام کریستالهای یخ زده مایعات D.N.A موجود در آنها فعالیت می نمایند یعنی باز هم سکون مطلق وجود ندارد. حال بهمین نحو کلیّه مایعات و گازها با کاهش درجه حرارت منجمد می شوند. انسان در آزمایشگاه فقط توانسته تا $^\circ$۲۶۰- درجه تولید برودت نماید زیرا از آن پائین تر انسان و لوازم آزمایشگاهی معدوم می شوند. حال در این درجه حرارت کلیه مایعات و گازهای جهان متبلور میگردند، بجز گاز **هلیوم** و یا ماده سازنده جهان مطلق هستی موجود تکروندی. حال در اینجا من سئوال میکنم شاید در $^\circ$۲۷۳- درجه هم هلیوم منجمد نگردد پس چطور می شود؟. بلی در اینجاست که تمام قوانین حرارت و ترمودینامیک و هیدرولیک و مکانیک و قوانین بویل و ماریوت برای گازها و مایعات بهم ریخته و اظهار عجز و ناتوانی می نمایند و باید قوانین جدید دیگری بشرح زیر تدوین نمود:

قانون اوّل ** چون از نظر طبیعی هلیوم چنین حالت و جبهه ای را در مقابل فرمولهای بشری بخود گرفته و از خود سرسختی نشان می دهد، لذا اول باید مکانیک را به دو قسمت کلّی تقسیم نمود. یکی مکانیک برای تمام عناصر شیمیائی غیر از هلیوم و دیگری مکانیک مخصوص به گاز هلیوم.

قانون دوّم ** چون در جهان هیچ چیز مطلق نبوده و چیزی هم دلیل بر چیز دیگری نمی باشد وانگهی کلیه فرمولها مطلق و ابدی نبوده ونمی توان آنها را بهم دیگر ربط داد لذا باید برای هر مطلب فیزیکی و شیمیائی ومکانیکی جداگانه یک مکانیک مخصوص بخودش تدوین نمائیم. بطوریکه مکانیک فیزیک ومکانیک شیمی و مکانیک مکانیک جدید فراهم گردد. یعنی برای هرپارامترفیزیکی و یا هر عنصر شیمیائی مکانیک مخصوص بخودش وضع کنیم وبعد دربارهٔ آنها شروع به تحقیق نمائیم تا دیگر دچار دردسر و ناتوانی نشویم.

قانون سوّم ** می دانیم در فرمول کِلون هم درجه حرارت t و هم جرم m و هم کالری Q وجود داشت کهمادر آن $Q=-\infty$ میگذاشتیم تا $t=-273^\circ$ درجه پیدا می شد. یعنی در این درجه باید فشار و نور و حرارت و صدا و انرژی حرارتی و حرکتی الکترونها وبالاخره همه چیز معدوم گردد. چون ممکن است در این درجه هم گاز هلیوم متبلور نشود لذا باید بگویم **صفر مطلق درجه ایست که گاز هلیوم درآن درجه متبلور میگردد.** حال هرچند درجه زیرصفر که می خواهد باشد باید آنرا پیدا کرد.

قانون چهارم ** در تمام فرمولهای مربوط به فیزیک وشیمی ومکانیک که در آنها سه پارامتر طول وجرم وزمان آورده می شوند بایستی طول نسبی وجرم نسبی وزمان نسبی انیشتن را بجای آن جایگزین نمائیم وگرنه در آینده کلیه فرمولهای جهان اعتبار خود را از دست خواهند داد.

چرخه مادّه ومعنی ** بالاخره روزی فهم وشعور ومعنویات هم تبدیل به جرم وماده و انرژی می شود و باز هم روزی مجدداً ماده سبب فهم وشعور ومعنی می‌گردد، این چرخه تا بی نهایت در جهان ادامه خواهد داشت.

ooo

گرداب فکری انسان ** در تلویزیون مدار بسته اندیشه، آن ارتباط انسان با خدا نیست بلکه ارتباط خودش با فکر واهی خودش می باشد وبس!!.

ooo

مهم * حقیقت از رفاقت و واقع بینی از خوش بینی بالا تر است.

ooo

متافیزیک ودنیای مادّی ** امروزه رسم بر این است که می‌گویند هر پدیده‌ای که در جهان رخ می دهد ویا حادث می شود چون از طرف طبیعت انجام گرفته پس طبیعی وفیزیکی است از ینرو چیزی بنام **متافیزیک** دیگر نمی تواند وجود داشته باشد، ولی من معتقدم تا روزیکه دین در جهان هست متافیزیک هم وجود دارد زیرا دینداران چیزهائی می‌گویند که فقط می توان آنها را با متافیزیک مربوط دانست ویا توجیه کرد. ثانیاً گفتیم جهان برمبنای مادیّات ومعنویّات قرار گرفته است، مادیون می‌گویند که بو وصدا ونور و امواج رادیوئی وتلویزیونی وغیره که توسط فوتون و اتم و الکترون منتشر می شوند آنها هم از نظر علمی دارای جرم وماده می باشند، ازینرو جهان و کلیّه پدیده ها را از نوع مادی می دانند. باز هم من معتقدم که در جهان فراتر از مادّه بالاخره باید یک چیز معنوی حتّی بعنوان اندیشه طبیعت وجود داشته باشد تا جهان بخود معنی مطلق بگیرد، در غیر اینصورت تأسیس جهان واهی و کورکورانه خواهد بود که این محالست!!.

ooo

افکار واقعی نیستند ** روزی پزشک کهنسالی به فرزندان خود می‌گوید از من بشما نصیحت هیچوقت در زندگی حرف پزشگان را جدی نگیرید ودستورات وپرهیز آنهارا انجام ندهید، زیرا من در موقع طبابت خود دستورات ضد ونقیض وشاید هم غلط داده ام وهیچگونه اتفاق بدی رخ نداده است. آخوندی سر منبر وعظ می‌کرد نزدیکان وبستگان او هم در آن محفل حضور داشتند، پس از پایان وقتی بخانه آمدند او گفت من این دستورات را برای مردم دادم شما یکدفعه ساده نشوید آنها را انجام دهید. روزی استادی به دانشجویان خود می‌گفت استاد که خدا نیست که تمام حرفهایش صحیح ومطلق باشد او هم ممکن است اشتباه کند لذا بهتر است شما همیشه روی عقل خودتان تکیّه کنید، وبالاخره در میدان جنگ فرماندهی به سربازان خود می‌گفت خیلی هم دستوراتی که از طرف ستاد فرماندهی می رسد جدی نگیرید وبیشتر روی ابتکار خودتان حساب کنید. حال این شما واینهم نصایح وحرفها ودستورات اکید بزرگان که معلوم نیست آنهم صحیح باشد ویا غلط!!.

هاله انسانی ** انسان زنده پیوسته از اطراف بدن خود مثل بخاری هاله ای ساطع می نماید که آنرا هاله **پرانا** می‌گویند. این هاله را می توان با عینک مخصوص الکترونیک مشاهده نمود، هاله انسانی دارای سه قشر داخلی و میانی و بیرونی می باشد. هاله داخلی که در مجاورت پوست بدن قرار گرفته دارای ضخامت ۶ میلیمتر و هاله میانی بین ۵ تا ۱۰ سانتیمتر و قشر بیرونی که مه آلود است ۱۵ سانتیمتر می باشد. هاله از نوع امواج الکترومغناطیسی بوده و **مسمر** آنرا انرژی روانی و یا مغناطیس حیوانی نامیده است که در مَن یاتیزم دخالت می نماید. با پیدایش این پدیده می توان گفت که انسان هم مثل گلها دارای یک بوی مخصوص بخود می باشد که فقط سگها قادرند آنرا از فاصله دور بو یائی نمایند، سگهای تربیت شده آلمانی می توانند حتی رانندهٔ ماشین ها را که در جای نامناسب پارک کرده اند از فاصله دور پیدا کرده و آنها را از پشت میز کارشان بیرون کشیده و به پلیس تحویل دهند. هاله دو نفر دوقلو مشابه یکدیگر بوده و ارتباط تله پاتی همان تداخل هاله اشخاص می باشد. هاله انسانی دارای رنگهای مختلف بوده بطوریکه رنگ قرمز نشانه فعالیّت جسمی و ذهنی زیاد و رنگ آبی معرّف جنبه های مذهبی و روحی و رنگ زرد نمایش جنبه عقلانی و رنگ سفید را روح محض و رنگ سیاه جنبه منفی بودن انسان را نشان می دهد.

٭٭٭

پنج حسّ اَثیری زاغیان ** می دانیم پنج حسّ اصلی داریم شامل بینائی. شنوائی. بو یائی. چشائی. پساوائی. حال باید شخصی باشد تا او را ببینیم و یا صدائی باشد تا بشنویم و یا بوی گلی باشد تا به بوئیم و یا غذائی باشد تا به چشیم و یا شیئ باشد تا آنرا لمس و یا پساوا کنیم. پس چرا وقتی آنها وجود ندارند و یا دور از ما هستند ما قادریم آنها را در تخیّلمان حسّ کنیم. بلی دیگر در اینجا پنج حسّ اصلی نیست بلکه هزاران حسّ فرعی و تخیّلی بنام اثیری و یا اتری وجود دارند که به فرمهای مختلف جایگزین آنها شده و سبب درک و تجسّم آنها در ذهنمان می شود. بدین وسیله است که انسان قادر است در ذهن خود بدون وجود چیزی نقشه بکشد و آنرا به مرحلهٔ فعل درآورد درصورتیکه حیوانات فاقد چنین احساسی می باشند.

٭٭٭

دوست مطلق زاغیان ** بهترین و صمیمی ترین و باوفاترین و شریف ترین و بالاخره مطلق ترین دوستی که انسان در زندگی برای خودش می‌گیرد همانا خودش برای خودش می باشد. وقتی انسان تنها و یا زندانیست محکوم به جبر زمانست تا خودش از خودش دوست گرفته و با هم گفت و شنود و یا معاشرتی داشته باشند. این دوست با تفاهم و نزدیکترین شخصی است که دیگر اسرارش را فاش نمی کند و یا دروغ باو نمی‌گوید. از آنجائیکه مطلقی در جهان نیست لذا آنهم حسادت و رقابت و اذیّت کرده و گاهی هم قهر و آشتی می نماید. ولی همینکه انسان می خواهد از او گله و شکایت نماید یکدفعه متوجه می شود که با خودش طرف شده و زود گذشت کرده و آرام می‌گیرد. سایر حیوانات هم مثل گاو، گوسفند، اسب، سگ، گربه و پرندگان وقتی در سینه کش آفتاب لمیده اند و بدن آنها تکان نمی خورد ولی آرام نفس می‌کشند و به نقطه ای خیره شده اند در آن هنگام است که خودشان با دوست مطلق در حال صحبت و معاشرت هستند. این معاشرت و دوستی تا لحظهٔ مرگ در زندگی همه جریان داشته و گاهی هم شدت و ضعف پیدا می‌کند. فقط در موقع خوابست که همه به استراحت فکری فرو می روند و معاشرت و دوستی

هم قطع می شود. ولی باز هم خودشان بصورت رؤیای شبانه به دوستی خودشان رفته و برای هم فیلم بازی می‌کنند. این رؤیا هم مثل بیداری یا شیرین و یا کابوس و وحشت‌آور می باشد. نوابغ و دانشمندان و حتّی دیوانگان بیشتر از سایرین با چنین دوستانی رفاقت داشته و درد دل می نمایند زیرا این شیرین‌ترین پدیده‌ایست که آنها بآن دسترسی پیدا کرده‌اند. اگر شخص سوّمی وارد دوستی آنها شود خیلی عصبانی می شوند و هر دو دوست با شخص سوم وارد دعوا می شوند. من در عمرم بارها در کوه و دریا و دشت با چنین دوستی که صددرصد تفاهم داشتم برخورد و معاشرت داشته و فکر می‌کنم که شما هم چنین دوستی داشته اید ولی حیف که سایرین مزاحم می شوند و نمی‌گذارند که این دوستی برای همیشه پایدار بماند.

. دیشب غم دل بدل بگفتم به نهفت انشاءِ کردم.
. صبح که برخاستم دیگری با من گفت حاشا کردم.
. دیشب من بودم ودل سّر مرا فاش که کرد.
. در نیمه شب غم دل بدل نمی باید گفت بی جا کردم.

* * *

صدای خودتان ★★ اگر شما صدای خودتان و صد نفر دیگر را در روی کاستی ضبط کنید و بعد همه آنها را گوش نمائید صدای همه را تشخیص می دهید بجز صدای خودتانرا که ناآشناست. زیرا شما صدای اشخاص را فقط از راه هوا با طول موج و فرکانس معین می شنوید درحالیکه صدای خودتان از دو طریق هوا و استخوان جمجمه سر که آنهم با فاصلهٔ زمانی مختلف صورت می‌گیرد به مغز شما می رسد.

* * *

سال ۲۰۰۰ وقرن ۲۱ ★★ این سال که مصادف با سال نهنگ و یا اژدها می باشد بعلت ازدیاد و انفجار جمعیّت ۶ میلیاردی رسماً تکلیف مردم جهان معلوم خواهد شد، بطوریکه در این قرن بعلّت کمبود آب و نان و غذا و سوخت و انرژی جیره‌بندی همگانی می شود. دیگر جنگی رخ نمی دهد زیرا بجای صرف پول برای تهیه توپ و تانک و هواپیما و کشتی و زیردریائی وغیره بابت لوازم کشاورزی و وسایل خانگی صرف خواهد شد. چین از کمونیست خارج می شود. کلیه ارتشهای جهان بزیر یک پرچم آنهم سازمان ملل متحد خواهند رفت و زنان و مردان با هم به جبهه می روند. مرز کشورها از بین رفته و ادیان غیر رسمی و بدون اعتبار می شوند زیرا درغیر اینصورت باز جنگ و کشتار خواهد بود.

عقد و قرارداد و امضاءِ ازبین رفته و ازدواج موقت جای دائم را می‌گیرد و همسری به دوستی تبدیل می شود. سواد بالا رفته و سکس فراوان می شود. اگر جنگی رخ دهد بین اسلام و مسیحیّت است. چون راندمان ندارد چتربازی از بین می رود ولی بمب ها ۲۰ تنی می شوند. بشر عازم کرات دیگر شده و با موشک و فضا پیما و کامپیوتر و ربات منظومه شمسی تسخیر انسان می‌گردد. زبان مردم جهان یکی شده و مبداء زمان روزانه و سالیانه جهان یکی خواهد شد. وبالاخره رهبر کشورهای جهان از نوع دانشمند و فلاسفه انتخاب خواهد شد و دیگر خبری از رهبران نظامی و روحانی و سیاستمدار که مرتب جهان را شلوغ و پر از گرد و خاک و کمبودها می نمایند نخواهد بود!!.

مهم ★ در قرن ۲۲ مهندسی آنقدر پیشرفت می‌کند که حتّی پزشکان هم باید از طریق مهندسی بنام مهندس پزشگ متخصّص شوند.

نهاد انسان ** نهاد همان نیروی طالع ویا رستاگر انسانست. مثلاً اگر ما بچه گرگی را از طفولیّت با شیر و غذا بزرگ کنیم اگر روزی گرسنه شود ما را پاره کرده و می خورد. این بهترین تعریف نهاد حیوانست که دیگر غیر قابل تربیت بوده و از دو نیروی دیگر یعنی خود و فراخود انسان و حیوان قوی تر است.

ooo

روابط انسانها ** انسانها از نظر تفاهم دارای روابط زیر می باشند:

هم سنگ فکری ** بدو نفر که ماه و سال تولدشان یکی باشد هم سنگ فکری می‌گویند.

جُور ** بدو نفر که از نظر ماه و سال با هم روابط عالی دارند جور نامیده می شوند.

نیمه جور ** بدو نفر که از نظر ماه و سال با هم روابط خوب و یا متوسط دارند نیمه جور می‌گویند.

ناجُور ** بدو نفر که از نظر ماه و سال دارای تضّاد باشند ناجور می‌گویند.

چِندش ** وقتی کسی روحیّه نهادی ما را می‌گوید که خودمان نمی دانیم در این حال بما چندش دست می دهد.

پَریش ** وقتی کسی باطن ما را می‌گوید و آن بد است و ما برای حفظ آبرو آنرا تکذیب می‌کنیم پریش می‌گویند.

نیرنگ ** یعنی ایز گُم کردن و غلط گفتن سال و ماه تولد خویش و سایرین و یا سوء استفاده و بدذاتی از شناخت رستاگر مردم.

مرکز ثقل ** مرکز ثقل سالهای چینی وسط مرداد و مرکز ثقل ماه ایرانی پانزدهم هر ماه می باشد که ما رستاگر آنها را نوشته ایم.

ooo

طرز محاسبه سالهای چینی **چون آغاز تقویم ایرانی در سال ٦٢١ میلادی یعنی سال مار چینی رخ داده است لذا باید تاریخ **و یا سال ایرانی** را بر عدد ١٢ تقسیم کنیم. اگر باقیمانده صفر شد آنسال سال مار است **و اگر** باقیمانده یک شد سال اسب و دوشد سال بز و **الی** آخر می باشد. مثلاً سالهای ١٣٥٦ و ١٣٦٨ و ١٣٨٠ سال مار می باشند **زیرا** باقیمانده آنها صفر است.

ooo

رستاگری بداخل کامپیوتر رفت ** امروزه طالع شناسی در کلیه امور منجمله در سیاست و اقتصاد و امور جنگی وارد شده است. در مذاکرات و قراردادهای سیاسی و نظامی و اقتصادی می توان از این ماشین پر ارزش استفاده نمود و راندمان کارها را به نحو چشمگیری بالا برد. نقل است که ریگان و گورباچف برای شناخت روحیه اشخاص و تشخیص زمان مناسب جهت انجام کارهای ضروری از این سیستم استفاده کرده اند.

ooo

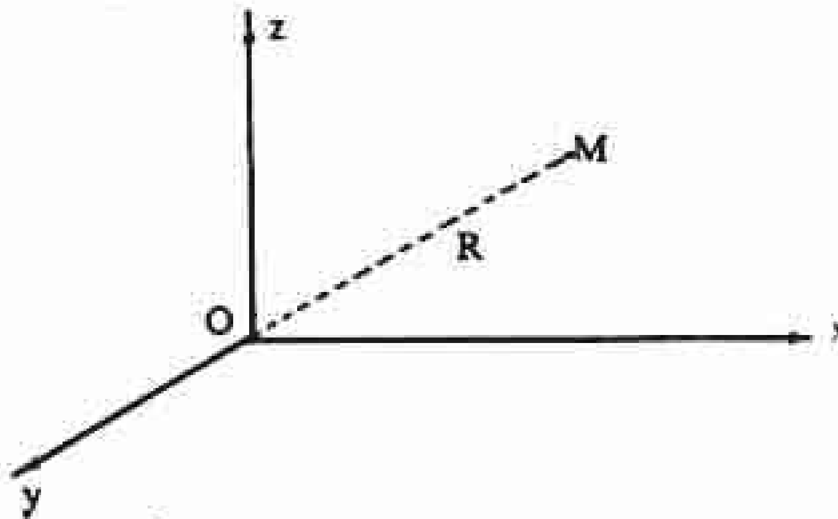
فحش هم نسبی است ** اگر در روی کره زمین به شخصی بگوئید نجاست خود را بخور حداقلّ یک سیلی خواهید خورد و بقیه را هم بشما تخفیف می دهم، درصورتیکه اگر بیک فضانورد این جمله را بگوئید تشکر هم خواهد کرد. زیرا بعلّت مسافرتهای طویل و کمبود موادّ غذایی آنها از ادرار و مدفوعشان که توسط دستگاهی تصفیه میشود تغذیه می نمایند.

عقد یا بدبختی انسان ** باید روزی بدادگاه خانواده رفته و از نزدیک دیو طلاق را به بینید، ازدواج دو نوع است موقّت و دائم اگر ازدواج موقّت باشد تا روزیکه با هم خوب هستند ادامه می دهند و نخواستند جدا می شوند و برای بچه و غیروه هم هزاران قانون و راه حلّ وجود دارد، وانگهی مگر زن و مرد آمده اند که دوتا دوتا آنها را جفت کرده و برای جوجه کشی به لانه بفرستند، انفجار جمعیّت خود در جهان کافیست. حسادت وغیرت وتعصّب و کشتار که گاهی تا صد سال طول می‌کشد بعلّت همین امضاء است،

حلقه انگشتر را نباید بدست کرد بلکه بهتر است آنرا بگردن زن و مرد انداخت. من معتقدم روزی بشر خوشبخت می شود که حیوانی فکر کرده ولی انسانی عمل کند. دائمش سکس تکراری و استفراغی را جایگزین عشق پاک کرده و بوی خوش آنرا از مشام جهانیان پاک نموده و بدینسان مصنوعیّت را جایگزین طبیعت کرده است. می دانیم که سیکل حیات از تولّد و تکامل شروع به تحلیل و فنا ختم می شود، جسم انسان روزبروز پیر ولی فکر و اندیشه و معنویاتش رشد می نماید، ازینرو جسم و روان دو فرآیند جداگانه بوده و هیچگونه ارتباطی با همدیگر ندارند، مثلاً انسان در پیری لرزش دست و عدم توانائی سکس و بینائی و شنوائی دارد ولی عدم سلیقه و اراده و عاطفه وتنوّع وعشق ندارد، از اینجا به وجود تجرّد نفس انسان پی می بریم که ازبدو تولّد تا لحظه مرگ بصورت یک بایگانی بنام مرکز نیروهای محرّکه روانی و عضلانی بشکل یک نقطه و مبداء کار نموده و پیوسته استوار است. یک صفحه عکاسی فقط یک عکس بخود می‌گیرد و بیشتر از آن گویا نیست درصورتیکه میلیاردها سلول عصبی مغز هرکدام هزاران عکس و پدیده و اثر را بدون تداخل درخود ثبت کرده و هر وقت که لازم باشد آنها را ظاهر و بخودمان و یا سایرین تحویل می دهد، ازینرو ممکن است شخصی عاشق کسی باشد و باز هم عاشق دیگران شود این دیگر تقصیر او نیست.

شاید طرف متجاوز تازه آنهم کمی زخمی شود، اگر مطلق فکر کنیم اینکار فقط مخصوص انسان خرفت است که هنوز نمی تواند غرایز حقوق طبیعی را درک و یا توجیه نماید، **ولی علم باید کاری بکند،** اگر خوب دقت شود در اینجا بین حیوانات فقط به انسان ظلم شده و با قوانین من درآری بشر نظام‌طبیعت واژگون گردیده است.

مگس هندسی زاغیان ★★ مگس M را در فضای دستگاه مختصات oxyz در نظر می‌گیریم که از مخرج آن گاز قرمزی صادر می شود، حال حرکات این مگس را بشرح زیر مورد مطالعه قرار می هیم:



۱ــ اگر مگس فقط در نقطهٔ O بماند یک نقطه اثر می‌گذارد.

۲ــ اگر در روی محور ox حرکت کند یک خط مستقیم رسم می کند.

۳ــ اگر با نخی بشعاع R بسته شده و سر نخ در O ثابت شود و فقط در صفحه oxy بدور O حرکت کند یک دایره رسم می نماید که نمایش سطح هم می باشد.

٤ــ حال اگر از فرودگاه O پرواز کرده و همین حرکت را در تمام نقاط فضای سه وجهی انجام دهد یک کره می سازد که نمایش حجم نیز می باشد.

۵ــ اگر حرکت در حول لولای oz طوری باشد که R همیشه موازی صفحه oxy باشد یک استوانه حاصل می شود.

٦ــ اگر همین حرکت طوری باشد که بصورت یکنواخت R کوچک شده تا به صفر برسد یک مخروط ترسیم می‌گردد.

توضیح: حال اگر سرنخ را بدستگاه شل کن وسفت کن کامپیوتری وصل کنیم می توانیم ٦ شکل هندسی دیگر مثل مربع. مثلث. مکعب. بیضی. بیضوی. و سه وجهی و همچنین هزاران شکل غیر هندسی دیگر ایجاد نمائیم.

○ ○ ○

انفجار جمعیّت ★★ بهترین فرمولی که می توان برای انفجار جمعیّت کشورهای جهان از نظر فلسفی بکار برد همانا فرمول $F = m.\gamma$ می باشد بطوریکه F نیروی انفجار جمعیّت و m جرم جمعیّت و یا توده مردم بوده و γ شتاب باروری و علاقه مردم به بچه دارشدن می باشد، که آنهم بستگی به فرهنگ و تمدن و دین و آداب و رسوم و شرایط اقلیمی و جغرافیا دارد. این پارامتر بهداشت و مازاد موالید بر متوفّیات جامعه را شامل می شود. شتاب γ در شرق زیاد ولی درغرب کم بوده و هرقدر میزان شعور و سواد بالا تر رود مقدار آن کمتر خواهد شد.

○ ○ ○

حافظه عملی وتعادل حرکتی انسان ★★ شخصی بمدت چند ماه در مورد دوچرخه سواری و مکانیسم آن بصورت تئوری مطالعه وتحقیق بعمل آورد وروزیکه خواست برای اولین بار سوار دوچرخه شود بزمین افتاد و مرد. ولی شخص دیگری با ۱۰ دقیقه تمرین عملی سوار دوچرخه شد و رفت. ازینرو بین حافظه عملی در تئوری و تعادل حرکتی انسان در عمل فاصله بسیار است و هر کدام جداگانه در ذهن انسان عمل می نمایند که هیچگونه ارتباطی با همدیگر ندارند.

مورچه زاغیان ** هواپیمائی با سرعت مافوق صوت ۳ هزار کیلومتر در ساعت بطور یکنواخت در بالای سرمان حرکت می نماید. در این هنگام مورچه ای از حالت توقف در ظرف ۲ ثانیه ٤ سانتیمتر در روی هندوانه ای تغییر مکان می دهد. حال اگر مورچه و هندوانه را در داخل یک طشت آبی بچرخش درآورده و طشت را هم در داخل حوض یک کشتی گذاشته و کشتی هم در روی آب دریا حرکت غیر یکنواخت داشته باشد در این حالت مورچه خیال می‌کند که فقط یک حرکت ساده ٤ سانتیمتری داشته است، درصورتیکه از نظر مکانیک ٦ نوع حرکت و ٦ نوع سرعت و ٦ نوع شتاب انجام گرفته است، که فقط یکی از آن شتابهای مورچه ۲ = ٢/١ سانتیمتر بر مجذور ثانیه می باشد درصورتیکه شتاب آن هواپیمای سوپر سونیک برابر صفر می باشد زیرا سرعتش یکنواخت می باشد.

ooo

عدد زاغیان ** من معتقدم این عدد بی نهایت که در ریاضیات و فیزیک و شیمی و غیره می آید موهومی است و باید یک عدد بزرگ حقیقی که در جهان وجود دارد بجای آن جایگزین شود. چون تعداد اجرام سماوی جهان ما $N = 10^{80}$ بوده و به تعداد همین عدد هم جهانهای دیگری وجود دارند که همه آنها جهان بزرگ مطلق هستی موجود تکروندی ذهن اینجانب را می سازد لذا تعداد کل اجرام سماوی جهان مطلق و یا عدد فراشمارش $Z = N^N$ خواهد شد که از هر بی نهایتی در جهان بزرگتر می باشد. یعنی یک عدد یک در اینجاست و تا انتهای خود جهان مطلق صفر باید جلوی آن باشد تا خوانده شود.

ooo

معادلات فلسفی و معنوی زاغیان ** تا کنون در جهان کسی نتوانسته است که طول و جرم و زمان را از نظر علمی تعریف نماید تا محصلین بفهمند چه رسد به تعریف **عشق**. مثلاً ما میگوئیم زمان یعنی وقت و وقت یعنی مدت و مدت یعنی زمان فقط آنرا پی درپی بخودش حواله میدهیم و قدرت تعریف نداریم. ولی با اندکی تفحّص میتوانیم از این پدیده های مجهول یک عامل معلوم پیدا کنیم مثلاً:

$$\text{سرعت معلوم} = \frac{\text{طول مجهول}}{\text{زمان مجهول}}$$

حال بهمین نحو من با اضافه کردن یک عامل غریزی مؤثر از این دنیای مجهول و بی معنی یک چیز با معنی می سازم:

دنیای مجهول + عشق = زندگی و امید یا دنیای معلوم

مثلاً دنیای مجهول مدرسه باضافه عشق به تحصیل می شود زندگی دوران تحصیل، دنیای مجهول سینما باضافه عشق به هنر می شود زندگی سینمائی، دنیای فعالیت مجهول باضافه عشق به قهرمانی می شود دنیای قهرمانان ورزشی، میهن باضافه عشق می شود میهن پرستی، و بالاخره لیلی سیاه و زشت باضافه عشق می شود عشق جاودانه لیلی و مجنون.

سیکل بسته جهان زاغیان ** برای اینکه بدانیم سیکل تشکیل و پیدایش طبیعت و جهان بسته است طبق آلگوریتم فلسفی زیرسین جیم می نمائیم:

۱ ــ ماه از کجا آمده است؟. از زمین.
۲ ــ زمین از کجا آمده است؟. از خورشید.
۳ ــ خورشید از کجا آمده است؟. از کهکشان راه شیری.
٤ ــ کهکشان راه شیری از کجا آمده است؟. از جهان ما.
۵ ــ جهان ما از کجا آمده است؟ از جهان بزرگ مطلق هستی موجود تکروندی.
٦ ــ جهان بزرگ مطلق از کجا آمده است؟. آن هم از جهان ما هست شده است!!.

و بهمین نحو این چرخه تا بی نهایت ادامه خواهد داشت.

ooo

پیشکِسوتان ** بارها شنیده اید که می پرسند آیا در دامن طبیعت اول پستانداران متولد شده اند و یا پرندگان؟. باید دانست که در روی کره زمین اوّل بار خزندگان عظیم الجثه بنام دایناسورها و یا اژدها و سپس تخم حیوانات و پرندگان و حشرات پدیدار گشته اند. امروزه ثابت شده است که اوّلین تخم تشکیل پرندگان توسط یک خزنده صورت گرفته و سپس طی قرون متمادی بقیه پرندگان بفرمهای گوناگون شکل گرفته اند و همچنین حیوان هم ناشی از تخم خزنده بوده و سپس بشکل حیوانات مختلف پدیدار گشته اند، بطوریکه اول تخم و بعد پرنده و حیوان بوجود آمده اند.

ooo

جرم کتاب ** سالهاست دانشجویان می پرسند که فرق وزن و جرم چیست و واحد آنها کدامست، می دانیم:

شتاب ثقل × جرم = وزن

$$P = m.g$$

$$m = \frac{P}{g}$$

اگر در همین فرمول واحد وزن را یک کیلوگرم و شتاب ثقل را در تهران ۹/۸۱ متر بر مجذور ثانیه بگیریم خواهیم داشت:

$$m = \frac{۱}{۹/۸۱}\ kg/m/s^2 = ۰/۱۰۱۹۳٦۷ \ \# \ ۰/۱۰۲$$ اینرث

یعنی یک اینرث معادل ۰/۱۰۲ جرم یک وزنه یک کیلوگرمی داخل ترازوست. حال اگر همین مقدار جرم را در کف دست بگیریم نیروی وزنی که در روی دست ما بطرف پائین فشار می دهد برابر یک نیوتون خواهد شد که واحد نیرو در دستگاه M.K.S می باشد. برای اندازه گیری نیرو بهتر است از نیروسنج فنری استفاده کنیم. چون شتاب ثقل زمین در نقاط مختلفه یکسان نیست لذا زمین بر جرم یک کیلوگرمی در قطب شمال ۹/۸۳ و در استوا ۹/۷۸ نیوتون نیرو وارد می سازد. حال اگر قول می دهید که به زرگرها نگوئید خرید ۱۰ گرم طلا از تجریش باصرفه تر از تهرانست زیرا تجرش بقطب شمال نزدیکتر می باشد!!.

جرم مخصوص زمین ** می دانیم جرم مخصوص متوسط زمین $d = 5/52$ می باشد. این دلیل بر آن نیست که اگر از نقاط مختلفه آن نمونه برداری کنیم همین عدد باشد، بلکه زمین شبیه به پیاز بوده که رنگ و جنس و فرم نقاط مختلفه آن از مرکز تا پوست متفاوت است. لذا جرم مخصوص زمین مثل پیاز در نقاط با شعاعهای یکسان از مرکز بخارج برابر است.

ooo

محاسبۀ شتاب ثقل خورشید ** چون شعاع خورشید ۱۰۹ برابر و جرم آن ۳۳۲,۰۰۰ برابر زمین است لذا از فرمول $F = K\dfrac{m.m'}{d^2}$ و مقایسه آن با زمین شدت میدان جاذبه در سطح خورشید ۲۷ برابر شدت g زمین می شود. بدیهیست هرقدر خورشید متراکم تر و چگالتر شود چون شعاع آن کمتر می شود g آن بیشتر خواهد شد.

ooo

ستایش انرژی ** من در کودکی یعنی در دبستان چون عاشق محل خودمان بودم لذا اوّل محل گرا و دوّم در نوجوانی در دبیرستان تهران گرا و سوّم در جوانی در دانشکده ایران گرا و چهارم بعد از تحصیل زمین گرا و پنجم در میانسالی طبیعت مدار و ششم یعنی حالا جهان بزرگ مطلق هستی مدار شدم. و اگر من را بکشند دیگر از آن بالاتر نخواهم رفت زیرا در اینصورت واهی گرا خواهم شد و یا بایستی ماده و انرژی یعنی نور و حرارت را ستایش کنم!!

ooo

فرمول مطلق زاغیان ** در حرکت ساده اجسام مثل ماشین و قطارها ما برای تعین نیرو از فرمول $F = m.\gamma$ استفاده می‌کنیم. حال چون جرم اجسام در سکون و حرکت سریع فرق نموده و شتاب هم در سرعتهای بسیار بالا تغییر می نماید لذا در حرکت و تغییر مکان اجسام سریع السیر مثل فضاپیما و موشکها که دارای حرکت و سرعت و شتاب و نیرو می باشند فرمول بالا دیگر کاربردی نداشته و بجای آن بایستی از فرمول مطلق زیر استفاده شود:

$$\acute{F} = \acute{m}.\acute{\gamma}$$

بطوریکه داریم:

$$\acute{m} = \frac{m}{\sqrt{1-\frac{v^2}{c^2}}} \quad و \quad \acute{\gamma} = \frac{\gamma}{\sqrt{1-\frac{v^2}{c^2}}}$$

و از آنجا خواهیم داشت:

$$\acute{F} = \frac{m.\gamma}{1-\frac{v^2}{c^2}}$$

$$\boxed{\acute{F} = \frac{F}{1-\frac{v^2}{c^2}}}$$

که در آن v سرعت موشک و c سرعت نور و F نیروی معمولی و $\acute{F}$ نیروی تصاعدی می باشد که در اثر ازدیاد سرعت مرتب بالا می رود و اگر $v = c$ شود $\acute{F}$ بی نهایت خواهد شد. این فرمول برای سرعتهای بسیار زیاد مثل انفجار بمب اتم است. بطوریکه می دانیم علت اینکه در اثر انفجار یک گرم اتم نیروی بی نهایت $\acute{F}$ پیدا می شود فقط بخاطر همین موضوع می باشد و بس.

روانشناسی عُقده و دیوانه ★★ انباشته و متراکم شدن حسّ انتقامجوئی شخص را عقده آن شخص می‌گویند. این تراکم بصورت تصاعد عددی و یا هندسی نیست بلکه بصورت وحشت‌آور نجومی می باشد که روزبروز بالا رفته تا به حدّ انفجار خود می رسد. مثلاً ارزنی در اثر عقده باندازه کوهی می شود. این نیروست که سبب نابودی و بدبختی و جنگ و خونریزی و قیام و آشوب می شود و ممکن است باعث نابودی ملیونها انسان و یا تخریب کشوری در جهان گردد. نقل است دو نفر دیوانه در تیمارستانی بستری بودند، آنکه حالش بدتر بود دست و پاهایش را با زنجیر بسته ولی دیوانه بهتر آزاد بود. هر روز که پرستاران برای دادن دارو و غذا نزد آندو می رفتند مرتب بدیوانه آزاد سفارش می‌کردند که تو عاقل هستی مبادا دیوانه شوی زنجیر او را باز کنی، از طرف دیگر دیوانه زنجیری دائماً از دوستش خواهش و تمنّا می‌کرد این زنجیر را از دستانم باز کن. تا اینکه سرانجام دیوانه آزاد گول می خورد و با زحمت بسیار دستان او را باز می‌کند. در این هنگام فریادی بلند می شود وقتی پرستاران می رسند مشاهده می نمایند که دیوانه زنجیری با پنجه های قوی خود سینه دیگری را شکافته و قلب او را بیرون کشیده و مشغول خوردن است!!.

○○○

بشقابهای پرنده ★★ بشقاب پرنده همان **یُوفو** می باشد که مخفف چند کلمه لاتین است. یعنی اشیاءِ پرنده در آسمان که هنوز علم کنونی بشر علت آنرا تشخیص نمی دهد. حدود ۹۵٪ یوفوها در اثر اختلالات و گردابها و فَلق های جوّی بوده و یا بعلّت رعد و برق ابرهاست که دارای صدا و نور سفید و قرمز و نارنجی بوده و حدود ۲ متر قطر دارند. همچنین ممکن است در اثر بالن های هواشناسی و هواپیماهای مخصوص که نور خورشید بآنها می خورد باشند و یا در اثر نور زهره و یا پدیده‌های دیگر جوّی ایجاد شوند. در سال ۱۹۴۳ بعد از جنگ دوم جهانی هزاران یوفو ساخته بشر در آسمان مشاهده گردید، بطوریکه فقط در سال ۱۹۴۶ حدود دو هزار یوفو در ممالک اسکاندیناوی مشاهده شد، در سال ۱۹۴۷ تمام یوفوها و کارخانه سازنده آنها بدست روسها افتاد. حال برای اینکه مردم امریکا وحشتی از دشمنان فرضی خود نداشته باشند سازمان **سیا** شایع کرد که آنها از کرات دیگری آمده‌اند و فیزیکدانان زمینی قادر به شناسائی آنها نیستند، ولی جان مطلب اینجاست که ۵٪ باقیمانده آنها ممکن است از سیارات دیگر که حیات در آنها وجود دارد آمده باشند. بشر تاکنون توانسته در زمین بسرعت ۱۰ کیلومتر در ثانیه برسد، چون نزدیکترین ستاره بما ٤ و نزدیکترین سیّاره ٦ سال نوری فاصله دارد لذا ۱۸۰,۰۰۰ سال طول می‌کشد که آنها به ما برسند، حال شما می توانید قضاوت کنید که آنها از کجا آمده اند!!. (U.F.O).

○○○

دستگاه جستجوگر حیات در جهان (Setty) ★★ اگر توجه کرده باشید وقتی پیچ رادیو را می چرخانیم دهها نوع صدای اَجَغ وجَغ و خِش خِش می شنویم که نشانه عبور طول موجهای مختلف از ایستگاههای جهان می باشد. حال دستگاه کامپیوتری وجود دارد بنام Setty که در هر ثانیه ۸۰ ملیون ایستگاه فرستنده را در زمینه کیهانی که از ملیونها کهکشان بطور طبیعی و غیر طبیعی ساطع می شوند تفتیش و بررسی کرده و گاهی مبداءِ و جهت و فاصله و فرکانس وحتّی معنی آنها را کشف و ثبت می نماید. ازینرو حدث می زنند با اختراع اَبر رایانه جدید میتوان حیات را در گوشه و کنار جهان جستجو و شکل آنها را پیدا وحتی با حیات روی زمین مقایسه نمود.

سیم نقّاله زاغیان ** فرض می‌کنیم در سالنی نشسته ایم که دیوارهای سمت چپ وراست آن دارای دو دریچه مقابل هم می باشد و یک سیم نقّاله از دریچه طرف چپ بطرف دریچه راست در حرکت است. در روی این سیم ۱۲ تابلوی بزرگ آویزانست که در بالای هرکدام تقویم سالهای موش و گاو... و خوک ثبت گردیده و در هر تابلو ۱۲ تابلوی کوچکتر بنامهای فروردین و اردیبهشت... و اسفند نوشته شده است. هرکدام از این تابلوهای جدید خودشان هم به ۳۰ تابلوی دیگر تقسیم شده اند که نمایش سی روز ماه می باشند. حال از تقسیمات ۲۴ ساعت و ۶۰ دقیقه و ۶۰ ثانیه صرفنظر می‌کنیم زیرا نمایش ما فقط روزانه است. حال دست چپ بیرون از سالن چون سیم نقّاله هنوز نیامده و هیچکس از آن خبری ندارد زمان آینده و نمایش وسط سالن را که می بینیم زمان حال ودست راست خارج از سالن را که سیم نقّاله رفته و آنرا دیده‌ایم زمان گذشته فرض می‌کنیم. درسمت چپ کلّیه وقایع و حوادث و تصادفات و سرنوشتهای روزانه توسط طبیعت مونتاژشده وجهت نمایش بداخل سالن روانه می شوند. ما درداخل سالن این وقایع و نمایشات روزانه را فقط می بینیم وسرگرم می شویم وبعد هم روی بعضی از آنها قضاوت کرده وحتّی تجزیه وتحلیل می‌کنیم وبعضی اوقات هم سر این نمایشات با یکدیگر جنگ ودعوا راه می اندازیم. بعضی ازآنها شیرین وبعضی ها تلخ هستند ولی درهرصورت همه آنها گذران می باشند. در طرف راست در بیرون هم یک آرشیو وبایگانی و چاپخانه تاریخ وجود دارد که کلّیه وقایع را جهت آیندگان ثبت می نماید. حال ممکن است شخصی درداخل سالن پیدا شود که با کشف ریتم ۱۲ گانه زمان، ویا فرمولی با توجه به نمایشات گذشته، کلّیه برنامه های آینده را که سایرین نمی دانند اومطلّع باشد. چون آگاهی اوطبق تجربه ومحاسبه انجام شده لذا این امر طبیعی بوده ومتافیزیک محسوب نمی شود. حال اگر گنجایش سالن را بوسعت جهان وتماشاگران را باندازهٔ جمعیّت زمین وشکل سیم نقّاله را دایره ومحیط آن هم بی نهایت فرض کنیم همان نمایشگاه بزرگ جهانی پیدا خواهد شد که این برنامه ها پی درپی وبدون وقفه تا ابد ادامه داشته ودرروی حلقه سیم نقطه شروع وپایانی دیده نمی شود. بلی این سالن همان صحنه نمایش زندگی انسان درجهان بوده که هرکدام ازما به گونه ای در آن نقش داریم تا روزی آجل برسد وخودمان هم باین سیم آویزان شده وازسالن گیتی خارج شویم!!.

«عمری که اَجل درپی آن می تازد»

«هرکس غم دنیا بخورد می بازد»

***

تغییر مکان سرخ وآبی ** میدانیم ستارگان یا بما نزدیک می شوند ویا ازما دور می‌گردند. حال اگر ستاره‌ای نزدیک شود سرعت نوربا سرعت ستاره جمع شده وطبق قانون دوپلر طول موج آن کوتاه‌تر گشته ونورآن بنظر ما آبی می رسد. حال اگر ستاره‌ای ازما دورشود این سرعت دورشدن از سرعت نور صادره کسر شده وطول موج آن بزرگتر شده وستاره برنگ سرخ درمی آید. این پدیده تأکیدیست براینکه بالاخره سرعتی هم ازنوربالا تر درجهان پیدا می شود.

***

مهم * وقتی سرعت از دیوار نوری بگذرد درینصورت تمام فواصل دور ازبین رفته وفاصله نقاط صفر شده وتمام نقاط فضا دریک نقطه متمرکز میشوند ازینروکلیه حوادث درآنجابصورت اتصالی رخ‌خواهد داد.

پندارنگاری ** بطور قطع می توان گفت که اختراع الفبا مهمترین کشف بشر بوده است. حدود ۷ هزار سال پیش مردم چین توانستند اندیشه و پندار خود را بصورت شکل برای دیگران به تصویر و نگارش درآورند و مقاصد خود را بدیگران تفهیم نمایند. خط میخی ٤ هزار سال قبل از میلاد مسیح یعنی ٦ هزار سال پیش اختراع گردید و سپس بایران و ارمنستان و سایر کشورهای دیگر جهان نفوذ کرد. فردوسی می‌گوید خط توسط طهمورث پیشدادی که آنهم دیگران باو آموخته بودند رایج گردیده است. اوّلین شهری که خط میخی رایج شد پایتخت ایران یعنی شهر فعلی شوش بوده است. در کشورهای دیگر جهان پندارنگاری بفرم دیگری آنهم توسط سرهم کردن حروف الفبا انجام گرفت تا جائیکه امروزه ملیونها کتاب گرامر برای زبانها مختلف تدوین گشته تا پندارنگاری خیلی ساده و روان انجام گیرد. حدود هزار سال بعد از آن عدد اختراع شد که بعلّت نفس منطقی و مطلق بودن آن بزودی در سراسر جهان بیک شکل شیوع پیدا کرد. در آنزمان بشر قادر بود فقط ده عدد را بنویسد و برای نوشتن عدد یازده عاجز بود تا اینکه هزار سال طول کشید تا عدد صفر ناچیز کشف گردید و انسان به کمک آن توانست تا بی نهایت عدد بنویسد و جمع و تفریق و ضرب و تقسیم نموده و علائم بین آنها را تدوین نماید و در سرازیری کشف و ترقی و تمدن قرار گرفته و برای علم و دانش پایه گذاری کند. ای کاش انسان ۱۲ انگشت می داشت تا پایه گذاری حساب و ریاضیّات راندمان بیشتری پیدا می‌کرد و پیشرفت بشر بچندین برابر خود می رسید. حال پندارگوئی همان روانشناسی و خواندن ضمیر اشخاص بوده و پندار پنداری طالع شناسی اشخاص می باشد. اینطور که پیش می رود این علم که از نهاد و فطرت طبیعت داد انسان نشئت گرفته به جائی می رسد که می توان فهمید در آینده در چه زمان و چه مکان چه شخصی متولّد خواهد شد که به چه چیز فکر می‌کند و یا چه هدفی خواهد داشت. لذا زندگی در آن عصر واقعاً لذت بخش بوده که متأسفانه هیچکدام از ما دیگر نخواهیم بود!!.

ooo

فرمول و معادله زن و مرد ** می دانیم شخصیت انسان بر روی سه فرایند نهاد یا رستاگر و خود و فراخود استوار است. فرایند نهاد و فراخود زن و مرد هر دو یکسان بوده و هر تغییری که از نظر جنسیّت هست در فرایند خود می باشد و بس. همان اختلاف شکل کاستی و مادگی زن نسبت به برآمدگی نرینه مرد و همچنین برآمدگی پستان زن سبب گردیده تا اثری بر روی صدا و موی صورت و دستگاه فیزیکی خود زن بگذارد، این امر علّت کاستی زن و مثبتی مرد و بالاخره اختلاف سلیقه و کد فکری زن و مرد را در جهان ببار آورده است. این اثر بقدری مهّم است که اغلب فرایند خود بسمت نهاد و فراخود شعله ور شد و آنها را تحت تأثیر و نفوذ خود یعنی فیزیک بدن خویش قرار می دهد. حال دو فرمول زیر را که نمایش فلسفی و منطقی زن و مرد می باشد تصویر می‌کنیم:

+ پسر + پدر + برادر + عمو + دائی + داماد + بقیه مردان = معلوم
- دختر - مادر - خواهر - عمّه - خاله - عروس - بقیه زنان = - مجهول

ooo

مهّم * مغز زنان پیشرفته تر از مردان است ولی قدرت تحمّل و تعقّل و تخیّل در مردان بیشتر است.

آلگوریتم زاغیان ★★ دوعدد یک رقمی پیدا کنید که اگر هرکدام را با خودشان و یا دیگری جمع و یا ضرب کنیم نتیجه هم یکسان و هم خودشان بشوند.

حلّ: ابتدا از روی تعریف دومعادله زیر را می نویسیم:

$$\begin{cases} x + x = K \\ x \times x = K \end{cases} \longrightarrow \begin{cases} 2x = K \\ x^2 = K \end{cases}$$ دومعادله را از هم کم می‌کنیم.

$$\begin{cases} x^2 - 2x = 0 \\ x\,(x - 2) = 0 \end{cases} \longrightarrow \begin{cases} x = 0 & \text{عدد اوّل.} \\ x = 2 & \text{عدد دوّم.} \end{cases}$$

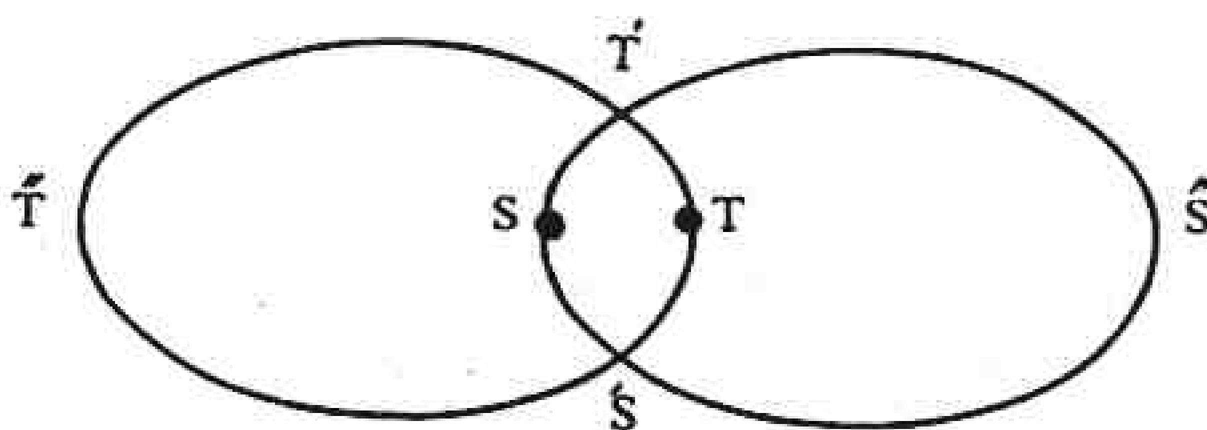
حال چهار امتحان زیر را انجام داده تا بصورت پاسخ دهیم:

یکسان بودن جمع وضرب اوّلی. ۰ + ۰ = ۰ × ۰ = ۰
یکسان بودن جمع وضرب دوّمی. ۲ + ۲ = ۲ × ۲ = ٤
جمع دوعدد که نتیجه عدد دوّم است. ۰ + ۲ = ۲ + ۰ = ۲
ضرب دوعدد که نتیجه عدد اوّل است. ۰ × ۲ = ۲ × ۰ = ۰

○○○

گردش زمین بدور خورشید نسبی است ★★ می دانیم زمین سالی یکبار بدور خورشید گردش می نماید که مدار آن بیضی بوده و خورشید در یکی از دو کانون آن قرار گرفته است. ظاهراً چنین بنظر می رسد که زمین ثابت بوده و خورشید بدور آن گردش می نماید. دو بیضی متشابه و قرینه بکانونهای T.S که نمایش خورشید و زمین است درنظر می‌گیریم، از نظر مکانیک و حرکت هیچ فرقی نمی‌کند که کدامیک بدور دیگری می‌گردد و یا کدامین از آنها ثابت است، در هر صورت مسیر هردو بیضی بوده که اوّلی در کانون دیگری قرار گرفته است.

حال با توجه بفرضیّه نسبیّت رسماً می توان گفت که خورشید سالی یکبار درمنطقة البروج بدور زمین گردش می نماید و نقاط S و T همان نقاط حضیض و S̈ و T̈ نقاط اوج و Ś و Ṫ نمایش عبور ازمسیر بیضی شکل مشترک آنها می باشد.



مساحت زندگی زاغیان ** اشخاص دو نوعند اول کسانیکه فقط دوست دارند که طول عمرشان زیاد شود و دوم کسانی هستند که می خواهند فقط درزندگی خوش باشند. گروه اوّل را طول گرا و گروه دوّم را عرض گرا می نامیم. بدیهیست هرقدر بدنبال طول زندگی برویم اجباراً عرض آن کم می شود زیرا مستلزم سلامت و پرهیزگاریست، و هرقدر بدنبال عرض زندگی برویم طول عمر کم می‌گردد زیرا لذت و خوشگذرانی از آن می‌کاهد. حال فرمول می دهم، در هر جائیکه صحبت از طول و عرض باشد مساحت متصوّر است که حاصلضرب آندوست. لذا در این مورد می‌گویم مساحت زندگی همان روزگار و صحنه زندگی بشر بوده و کسی برنده و برتر است که مساحت زندگیش از سایرین بیشتر و پاکتر و سالمتر و شیرین تر باشد، چه رسد باینکه چون من این مساحت را با عشق رنگ زده باشد.

رستاگری ** حدود ۳۶ هزار سال پیش انسان صحراگرد از دیگر حیوانات وحشی جدا شد و به آلونک دست ساز خویش فرو رفت و با یکدیگر ارتباط تکلّمی برقرار ساخت و رنگ تمدن بخود گرفت. بابلی و کلدانیها که بیشتر در کوه و دشت زندگی می‌کردند و ستارگان در معرض دید آنان بود زودتر از سایرین به ستاره‌شناسی و طالع بینی پی بردند. اخیراً استخوانی با همین سن یافت شده که نقوش آن حکایت از گردش ماه و تقویم و طالع شناسی اقوام دارد. قدیم طالع را ازعلم جدا می دانستند ولی ثابت شد که آن ناشی از حرکت سیارات و ستارگان بوده و قسمتی ازنجوم می باشد که خود صدر علوم است. در گذشته که وسایل نجوم کافی نبود کارسیارات فقط با چشم نظارت می شد که آنهم پیشرفت چندانی نداشت ولی اکنون می توان با وسایل پیشرفته جرم و جرم مخصوص وقطر و حجم سیارات و ستارگان و زمان اِقتران و مقابله آنها را معلوم و علاوه بر کشف خلقیّات حتّی آینده مردم را پیش بینی کرد. علم فقط قادر است انسانرا تا مرزعلوم فوق طبیعت بکشاند و آنرا به حیرت وادارد، حیرت هم زیباترین انگیزه بشر است. علم امروزی بسیار نزدیک بین بوده ومثل پروانه ایست که تازه درون پیله شروع بحرکت کرده و هنوز بیرون نیامده است، این شاید ابتدای بیداری بشر برای آینده باشد. باورم اینکه علم نسبت به واقعیّات موجود در جهان مثل یک ارزن به حجم زمین است. انسان هرقدربیشتر ازمنابع جهان استفاده کند بهمان اندازه قوای دماغیش چاقتر شده و کمتر ازحسّ حیرت خویش استفاده می‌کند. در رستاگری تناظر دو سیّاره نسبت به خورشید چند حالتست. اوّل اِقتران آندو که هردو پشت خورشید دریک خط قرار می‌گیرند دراینصورت دو جاذبه تشکیل و اوضاع جوراست. دوّم مقابله آندو که خورشید وسط آنها بوده و اوضاع ناجور است. سوم تربیع ویا قائمه که زاویه آنها نسبت بخورشید ۹۰ درجه می باشد. چهارم هلال آندو که زاویه آنها نسبت بخورشید ٤۵ ویا ۳۱۵ درجه می‌گردد. پنجم تثلیث آندو که زاویه آنها نسبت بخورشید ۱۳۵ ویا ۲۲۵ درجه می باشد. رستاگری و تله‌پاتی یا دوراگاهی و کشف هاله انسانی همان فراروانشناسی بشر است. آب اقیانوسها و جوّزمین مثل لباس و زیرپیراهن گشادی هستند که وقتی ماه در بالای سر آنهاست می خواهد با جاذبه خود آنها را بالا بکشد چه رسد به اثرآن بر روی ذهن مردم، لذا علاوه بر اینکه فکر آنها را بکارمی‌گیرد چای استکان آنها را هم بالا می‌کشد. مردم هر روز محکوم به کنترول جاذبه ومدّ ماه می باشند بطوریکه ماه اول طلوع و بعد اوج وسپس غروب می نماید. با وجودیکه شدت نورماه سیصد هزار بار کمتر از نورخورشید است بازهم اثرات مختلفی در روحیه مردم می‌گذارد چه رسد به نور خورشید که بخش اعظم طالع را انجام و هیچگونه ابری هم قادربجلوگیری آن نخواهد بود. چون زمین و ماه و خورشید و سیارات دارای میدان مغناطیسی می باشند لذا بر روی هم اثر کرده وبخش

مهّم نیروی رستا گر را شالوده می ریزند، بطوریکه ساعت بساعت میادین مغناطیسی متناسب با روز و ماه و سال قمری و خورشیدی تغییر نموده و اثراتی بر روی ذهن ساکنین زمین می‌گذارند، لذا از این لحظه تا لحظه دیگر هیچ چیز ثابت و یکسان نمانده و دائم بطور متناوب در حال تغییر می باشند.

لکّه های خورشیدی آنچنان اغتشاشاتی بر روی ذهن مردم می‌گذارند که مثل پارازیت و یا تداخل امواج رادیوئی است. جدیداً معلوم گشته این لکّه ها در مواقع اِقتران چند سیاره بیشتر شده و شاید همان سبب تشدید صفّات در اِقتران سیارات می‌گردد. سیارات گوئی هاله ای چند ملیون کیلومتری از مغناطیس در پشت خود حمل می نمایند که در موقع اِقتران با یکدیگر ترکیب شده و حتّی بر روی خورشید و لکّه و مغناطیس آن اثر می‌گذارند، چه رسد به سیارات و مردم زمین. فقط کافی است بدانید که مشتری و زحل علائم رادیوئی با موج کوتاه و بلند بقدرت یک میلیارد وات ار سال می دارند. جهان بوسیله بنیادی ترین عامل یعنی **نیروی جاذبه کیهانی** بهم متصل شده و هر تقدیری که هست آن پیاده می‌کند. در اطاقی پر از سوسگ یک وزنه ۳۵ کیلوگرمی از سرب را نزدیک کردند و مشاهده نمودند که همه آنها در اثر جاذبه بگوشه ای رفته و رفتار یکسانی از خود نشان می دهند، حال چه رسد به سیارات و ستارگان و بمباران گراویتون آنها بر روی ذهن مردم بیچاره و ناخودآگاه و خرفت کره زمین.

طبق آمار نوزادانیکه در اردیبهشت متولد می شوند دویست گرم سنگین تر و میزان هوش آنها بیشتر است و در نیمکره شمالی قد سربازان متولد تیر ماه بلندتر و طول عمر متولدین اسفند ماه ٤ سال بیشتر از سایرین می باشد. انسانها هم دارای فصل جفت گیری هستند و هشتاد درصد نوزادان امریکا در اوایل ماه قمری بخصوص وقتی که ماه در بالای سر آنهاست متولد می شوند (وضع مدّ آب دریا). تاریخ تولد مستقیماً بروز حاملگی و روز حاملگی با دوره تناوب قاعدگی بستگی داشته و مدت آن یکماه قمری است که تخم گذاری در وسط هر دوره بمدت ٤٨ ساعت بوده که کیسه تاول شکل روی تخمدان ترکیده و تخم رها شده و حرکت می‌کند. همچنین میل به بچه دار شدن زنان و مردان هم ریتمیک بوده ولی حیف که در آن موقع تخمی برای همه یکسان وجود ندارد. باید دانست که ارتباط مستقیمی میان نور و جاذبه ماه و خورشید و سیارات و فعّالیت روانی انسان وجود دارد، **لوناتیک** یعنی ماه زدگان و آنها کسانی هستند که در شب بدر همه گونه جُرمی را مرتکب می شوند و یا میزان تصادفات در روزهای جهش شعله های خورشیدی تا چهار برابر افزایش می یابد، ازینرو رستا گری را می توان ناشی از دو عامل زیر دانست:

۱ — **فتوپریودیسم** ** یعنی اثرات متناوب نور خورشید و ماه و سیارات و ستارگان جهان بر روی زمین و انسان.

۲ — **ماس پریودیسم** ** یعنی آرایش و اثرات گراویتون متناوب اجرام سماوی مثل خورشید و ماه و سیارات و ستارگان جهان بر روی زمین و انسان.

اثبات و نتیجه ** تعداد ١٤٤ نفر را که متولدین ١٢ ماه ایرانی و ١٢ سال چینی در مشاغل مختلف بودند تحت بررسی ١٢ روانشناس و ١٢ طالع شناس قرار دادند، بعد از سالها مطالعه و طبقه بندی و برداشت از روحیه و کُد فکری آنان فقط کار گروه اوّل دو درصد با یکدیگر انطباق داشت، درصورتیکه برداشت گروه دوّم ۹۸ درصد منطبق بود، مضافاً اینکه گروه اوّل دائم با ١٤٤ نفر در تماس بودند ولی گروه دوّم فقط سال و ماه تولّد آنها را می دانسته اند و بس!!.

مهم ٭ من نهایتاً پخته شدن و به ثمر رسیدن طبیعت و تکامل و پرورش جهان خودمان را در داخل جهان بزرگ مطلق هستی موجود تکروندی به منظور حصول هدفی بعنوان شعور و اندیشه طبیعت و جهان می پذیرم.

کامپیوتر دی تینگ ٭٭

امروزه در جهان کامپیوتری ساخته شده است بنام رایانه قرار. کار بدین منوالست که ابتدا دختران و پسران کلّیه مشخصّات و میزان خواسته و تاریخ تولد خود را به آن می دهند و منتظر همسر دلخواه خود می‌مانند. رایانه برحسب مشخصّات و شدّت توافق و تضاد و قد و قیافه و سواد آنها را قیاس کرده و بین میلیونها نفر شخص مورد پسند را که صددرصد مناسب است نشان می دهد و اگر نداشت نزدیکترین آنها را معرفی می‌کند ، وقتی دو نفر همدیگر را درقرار می بینند متحیّر می شوند که قاموس طبیعت آندو را برای یکدیگر پرورش و در نگار خود تراشیده است. دنیا آفرین باین ابتکار علمی برای خوشبختی بشر، بامید روزیکه دیگر هیچگونه گله و شکایت و جدائی و ناکامی از انتخاب همسر در جهان وجود نداشته و انسان پیوسته همسر مورد پسند و ایده آل خود را در آغوش و عشق خویش داشته باشد.

مهم ٭ امروزه با تزریق یک ژن خاصّ جنس یک موش نر را تبدیل به موش ماده می نمایند که در صورت تعمیم می توان مردان را بصورت زن درآورد.

ooo

لحظات زندگی مثل کوپن می باشد که اگر بموقع مصرف نشود باطل می شود.

ooo

انسان در میان اسمها نسبت به اسم خود واکنش زیادتری نشان می دهد، حتّی اگر در خواب باشد.

هوش ** برای انسان باهوش تعاریف بسیار کرده اند، دشوار بشود با یک خط و صفحه و کتاب این مهّم را تصویر کرد ولی بباور من شخص هوشمند کسی است که دارای خواصّ زیرین باشد:

۱ — برای هر مشکلی راه‌حل داشته و خود را با هر محیط و شرایطی وفق داده و در هر رشته و فنّ که هست در کارهایش از سایرین موفق تر باشد.

۲ — به موقع انعطاف نموده و هیچ منطقی را مطلق نه پندارد تا بتواند هرگونه مسئله غامضی را حلّ کند.

۳ — هرگز بی یارقدم برندارد و دوستان و همسر خود را با تفاهم عالی انتخاب نموده و از دوستان ناباب و بیسواد وواهی و خرفت اجتناب کند.

٤ — در زمان و مکان معیّن حداکثر استفاده را جهت شیرین زندگی کردن از اطلاعات و معلومات خود به نماید.

۵ — هرگز بدام اعتیاد که مغزش را از اندیشیدن بازمی دارد نیافتد و اگر افتاد هر چه زودتر خود را خلاص کرده تا سایرین را از این شرّ خانمانسوز رها سازد.

٦ — پیوسته خودکفا بوده و احتیاجی بدیگران نداشته باشد و بجای حمّالی و بانکداری مُفت بیشتر مصرف کند.

۷ — ورزش و تفریحات سالم را جزو اهداف اصلی زندگی خود قرار دهد.

۸ — خوشروئی و مهربانی بی خرج را پیشه خود کرده و حرفی را که باید بهنگام خود بزند و بی موقع نزند وقبل از هر صحبتی حرف خود را جور کند.

۹ — در زندگی بخشش را بجای انتقام و گذشت را بجای حسد گمارده و فقط زمان حال را ملاک و گذشته و آینده را بحساب نیاورد.

۱۰ — هنر این را داشته باشد تا حرف و دردیکه در دل دارد بموقع و بجا برای کسان جهت دریافت حق خود بزبان آورد.

۱۱ — لحظات عمر خویش را مثل ژیتون در کلوپ تفریحات سالم زندگی در جهت لذت و رفاه خود وسایرین خوب و بجا صرف نماید.

۱۲ — و بالاخره عشق را با کار و زندگی خود آمیخته تا لذت و راندمان خویش را به بی نهایت برساند.

ooo

مرگ از زندگی سرچشمه می‌گیرد و سرانجام مرگ و زندگی به توافق خواهند رسید.

ooo

پیری با رشته عمر گذشته آنچنان پای انسان را می بندد که جان کندن آسانتر از گام برداشتن می شود.

ooo

انسان هرقدر مهربانی کند از موجودی مهربانیش کسر نمی شود.

ooo

مهّم * جهان ما مثل یک ملکول است در یک ملاءِ رقیقتر که تازه خود آنهم باز در یک ملاءِ رقیقتری قرار گرفته و این امر تا بینهایت ادامه دارد.

روزگار ★★ زمان ★ تونل زمان ★★ زاغیان جرّاح زمان ★★ زمان هیچگونه ربطی بساعت دیواری، مچی، آفتابی، شنی، اتمی ندارد، همه آنها فقط وسیله اندازه گیری آن هستند. ما عادت کرده ایم که گذشت زمانرا برحسب تاریکی وروشنائی شبانه روزحسّ کنیم، زیرا گرما همیشه درمجاورت نور خورشید باشیم دیگر گذشت زمانرا حسّ نکرده بلکه گذشت طول عمر خودمانرا درجهتِ عکس آن حسّ خواهیم کرد. در جهان همه چیز بدون جهت است بجز زمان که جهت دار می باشد. تازه آنهم ما هستیم با توجه بفرضیه نسبیّت روزی متولّد می شویم وروزی هم می میریم وخیال میکنیم که زمان میگذرد خیر ما میگذریم و آن باقی می ماند. مارماهی در دریا متولّد و در رودخانه رشد و درحین بالا رفتن از آبشار تکامل یافته و بعد دربالای سدّ معدوم می شود، این فقط اوست که بجلورفته و میگذرد زیرا زمان که همیشه ثابت بوده و استوار است. من برای اولین بار درجهان گفتم که زمان تمام شدنی نیست و آن بصورت ضربات متوالی درروی یک سیکل بسته قراردارد بطوریکه هر نقطه پایان خود نقطه شروع آنست. انسان به خیال واهی خود زمانرا به قبل، حال، بَعد تقسیم کرده‌است. چون من معتقدم که زمان پیوسته و همیشگی وثابت بوده وما گذران هستیم لذا بهتر است که ما خودمانرا بسه قسمت گذشته وحال و آینده تقسیم نمائیم. قطعات بزرگ زمان مثل ثانیه بصورت ضربه و آهنگ و ضربان قلب ویا تیک تیک ساعت مرتب می آیند و اثرمیگذارند و می روند. اندازه های بسیار کوچک آنهم بهم متصل بوده وثابت و پایدارمثل کابلی از زیربغل ما دائم میگذرند تا روزیکه ما از روی آن سقوط کنیم، در اینصورت ما گذران بوده و آن پایدار وباقی خواهد ماند. برای شناخت وتجسّم وتصوّرزمان اوّل باید حرکت و سرعت و مسافتی باشد تا بتوانیم آنرا حسّ کنیم. ازینرو بهترین نمایش زمان بنظرمن فرمول زیر است که x فاصله و v سرعت و t زمان می باشد.

$$T = \frac{X}{V}$$

حیات با میان بُر زدن درزمان وفضا برآن غلبه کرده وخود را بروز داده وحادث گردیده است، لذا زمانرا مثل تونلی تشبیه میکنیم که همه درداخل آن متولد شده و زندگی می نمایند و بعد هم می میرند ولی خود تونل می ماند و آن دیگر تمام شدنی نیست. ما نورستارگانرا بعد از میلیاردها سال می بینیم که تازه آنهم معدوم شده اند، یعنی ما شاهد وقایعی هستیم از زمان گذشته دور ولی درزمان حال، لذا باین نتیجه می رسیم که فضا و زمان بهم چسبیده وجدائی ناپذیرمی باشند ودیگرزمان کلاسیک تک بُعدی قدیم از بین رفته و **فضا زمان** ویا فضای چهاربعدی جای آن را گرفته است. فضا وزمان آنقدربهم متصل می باشند که اگر هر اتفاقی درهر نقطه ای ازجهان حادث شود آن درتمام نقاط دیگر جهان توسط زمان منتشر و منتقل می شود، منتها دربعضی نقاط زودتر وزیادتر و دربعضی دیگر دیرتر وکمتر حادث میگردد.

انسان خرفت خیال میکند فضا مستقل ویکپارچه بوده ولی زمان منقطع است درصورتیکه هر دو بهم آمیخته بوده ومتصل ویکنواخت می باشند. مثلاً وقتی ازفاصله دوربه کارگری که با پتک روی تیرآهنی میکوبد نگاه کنیم وقتی صدای هرضربه را می شنویم که او پتک را بالای سرخود برده وما تصوّرمیکنیم که صدای ضربه دراثر برخورد پتک با آسمانست. حال اگر جایمان را تغییر دهیم حوادث گوناگونی دریافت میکنیم که نشانه ترکیب زمان ومکانست. لذا می توانیم زمانرا بُعد چهارم بحساب آورده و میگوئیم که زمان تابعی است ازرویداد حوادث درجهان. برای اثبات اتصال فضا وزمان فرض میکنیم

در یک کوپه قطاری نشسته ایم و ازپنجره بکوه و دشت تماشا می‌کنیم، دربنصورت خیال می‌کنیم ما ثابتیم و آنها در جهت عکس در حال حرکتند. حال نفر دوّم که در کوپه دیگری بدون پنجره نشسته است خیال می‌کند که همه چیز ثابت است. راننده که در جلوی قطار می باشد خیال می‌کند که خودش و قطار ثابت بوده ولی ریلها از زیر پایش بسمت عقب در حال حرکتند. حال اگر شخصی بالای قطار راه برود و باطراف نگاه کند برداشتهای متفاوتی خواهد داشت. چون زمان برای همه یکسان می‌گذرد لذا این شرایط مکانهای مختلف است که اینطور مشاهده می شود یعنی فضا و زمان یکی بوده و ثابت اند ولی نحوه برخورد ما، که متغیر هستیم با آن متفاوت می باشد. هیچ چیز آنطوریکه می نماید نیست. گاهی درفواصل دور دو حادثه رخ می دهد که اوّلی قبل از دوّمی بوده و فاصله زمانی آندو را هم اندازه می‌گیریم، ولی این هرگز آن چیزی نیست که واقعاً رخ داده است زیرا اطلاعات رسیده از مکانهای مختلف متفاوت است. مثلاً نفر اوّل دو حادثه را متوالی می بیند و نفر دوّم در جای دیگر همزمان تشخیص می دهد و نفر سوّم ترتیب توالی دو حادثه را معکوس مشاهده می‌کند، و هزاران فرم برای هزاران ناظر دیگر حادث می شوند، این حوادث فقط به زمان و مکانهای مختلف بستگی دارند و بس. همینطور هم روزگار و حوادث در جهان بکار افتاده اند حال یکی آنرا زودتر و دیگری دیرتر می بیند، ازینرو حوادث تکوین و مونتاژشده از طرف طبیعت را که قرار است فردا برایمان پیاده شود ممکن است شخصی هنر اینرا داشته باشد که بصورت پیش بینی آنرا امروز به بیند. من برای اوّلین بار در جهان گفتم:

۱ — زمان از نوع ماده و انرژ یست زیرا زمان بر روی کلیه جمادات و نباتات و حیوانات عالم اثر کرده و آنها را روزی پیر و فرسوده و حتّی معدوم می سازد، چون آنها همه از نوع مادّی هستند لذا زمانهم بایستی مادی باشد که بتواند درمقابله با آنها چنین اثر مادی را داشته باشد.

۲ — زمان در روی یک سیکل بسته دایره ای شکل مدام در حال گردش و حرکت بوده و نقطه پایان آن خود نقطه شروع جدید می باشد و ازینرو دیگر تمام شدنی نخواهد بود.

۳ — با سرعت نور و یا در روی ستاره نوترونی جریان و گذشت زمان متوقف شده و بعد از عبور از دیوار نوری حتّی زمان به گذشته و عقب برخواهد گشت.

٤ — چون زمان از نوع انرژ یست لذا آنهم در صفر درجه مطلق از جریان افتاده و معدوم می شود ولی با کوچکترین حرارتی بازبجریان خواهد افتاد.

۵ — زمان ثابت است و ما جریان داریم و می‌گذریم.

خیلی مهم ★★ می دانیم که کلیه پداید عالم همه ازنوع موج و ارتعاش هستند، یعنی بصورت انفصالی عمل می‌کنند، ولی بنظر می رسد که زمان وفضا دیگر موجی ویا انفصالی نبوده و جای خالی هم بین ذرّات فرضی آنها وجود ندارد بلکه بصورت اتّصالی و بهم چسبیده می باشند. حال اگر قول می دهید که این بار هم دیوانه نشوید می‌خواهم برای اوّلین بار در جهان زمان و فضارا بدین شرح برای شما جرّاحی کنم:

اگر اجزاءِ ثانیه یعنی میکرو و نانو و پیکوثانیه و همچنین ذرّات فرضی فضا را میلیاردها میلیارد بار تقسیم کنیم به ذرّه فرضی کوچکی مثل دانه اتم می رسیم که آنهم چیزی مثل الکترون چرخشی و پرتون ثابت در وسط دارد. حال اگر این ذرّه فرضی اتم شکل زمانرا **گاهک** و ذرّه فرضی اتم شکل فضا را **جاهک** بنامیم، شکل و نامگذاری چیز فرضی الکترون شکل و چیز فرضی پرتون شکل آندو بصورت زیر تقسیم بندی می شوند:

گاهَک

۱ــ **گِرد گاهَک** (مثل الکترون دور می گردد).

۲ــ **میان گاهَک** (مثل پرتون در وسط است).

جاهَک

۱ــ **گِرد جاهَک** (مثل الکترون دور می گردد).

۲ــ **میان جاهَک** (مثل پرتون در وسط است).

حال اگر مغزتان ظرفیّت و کشش داشته باشد و پس نزند می خواهم بشما بگویم که در نهایت گاهَک همان جاهَک بوده و گرد گاهَک همان گرد جاهَک و همچنین میان گاهَک هم همان میان جاهَک بوده و خود نشان می دهد که زمان و فضا هم هر دو مادی بوده و نهایتاً یکی است !!!.

امواج مغزی یاضربان فکری * درسال ۱۸۷۵ میلادی دستگاه موج نگار و یا الکترو آنسفالوگرام و یا الکتروفیزیولژی توسط یک پزشک انگلیسی کشف شد. این دستگاه جریان الکتریسیته بافت های زنده بخصوص مغز و قلب انسان و حیوانات را نشان می دهد. در سال ۱۹۲۸ هانس بِرگر ثابت کرد که این جریان مستقیم نبوده و باید از نوع ریتمیک و متناوب باشد تا مغز بتواند مثل ضربان کار کند. شدت این جریان بقدری کم است که تازه سی ملیون برابر آن قادر است لامپ چراغ قوّه ای را روشن کند. حال اگر دو سوزن الکترود دستگاه را طرفین و بالا و عقب و جلوی کاسه سر بگذاریم چهار نوع موج از آن صادر می شود که چهار منحنی متناوب بنامهای **آلفا**، **بتا**، **دلتا**، **تِتا** در این نوسانات و **امواج مغزی** دیده می شوند.

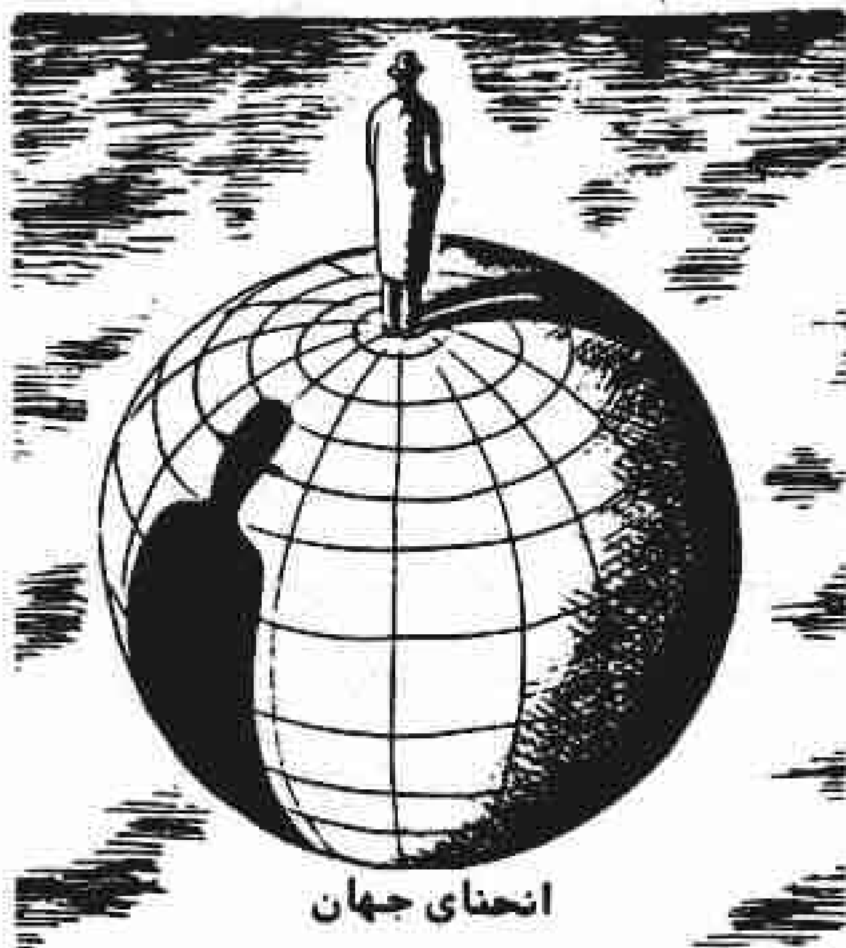
ریتم تناوب آلفا ۸ تا ۱۲ و **بتا** ۱۳ تا ۲۲ و **دلتا** ۱ تا ۳ و **تِتا** ٤ تا ۷ دور در ثانیه می باشد. آلفا مربوط به تفکّر و تأمل بوده و در موقع تمرکز فکر قطع می شود و بتا مربوط به جلوی مغز و فعالیت های شدید و پیچیده فکری و دلتا موقع خواب عمیق و تِتا مربوط به خُلق و خوی انسان می باشد. در اثر صدا و چشمک زدن و نگاه به نور شدید و محاسبه و استعمال و تزریق دارو این منحنی ها تغییر می نمایند. با دستگاه فوق می توان اشخاص عاقل، دیوانه، افسرده، گیج، غشی، آرام، عصبانی، بی باک و ترسو را تشخیص داد و به ناهنجاریهای مغزی آنان پی برد. امروزه از این دستگاه برای ثبت امواج لرزه نگاری در زلزله استفاده می شود. بدیهیست که امواج الکترومغناطیسی و جاذبه و گراویتون ماه و خورشید و سیارات و ستارگان جهان با امواج مزبور تداخل کرده و سبب بروز عکس العملهای گوناگون در مواقع مختلف می شوند. با تشدید این امواج می توان در ارتباط تله پاتی و ارتباط بین سایر موجودات عالم استفاده کرد، بطوریکه موجودات زنده از طریق این امواج حیاتی به اطلاعات خارجی خود می رسند. اغلب امواج الکترومغناطیسی مثل نور و همچنین صدا، فشار، تحریکات شیمیائی مثل بو، مزه، طعم و سایر پیامهای عصبی از این طریق رد و بدل می شوند. چون مدت تناوب این چهار نوع امواج مغزی درست شبیه امواج مادون صوت با تناوب ۱۰ تا ۲۰ فرکانس در ثانیه می باشد لذا غش و گیجی و تهوّع و بی باکی کاذب و بی دقّتی و عدم تعادل انسان را می توان با این نوع صدا تولید نمود و یا از بین برد. **پسیکو کینه سیس** و یا اثر اراده و ذهن بر روی اجسام مادی و **مَن یاتیزم** از این راه است. با پسیکو کینه سیس می توان عقربه ساعتی را متوقف و یا آنرا بعقب برگردانید، همچنین **پسیکو تله سیس** و یا دور جنبانی در اثر تقویت همین امواج است. در اثر تمرین می توان از این جریانات تا سیصد دین نیروی مکانیکی بدست آورد که در فرا روانشناسی و فوق طبیعت بسیار زیادمی باشد. آقای **میخائیلووا** با اراده ترین فرد جهان با تمرینات شدید خود توانسته است اول یک ارزن و بعد چوب کبریت و سپس سیگار و حالا یک خودنویس را بر روی میزی بحرکت درآورد، من می ترسم این بابا آنقدر پیشرفت کند که روزی بتواند جلوی گردش ماه را هم بگیرد!!.

هر چیز در همه جای عالم هست ** هر ذرّه از هر جسم در اطراف خود ارتعاش و امواج و پرتوئی نامرئی ساطع می‌کند که هرقدر از آن دورتر شویم بهمان نسبت شدت آن کمتر شده تا درفاصله بی نهایت اثر آن نزدیک به صفر گردد. حال موضوع را چنین بیان می‌کنیم که جسم درنزدیک خودش میلیاردها بار چگالتر است تا فاصله دورتر. مثلاً اگر یک حبّه قند درخانه داشته باشیم آنرا درتمام جای دنیا خواهیم داشت منتها با بوی کمتر. برای اثبات این باور دروسط دشتی یک تیغه اشعه نورساده ویا لیزر بطور مستقیم می تابانیم ودرفاصله صد کیلومتری نقطه اثر آنرا برروی آیینه ای می بینیم، حال یک مکعب فولادی بابعاد ده متر درفاصله یک متری اشعه موازی آن می‌گذاریم، حالا دیگر نورمستقیم نرفته بلکه بطرف مکعب خم می شود، این انحراف درروی آینه روبرومعلوم است. حال مکعب را بفاصله ده وصد و هزارمتری اشعه می‌گذاریم ومی بینیم انحراف نورمرتب کم شده ولی نسبت بحالت اوّل بازوجود خواهد داشت. لذا باین نتیجه می رسیم که این جسم با نقطه قوّتهای مختلف درتمام جهات فضا وجود داشته منتها درحوالی خودش زیادتر ودرفاصله دور کمتر می باشد. ازینروفضا مثل ظرفی است حاوی کلیه اجرام و اجناس عالم بطوریکه کلیه امواج و ارتعاشات بصورت بوی گراویتون مرتب با یکدیگر تداخل نموده و بگونه ای برروی هم اثر گذاشته وبنحوی ازحال همدیگر باخبر می باشند، چه رسد به ذهن برفراز ماده مغز انسانها که رسماً ازخود امواج الکترومغناطیسی و اتری درسراسر جهان ساطع می نمایند.

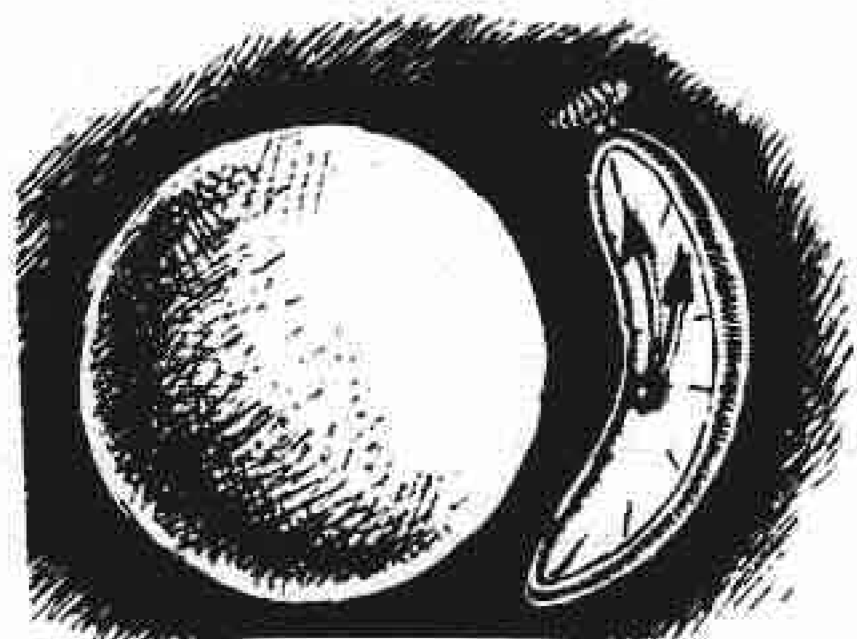
کیمیا گری ** قرنها بشر درتخیّلات کیمیا گری می سوخت زیرا همه چیز مجهول بود و چنین شایع بود شیئ بنام کیمیا وجود دارد که بهرچیز زده شود تغیر خاصیّت می دهد. درسال ۱۶۶۱ میلادی بویل کتاب شیمیدان مشکوک را چاپ و همه چیز منجمله کیمیا گری را روشن کرد. او دراین کتاب عقیده ارسطورا هم واژگون ساخت زیرا ارسطومعتقد بود جهان برمبنای عناصر اربعه یعنی آب و آتش و باد و خاک استوار بوده و طبع هر شخص مطابق یکی از این عناصر است. بعد از آن پریستلی اکسیژن را کشف کرد و لاوازیه آب و هوا را تجزیه نمود وسرانجام روترفورد با استفاده از ذرّات اشعه آلفای صادرشده ازیک منبع رادیو اکتیونیتروژن را بمباران کرد و آنرا تبدیل به اکسیژن نمود و از آن پس کیمیا ویا شیمیا گری رسماً مورد قبول واقع گردید، بطوریکه امروزه تبدیل فلزات بیکدیگر کارعادی هر آزمایشگاه است. سنگ کیمیا علاوه برتبدیل فلّزات قادربود طول عمر انسانرا هم بسیار کند. درموزه بغداد سنگهای کیمیائی وجود دارد که مربوط به چندین قرن قبل ازمیلاد مسیح می باشد. کوزه کیمیائی سفّالی پیدا شده که داخل آن یک هسته باتری الکتریکی وجود داشته است. درشهری متعلق بقوم مایا سنگهای بزرگی با نقوش برجسته وجود دارد که نشان می دهد آنها بدون لوازم فلزی با وسیله کیمیائی نرم وخمیری و بعد کنده کاری شده اند.

کیمیا گری دو قسمت متمایز دارد، اوّل بصورت آشکارو درروی اجسام جهت تبدیل عناصر وفلّزات بیکدیگر، دوّم بصورت پنهانی وبرروی انسان جهت تغییرماهیّت روانی مثل هیپنوتیزم وتله‌پاتی و دورجنبانی توسط نیروهای پنهان شده درطبیعت صورت می‌گیرد که این قسمت مورد نظرماست. من معتقدم کیمیا گری قبل ازآنکه پدرشیمی مدرن باشد پدر روانشناسی جدید است. درقدیم کلّیه اکتشافات علمی و افتخارآمیزترین کارها توسط کیمیا گران ومنجمین قبل از روانشناسان صورت می‌گرفته و کاوش آنها برای تماس ارادی با منابع قدرت مادّی ومعنوی ونفوذ دراعماق ذهن انسان جهت غلبه برضمیرخود وناخودآگاه اشخاص بوده است.

روح ** برای شناخت و احضار روح ملیونها کتاب درجهان منتشر شده که هیچکدام علمی و منطقی نبوده ولی ما با مثالی آنرا چنین توصیف می‌کنیم. ما یک موتور برق در انبار داریم که خاموشست، درینصورت او مرده و صدا و نور و حرارت و حرکت و صدور امواج مختلف و الکترومغناطیسی ندارد. حال آنرا روشن می‌کنیم تا تولید صدا و نور و حرارت و حرکت نموده و امواج مختلف و الکترومغناطیسی ساطع نماید و بعد خاموش می‌کنیم. حال ممکن است کسی پیدا شود که هنر این را داشته باشد که با وسیله ای باز همان صدا و نور و حرارت و حرکت و امواج صادر شده قبلی را که هنوز درفضا سرگردانست ظاهر سازد. عیناً همینطور است برای احضارکنندگان ارواح انسانهای مرده. شخص وقتی زنده است غذا می خورد و صدا و حرکت وفکر نموده و بعلّت وجود حرارت بدنش تشعشاتی بعنوان هاله انسانی ازخود صادر و همچنین بعلّت وجود الکتریسته بدنش امواجی بفضا ساطع می نماید که دلیل بر زنده بودن وتخیّل وفکر و اندیشه اوست. حال ممکن است باز شخصی پیدا شود که با هنرش بعد ازمرگ صدا و حرکت و امواج الکترومغناطیسی منتشر شده قبلی را به نحوی احضار نماید، جان مطلب اینجاست که اگر آن موتور برق و سایر اجسام عالم روح دارند پس انسان وحیوانهم ذی روح است، درغیر اینصورت روح مفهوم و وجود خارجی نداشته و هرپدیده ایکه هست با مرگ انسان معدوم می شود. مضافاً اینکه کلّیه اصوات وحرکات و امواج منتشره هم بعد ازچندی مستهلک و بعد معدوم خواهند شد. بامزه می‌گویند هرچه روح اموات می‌گوید درست بوده و ازو دستور هم می‌گیرند. خود انسان غلط اندیش بوده و هزاران دروغ هم می‌گوید چه رسد باینکه مرده باشد وبخواهد دوباره رهبری فامیل را بعهده بگیرد. وانگهی چرا همیشه آشنایان ویا ناپلئون و هیتلر ظاهر می شوند و همه شان هم بجای برهنگی دارای کت وشلوار ولباس هستند. گاهی می‌گویند روح ازبین نمی رود و ازاین جان بآنجان تغییر مکان می دهد وحتّی بجان حیوانات حلول می نماید. درجواب باید گفت روز اوّل که اوّلین حیات درزمین پیدا شد فقط یک روح بود پس حالا که میلیاردها حیات و روح وجود دارد ازکجا آمده اند و بعد ازفنای زمین و جهان بکجا خواهند رفت؟. حال می توان گفت که در اشخاص زنده مرکز نیروهای محرکه روانی وعضلانی وجود دارد که پس ازمرگ آنهم معدوم گشته و امواج الکترومغناطیسی ساطع شده قبلی هم بمرور جذب کوه ودشت ودریا شده و مغز مردگانهم امواج ساطع نمی‌کنند.



انحنای جهان



هر جسم عظیم فضا ــ زمان را خم می‌کند.

فوق نظریه * درفواصل بسیار دور کلیه حوادث درجهان خم می شوند.

**مهمّ * مهتاج کتاب ** ** شرق و غرب و شمال و جنوب هم مطلق نبوده و آنها هم نسبی میباشند. بطوریکه میدانیم کره زمین بدور خود و بگرد خورشید دائم در حال گردش است، ممکن است فاصله و یا سرعت آن روزی کم و یا زیاد شود ولی قدر مسلّم جهت حرکت آن همیشه ثابت بوده و محور گردش با خط قائم ۲۳/۵° درجه میباشد. چون امروزه ثابت شده است که محور زمین هم تغییر مینماید لذا بعد از چند میلیارد سال دیگر که این محور ۱۸۰° درجه تغییر نماید در اینصورت چنین بنظر میرسد که خورشید صبحها از سمت مغرب طلوع کرده و عصرها در شرق غروب مینماید و قطب جنوب هم در امتداد ستاره قطبی که شمال کره آسمانست قرار خواهد گرفت.

***

جاذبه مصنوعی ** تازگی دراروپا شایع شده است که اگر جسمی حول محورش دوران نماید تولید جاذبه جرمی می‌کند. من معتقدم که فقط در اثر گردش در پوسته خارجی آنجسم نیروی گریز از مرکز تشکیل می شود که ناشی از تجمّع وتراکم ذرات و ملکولهای آن جسم می باشد و چون چگالی در این پوسته زیادتر می شود لذا اجرام داخل و خارج جذب پوسته می شود. این جاذبه غیر قابل دوام بوده و در حال سکون از بین می رود درصورتیکه جاذبه جرمی نیوتون همیشگی است.

***

تله پاتیک ** تلقین و تمرکز فکر و ارسال مطلبی توسط شخص فرستنده برای شخص گیرنده را از راه دور **تله‌پاتی** می‌گویند. اوّلین بار آزمایش تله‌پاتی در ۱۹ آوریل ۱۹۶۶ میلادی بین **کامنسکی** فرستنده و **نیکلایوف** گیرنده بفاصله ۶۴۰ کیلومتری در شوروی انجام شد و بدینوسیله امواج مغزی و ضربان فکری شخصی از راه دور بدیگری منتقل گشت و دستگاه موج‌نگار مغزی منحنی های مربوطه را ثبت و ضبط نمود. این اثر وقتی رخ می دهد که گیرنده در حالت بی ارادگی و ناخودآگاهی و خالی ذهنی مطلق باشد. آزمایش دوّم ارسال تابلوی **شام آخر** بود که در آنموقع گیرنده خواب بود و بعد از بیداری تمام منظره و غذا خوردن دوازده نفر را گزارش داد. رابطه فکری میان دوقلوهای یکسان قویترین ارتباط تله پاتیست، زیرا کد فکریشان یکی بوده بطوریکه هردو دریک زمان گریه و خنده نموده و حتّی با هم مریض و خوب می شوند و این بهترین راه اثبات وجود طالع است. بطریق رادیوئی بین زمین و مشتری حدود یکساعت طول می‌کشد ولی از این راه چند ثانیه ای بیش نیست. اخیراً کشف گردید که ارتباط تله پاتی هیچگونه ارتباطی با فاصله و موانع ندارد. بعنوان مثال واقعی زن و شوهری در تهران ساعت ۳ بعد از نیمه شب خواب بودند، زن یکدفعه از خواب می پرد و چراغ را روشن می‌کند، شوهر بیدار می شود و می‌گوید چطور شده، زن می‌گوید یکدفعه خواب پسرم را که درامریکاست دیدم ودلم شورافتاد، مرد می‌گوید مگر دیوانه شدی بخواب. چند روز بعد تلفن بصدا درمی آید و تصادف و مرگ پسرش را از امریکا خبر می دهند، بعد از کسب اطلاع و تبدیل ساعات دو کشور معلوم می شود آن لحظه که مادر از خواب پریده مصادف با همان لحظه تصادف و مرگ پسرش بوده است. باید دانست **پُلی گراف** یا دستگاه دروغ سنج خارج از این مطلب بوده زیرا بوسیله اندازه گیری میزان مقاومت الکتریکی درپوست بدن انسان صورت می‌گیرد.

***

مهّم * زن ایرانی هرگز به خیانت شوهرش اعتنائی نمی‌کند.

نازائی ونادانی وخودخواهی ** بارها شنیده ایم که زنی نازا ومردی عقیم بوده وعمری را در افسوس بسر می برند. اگرعمیق بیاندیشیم وسواد آنرا هم داشته باشیم که اجداد ما رفتند وما هم می رویم وفرزندان ما هم خواهند رفت وملیونها سال دیگر کلیه انسانها و حیوانات و زمین وماه وخورشید از بین رفته و جهان بپایان خود می رسد و همچنین دست از خودخواهی برداریم و کلیه کودکان را فرزند خود فرض کنیم آنوقت دیگر اشکالی برای غصه خوردن باقی نخواهد ماند. شکی نیست که بین فرزندان هم ناجور پیدا می شود، ازینرو مگر فرزند معتاد و عقب‌مانده و دزد و قاتل و دیوانه وفاحشه افتخاری دارد که شما شیفته آن هستید. وانگهی با توجه به پیشرفت تمدن و انفجار شش میلیاردی جمعیّت در جهان تازه بشر افتخار می‌کند که قرص ضد حاملگی و عقیمی اختراع کرده که انسان دیگر بچه دار نشود، مگر فهم شما در جهان بیشتر از دانشمندانی چون نیوتون است که تا پایان عمر خود مجرد ماندند تا چه رسد باینکه بخواهند فرزندانی هم داشته باشند.

ooo

گذشت زمان اشتباه است، زیرا ما خودمان گذشت و جریان داریم و زمان پیوسته ثابت است.

ooo

دید چشم ** دید چشم بصورت یکنواخت و اتصالی نبوده بلکه آنهم مثل فیلم سینما بصورت انفصالی است. زیرا قدرت دید چشم بایستی بوسیله ضربانات الکتریکی و مغناطیسی به مغز انسان برسد، منتها تعداد دفعات و تناوب آن ملیونها بار درثانیه بوده که بصورت موج به مغز انسان منتقل می‌گردد.

ooo

درخت اَبرقو ** درخت سرو ابرقوی ایران حدود پنج هزار سال طول عمر دارد. این درخت همیشه سبز برای حفظ تعادل و بقاءِ خود چندین کیلومتر درعمق شن وماسه کویری ریشه دوانیده است. این درخت سرو شاهد بسی دود کباب و بوی شراب و دست افشانی و پایکوبی نیاکان ما درجشن های نوروزی و تیرگان و مهرگان و یلدا بوده و پیامبرانی مثل زرتشت و موسی و عیسی و محمّد را بخود دیده است. سبزی و قامت این درخت نشان می دهد که می خواهد سالیان دراز دیگری چون فرهنگ کهن ایران باستان همیشه پای برجا و استوار باقی باشد.

ooo

ماهی هم تشنه می شود، و آن وقتی است که درصد نمک آب دریا بالا می رود.

ooo

سدّ زمان ** دانشمندان قادرند که با زحمت و ریاضت خود سدّ زمانرا شکسته و بآینده نفوذ و حتّی پیش گوئی نمایند. پیش بینی با پیش گوئی جداست، مثلاً ایجاد خسوف و کسوف و زلزله و آتش‌فشان و ظهور ستاره دنباله دار مثل هالی و تغییرات جوّی را پیش بینی گفته ولی حوادثی مثل جنگ و صلح و تغییر تحولّات سیاسی و تولد و مرگ و انقلابات را پیش گوئی می‌گویند. درجهان افرادی هستند که با قدرت تخیّل و علم و هوش خود قادرند که حوادث آینده را که طبیعت قرار است مونتاژ و حادث نماید آنها را درک نموده و پیش گوئی نمایند، لذا پیش گوئی ناشی از تجمّع سه عامل مهّم زیر است:

هوش + علم + قدرت تخیّل = پیش گوئی

زلزله ** بعلت زلزله ۳۱ خرداد سال ۱۳۶۹ رودبار ایران بر آن شدم مطالبی چند دربارهٔ زلزله بیان کنم. بطورکلّی در روی کره زمین دو کمربند زلزله وجود دارد که یکی از آنها از تمام خاک ایران گذشته و تا کالیفرنیا ادامه دارد. کمربند ایران خودش بدو قسمت تقسیم می شود. یکی در زیر و موازی جبال البرز و دیگری در زیر و موازی جبال زاگروس می باشد. زلزله در اثر انرژی ذخیره شده در زیر پوستهٔ زمین بوده و درست به موازات سطح زمین صادر می شود. موج زلزله در اثر برخورد با زمینهای سنگی منعکس و همان پس لرزه راتولیدمی‌کند. پس لرزه که دارای گره‌وشکم است درمسیرخود ایجادتپه می نماید. صفحات بزرگ وضخیمی وجود دارند که دراثرهمین انرژی بزمین های اطراف فشارمی آورندتا اینکه بعدازسالها مقاومت سرانجام درزیرپوسته زمین تولید شکستگی وجابجائی وموج انفجارودرروی زمین تولید گسله و خرابی می نمایند. دو صفحه زلزله خیز هم اطراف زمینهای ایران وجود دارد که یکی از آنها از اطراف عربستان به زمین های ایران فشار می آورد. من معتقدم که در تمام حالات علّت زلزله همان ضربات و انرژی مواد مذاب داخل زمین است که بر پوسته زمین مثل خمیر نان تافتونی بر جدار تنور وارد می سازد. بطوریکه اگر جدار پوسته ترک داشته باشد آنوقت بصورت آتشفشان خارج می گردد. در سال ملیونها بار زمین می لرزد منتها همه آنها خفیف می باشند، بطوریکه هر ۳۰ ثانیه یک زلزله درسطح زمین حادث می شود، بعضی بیسوادان خیال می‌کنند که می شود روز زلزله را پیش بینی کرد، زیرا با سن ۴/۶۵ میلیارد سالی زمین و ابعاد و اندازه و جرم نجومی آن اگر بگوئیم درفلان سال و درفلان ناحیه زلزله می آید باز هم شاهکار کرده و دقیق گفته ایم چه رسد به تعیین روز و محل دقیق آن. ژاپنیها باین نتیجه رسیده اند که ۳۰ ثانیه قبل از وقوع زلزله در اثر شکسته شدن لوایح سنگی زمین بخصوص قشر کوارتز امواج مافوق صوت ساطع می شود که بعضی از حیوانات قادربدرک آن می باشند، ازینرو دستگاه خبرکن زلزله اختراع گردیده ولی چون این فرصت کم است لذا ارزشی ندارد، ولی جدیداً بعلت ثبت انتشار امواج الکترومغناطیسی صادرشده از شکسته شدن اقشار مختلفه زمین حدود ۶ ساعت قبل می توان زلزله را پیش بینی کرد که این زمان کافی و خوبست، این دستگاه روزبروز پیشرفت نموده و . وارد بازار خواهد شد. عمق زلزله بین ۷ الی ۱۸ کیلومتر است که ژاپنیها توانسته اند در چاهی به عمق ۴۰۰ متر دستگاهی را جهت دریافت ارتعاشات و امواج ناشی از زلزله نصب نمایند. ریشتر نام دانشمندیست که شدت زلزله را به ده درجه تقسیم کرده است، این درجه بندی تصاعد هندسی بوده وما لگاریتم آنرا می‌گوئیم. مثلاً اختلاف شدت بین ۶ و ۷ درجه ریشتر ده برابر می باشد. مدت زلزله مهم است، شدت زلزله ارمنستان ۸/۸ و رودبار ایران ۷/۳ بود ولی تلفات ایران چند برابر گردید زیرا مدت ارمنستان ۱۰ و برای ایران ۶۰ ثانیه گزارش شده است. پوسته زمین قادر است تا ۹ درجه مقاومت نماید وساختمانها را درمقابل ۷ درجه محاسبه می نمایند، چون ساختمانها بصورت موج ارتعاشی مثل گهواره تکان می خورند لذا درزیرآنها چوب ولاستیک وفنرقرار می دهند. مرکاری شدت زلزله را به ۱۲ درجه تقسیم کرده یعنی هر درجه ریشتر ۱/۲ مرکاریست. درجه ریشتر بر حسب انرژی تخلیه شده می باشد که علمی است ولی درمقیاس مرکاری شدت زلزله که بجان ساختمانها وارد می شود و از نظر مهندسی مهم است ملاک قرار می‌گیرد.

«بیا تا یک زمان امروز خوش باشیم درخلوت»

«که درعالم نمی داند کسی احوال فردا را»

خودکشی نسبی است ** پدیده تولد و مرگ هردو جبر بوده ولی زندگی اختیار است. حال انسان چقدر باید دیوانه و خرفت باشد که بخواهد با دست خود زندگی و اختیار را از خود سلب نموده و به جبر نا سلوم زمان کمک نماید. ولی فرض می‌کنیم جوانی سالم و شاداب عنوان ولیعهد داشته و قرار است بعد از عروسی با دختر زیبای سلطان کشور مجاور ش پادشاه شود، و شخص پیر و علیل و زندانی دیگری هست که قرار است بعد از چندین بار شکنجه وقطع دست و پا و کوری چشم اعدام شود. حال اگر ایندو خودکشی نمایند، با توجه به فرضیّه نسبیّت اوّلی را دیوانه و بی شعور و دوّمی را عاقل و دانا محسوب می دارند، حال با این حساب اگر خیال خودکشی دارید مختارید!.

***

آن چیزیکه باعث قتل همسر می شود دروغ است نه خیانت.

کِشو زاغیان ** برای تعیین رستاگر و میزان توافق اشخاص با یکدیگر از طریقه کشو استفاده می شود و آن بدینطریق است که تاریخ تولّد طرفین مورد قیاس را با هم بصورت کشوئی جلو و عقب می‌کنیم تا یکی از آنها در وسط مرداد یعنی مرکز ثقل سال چینی قرار گیرد و آنگاه قیاس می‌کنیم، و بهمین طریق در رستاگر غربی تاریخ تولّد ماهیانه هردو را بصورت کشوئی آنقدر به جلو و عقب می‌کشیم که یکی از آنها درپانزدهم ماه قرار گیرد و سپس از روی جداول توافق.تفاهم آندو را قیاس می‌کنیم.

***

چه بسا کسانی هستند که تا صد سالگی اخلاق خود را نمی شناسند تا رستاگری پیدا شود وآنرا آشکار سازد.

انواع آلودگی ** علاوه بر آلودگی فضا مثل دود و گرد و غبار جوّی آلودگی صوتی و تصویری و بوئی هم برای انسان وجود دارد. آلودگی صوتی ناشی از سر و صدای اشخاص و ماشین و موتورسیکلت و کارخانجات می باشد که نمونه هائی از آنهم از رادیو و تلویزیون و حتّی بلندگوی مساجد درنیمه شب پخش می شود، این آلودگی گاهی تا ۹۰ دسیبل می رسد که سبب ناراحی ذهنی و روانی و پریشانی و کم شدن انرژی درحافظه و مغز انسان می‌گردد. آلودگی تصویری دراثر زشتی تصاویر و خیابانها و اشخاص و رنگها و مناظر ناهنجار و پیچ و خم و پستی و بلندی جاده ها و کج و معوج بودن در و دیوار و ساختمانها می باشد که مقداری از آنهم ازطریق تلویزیون وتبلیغات و شعارها که منظره دید ما را اذّیت می‌کند به معرض نمایش درمی آیند. آلودگی بوئی هم دراثر کثافت و نجاست و تعفّن و فساد محیط بطور ناهنجار درفضا منتشر می شود که انسانرا آزرده خاطر و کلافه می سازد. برعکس سبزه و گل و گیاه و درخت و رودخانه و برف و جنگل و کوه باعث رونق طراوت و زیبائی محیط و آرامش خاطر انسان می‌گردد. حال اگر من قادر باشم که آلودگیهای نامبرده بالا را تحمّل نمایم هرگز قادر نخواهم بود که آلودگیهای تبلیغات واهی و خرافی و پس گرائی را که برما می رود تحمّل و تقبّل نمایم!.

. گرنکو بی شیشه هفت رنگ بسنگ . هفت رنگش میشود هفتاد رنگ.

***

انسانها با ملیونها واژه ارتباط، به یکدیگر دروغ می‌گویند ولی حیوانات با همان چند کلمه صدای خبری، بهمدیگر راست می‌گویند.

در زمین بوی پیری می آید ★★ می دانیم که روز ۱۲ ژوئیه برابر با ۲۱ تیر ماه هر سال روز صندوق جمعیّت جهانی زمین نامگذاری شده است. آمار روز ۷۰/۴/۲۱ ایرانی نشان می دهد که جمعیّت زمین از مرز ۵/۴ میلیارد نفر گذشت. در حدود صد سال پیش که آمارگیری متداول گشت تعداد نفرات زیر ۱۵ سال کره زمین حدود ۲۰ درصد و نفرات بالای ۶۵ سال حدود ۵ درصد بوده است، با آمارگیری اخیر معلوم شد که نفرات زیر ۱۵ سال به ۱۲ درصد و نفرات بالای ۶۵ سال به ۱۵ درصد یعنی سه برابر افزایش یافته است، لذا بوی پیری کره زمین را فرا گرفته و این خود زنگ خطریست برای قرون آینده مردم روی زمین، زیرا با بهبود وضع بهداشت و دارو و تغذیه خوب و سواد بالای مردم زمین ممکن است روزی نفرات بالای ۶۵ سال از مرز ۹۰ درصد هم تجاوز نموده و نظم جهان بهم خورده و سرویس تغذیه و خوراک رسانی مردم آشفته گردد. من معتقدم که در آینده بعلّت افزایش و انفجار جمعیّت زمین و کمبود مواد غذائی و مسکن و امکانات زندگی باید روشی اتخاذ شود که به نحوی پیران فربه و سالم خوراک جوانان و میانسالان شده و علیل و مریضان روانه کارخانجات شیمیائی و صنعتی و داروئی و صابون و شمع سازی و کود شیمیائی گردند تا تعادل در کره زمین حفظ شود. مثلاً پلیس مخصوص و یا شکارچیان پیران را جمع آوری نموده و بعد از بیهوشی به کشتارگاه انسانها جهت تهیه آذوقه روانه نمایند. همه بخاطر داریم وقتی در کودکی شیطانی می‌کردیم والدین ما را تهدید می‌کردند که اگر تکرار شود تو را به لولومی دهیم تا بخورد، حال روزی فرا می رسد که کودکان به پدر و مادربزرگها می‌گویند که اگر این بار هم شیطانی بکنی تو را به پلیس کشتارگاه معرفی خواهیم کرد!.

قانون استاندارد ★★ بعلت افزایش و انفجار جمعیّت و احتیاجات و کمبود مردم کره زمین اصلاً در آینده نمی توان غیر استاندارد زندگی کرد.

زرتشت ★★ حدود چهار هزار سال پیش اشو زرتشت پیامبر راستین و بحق پدر جدّان و مادر جدّان ما ایرانیان بوده است. او در بین ۱۲۴ هزار پیامبریکه در روی کره زمین حلول کرده اند هرگز ادعای پیامبری نکرد و بخرافات خود را رسول خدا هم نخواند، زیرا می دانست همه رسول خدا هستند، ولی دائم برای پروردگارش درود می فرستاد و سپاسگزاری می‌کرد و حتّی ۱۰۱ نام روی پروردگار متصّور اندیشه اش گذاشته است، فقط عده کمی از مردم بعداً او را پیامبر خویش نامیدند. او دستورات خود را بصورت سرودهای آهنگ دار بنام **سرودهای مینوی گاتها** می خوانده است و بن نوشت **خرده اوستا** یکی از ترماندهای فرهنگی ایران باستان است (میراث). زرتشت هم فیلسوف و هم منجم و هم دانشمند بوده و در عنفوان جوانی بخاطر عشق به میهنش ایران در جبهه جنگ کشته شد. او پیوسته بعنوان راهنما مردم را هدایت می‌کرد، او عصاره گفته تمام پیامبران را در سه جمله متراکم و خلاصه کرده است که جنبه فلسفی و معنوی و راهنمائی داشته و هرگز بوی خرافات نمی دهد و حتّی نام خدا هم در آن نیست، و تا روزیکه جهان ما در داخل جهان بزرگ مطلق هستی موجود تکروندی می طپد معنی و ارزش آن بیشتر شده و طرفدارانش افزونتر می‌گردد، بطوریکه کلیه ادیان هم آنرا قبول کرده و شما هم قبول خواهید کرد و آن اینست:

«پندار نیک»

«گفتار نیک» **«کردار نیک»**

**جان کتاب * انجماد زمان ** ** هر چیزیکه در جهان جریان داشته باشد جاری و یا سیّال و اگر جریان خود را از دست بدهد در آنصورت منجمد نامیده میشود. پدیده زمانهم همینطور است مثلاً اگر با سرعت نور پرواز کنیم به اصطلاح زمانرا منجمد ساخته‌ایم. با توجه باینکه جرم یعنی ماده و انرژی یعنی نور و حرارت و انرژی از ماده ناشی میگردد لذا میتوانیم بگوئیم که طول و عرض و ارتفاع هم که بایستی ابعاد ماده را توجیه نماید آنهم از نوع ماده و انرژی خواهد بود. تا اینجا مقدمه گفتم اگر قول میدهید که دیوانه نشوید میخواهم بشما بگویم که زمان و گذشت زمانهم از نوع ماده و انرژ یست!! در صفر درجه کلون یعنی ۲۷۳- درجه سانتیگراد که هیچ‌چیز دیگر قادر نیست در جهان وجود داشته باشد و حتی ماده محو و نابود میشود لذا در اینصورت گذشت زمانهم متوقف میگردد ولی اگر حتّی یک عدد اتم جرم هم در آن حوالی باشد همان سبب خواهد شد که بعد از ۱۳۰ میلیارد سال دیگر زمان از انجماد و مرگ خود نجات یافته و مجدداً بجریان افتد. همچنین وقتی جهان بپایان کار خود میرسد یعنی دیگر نور و حرارت و صدا و نیرو و جاذبه وجود نداشته باشد باز در آنصورتهم زمان منجمد شده و متوقف میگردد ولی باز بعد از یک مکث طبیعی بعلت وجود حتی یک الکترون جرم بحالت سیال خود درآمده و بجریان خود ادامه میدهد ازینرو من معتقدم در طبیعت جریان زمان دیر و زود دارد ولی سوخت و سوز ندارد.

***

**مهمّ * جاذبه هم نسبی است ** ** در زمستان سال ۱۳۶۷ ایرانی در جنوب شوروی ناگهان جاذبه و ثقل کرهٔ زمین برای مدتی تغییر نمود و بصورت عکس یعنی ضد جاذبه و یا جاذبه منفی درآمد بطوریکه آب و توپ بطرف سربالائی حرکت میکردند و چند روز بعد هم زمین لرزه شدیدی با شدت ۸/۸ ریشتر بوقوع پیوست و ساختمانهای اطراف را ویران کرد و جان دهها هزار انسان بیگناه را گرفت و عده زیادی را هم در زمستان سرد بی خانمان ساخت.

***

**طبیعت هم حرکت و زندگی میکند ** ** بفرض اگر یک دوربین فیلم‌برداری درچند میلیارد سال پیش در سر قلّه دماوند نصب میکردیم و هر ۱۰۰۰ سال یک فیلم از اطراف برمیداشتیم و سپس آنها را سرهم میکردیم و نمایش میدادیم آنوقت مشاهده میکردیم که یک دریای بزرگی وجود دارد که ماهیان و نهنگ‌ها در آن شناورند و سپس در اثر وزش باد و تابش نور خورشید آب رفته رفته پائین میرود تا جائیکه خشکی و کوهها ظاهر میشوند و بعد در اثر فشار کوهها چین‌های طاق‌دیس و ناودیس و چرخش قشر زمین هویدا میگردد و آنگاه درختان و گیاهان میرویند و حیوانات اهلی و وحشی و خزندگان عظیم‌الجثه ظاهر شده و مرتب زمین‌لرزه و آتش‌فشان در کوهها حادث میگردند و در اثر ریزش برف و باران رودخانه‌ها جاری شده و محیط آماده زندگی میگردد. حال اگر تعداد این دوربین‌ها را زیاد کنیم مشاهده خواهیم کرد که این حرکت و زندگی در کلیه نقاط دیگر جهان به همین نحو ادامه خواهند داشت.

***

مهّم * آیا تا بحال می‌دانستید که حوادث و برنامه‌های پیش‌آمد شده از طرف طبیعت درستر و باصلاحتر از فکر و اندیشهٔ خود شماست؟.

بیوگرافی نویسنده کتاب ** من در ساعت ۱۸ روز ۱۳۱۱/۸/۲۲ ایرانی مطابق با ۱۹۳۲/۱۱/۱۳ میلادی در محل سنگلج تهران روبروی کاخ دادگستری یعنی درب پارک شهر فعلی بدست زیور قابله کلیمی پای بعرصه گیتی نهادم و چون مصادف با روز ۱۳ رجب سال ۱۳۵۱ قمری بود اسم کوچکم را با خود آوردم و بپاس قدردانی که خاص تهرانیان است فرضیّه زیور،کتابرا بنام او تقدیم داشتم. پس از طی دوره دبستان هاتف در عباسی و دبیرستان پیرنیا در مولوی به مدرسه نظام رفتم و سپس هم‌زمان به دو دانشکده سخت یعنی دانشکده افسری و دانشکده فنّی دانشگاه تهران راه یافتم و بعد از اتمام سالها استاد علوم مکانیک و مقاومت مصالح و نقشه‌برداری و دروس مهندسی شدم. مدتی در نیروی زمینی و نیروی هوائی و بخش خصوصی خدمت کردم و بعد یکبار در جهت گردش زمین بین مدارهای ۱۵ْ و ۵۵ْ درجه از طریق پاکستان، هند، تایلند، هنگ کنگ، ژاپن، هنولولو، امریکا، انگلیس، تهران بدور کره زمین مسافرت کردم. فکر و تخیّلات اینشتن مانند سفینه‌ای بود که در آن سوار شدم و درست به نقطه دلخواه خود فرود آمدم. فرضیّه نسبیت او را مطلق افکار خویش ساختم و آنگاه پی به ارزش واقعی و مطلق عدد ۱۲ بردم و اسراری را نیز آشکار ساختم. در سن ۵۲ سالگی فرضیه طول و جرم و زمان منفی و فوق اندیشه و همچنین جهان بزرگ مطلق هستی موجود تکروندی و کلید مغز انسان و جان و مهتاج و زینت و زیور کتاب را برای اولین‌بار در جهان ارائه نمودم. از کودکی بورزش شنا و کوه‌نوردی و تفریحات سالم علاقه فراوان داشتم و مخالف هرگونه فساد و آلودگی و اعتیاد بودم. چون بین پدیده‌ها عشق را به مطلق نزدیکتر دیدم لذا در زندگی عشق را گزیدم و در میانسالی عشق را هم معطوف ستارگان و جهان بزرگ مطلق هستی موجود تکروندی خود کردم. قبل از اینکه طبیعت و جهان من را بزیر بکشد و از من هیچ بسازد اندکی بر گرده آن سوار شدم و با تازیانه عشق با او سواری و حتی تاخت کردم و لذّت بردم و اکنون دیگر هیچگونه طلبی از آن ندارم و منتظر افکندن هستم. و **مایلم در کوههای البرز مرکزی ایران مدفون گردم.**

ooo

تعریف جونگ زندگی ** جونگ یعنی مجموع برنامه هائیکه در حول یک موضوعی گردش می‌نماید. زندگی درست مثل یک نمایشنامه فیلم می‌ماند که عنوان آن با توجه بگذشته توسط شخصی مطرح و بعد وسیله دیگران نوشته و سپس توسط عده‌ای دیگر اجرا و وسیله مردم تماشا و نتیجه گیری می‌شود و این موضوع تا ابد پی‌درپی ادامه خواهد داشت (صفحه ۳۹۸). هر شخصی به نحوی در یکی از قسمت‌های این نمایشنامه بازی و انجام وظیفه می‌نماید، حال این مجموعه را جونگ زندگی بشر می‌گویند. مثلاً فکر تشکیل حکومت جمهوری اولین بار توسط **سقراط** در یونان طرح‌ریزی شد و تازه در قرن بیستم در جهان بوقوع پیوسته است. نیروی طبیعت آنچنان قویست که کلیه غرایز انسانی را پیر و فرسوده می‌نماید ولی میل به تفریح و تنوع تا آخرین لحظات زندگی باقی می‌ماند، لذا می‌توان میزان و شدت پیری مغز شخصی را بدین طریق سنجید و اندازه گیری کرد، غم و غصّه و لذت و شادی در نهاد انسان در طول عمر هرگز ذخیره نمی‌شوند تا بتوان روزی مثل باطری از آنها استفاده نمود ولی هنر و علم و دانش در ضمیر ناخودآگاه انسان ذخیره شده و می‌توان روزی از لذّت و مزایای آنها استفاده نمود.

شنای زاغیان ** انسان جانوریست زمینی، هوایی، دریایی که از نظر فیزیکی در اصل آب‌شش است، زیرا اگر شخصی بمدت دو دقیقه در زیر آب بماند خفه می شود، حال اگر بچه ای را در همان لحظه تولّدش در آب رها کنیم در زیر آب زنده باقی خواهد ماند زیرا مدت ۹ ماه او در رحم مادر در داخل آب قرار داشته و بصورت آب‌شش زندگی کرده است، از اینرو هر حیوانیکه در خشگی هست نظیر آنهم در آب وجود داشته و انسان باید شنا را خوب بیاموزد تا اینجا مقدمه گفتم. امروز عزم آنرا دارم که دست مایهٔ عمر خویش را که مقدّس ترین برآیند خوشه های فرایند زندگیم می باشد بعنوان چلچراغ راه ورزش یعنی شنا برای جوانان با معرفت امروز جهان تقدیم تا انجام وظیفه ورزشی کرده باشم. من یک علف بچه بودم که در استخر ابر پوش امجدیّه قهرمان شنای مدارس کشور شدم و سالهای بعد به اخذ دیپلم شنای مقدماتی و فنّی و غریق نجات نائل آمدم. بدانید کشورهائیکه از شناگران ماهر و بسیار قوی در سطح جهانی برخوردار هستند عبارتند از: **امریکا * شوروی * آلمان * کانادا * استرالیا * زلاندنو * رمانی * چک واسلاواکی * هلند * فرانسه** * شناگران این کشورها شنا کردن را از دوره دبیرستان شروع و تا پایان دانشگاه ادامه می دهند، آنها روزانه حدود ۱۲ کیلومتر شنا کرده و در تمام فصول سال انجام می دهند، امریکا ۸۰۰۰ تیم شنا و ۲۴۰ هزار نفر شناگر دارد، آنها همه روزه در استخرهای شنا اعمّ از سر پوشیده و یا روباز حاضر شده و به تمرین می پردازند، این تمرین ها گاهی تا حدود ۱۲ ساعت بطول می انجامد و در حین شنا فقط مونس آنها اراده و افکارشان بوده و هوائی که تنفس می نمایند هوای مرطوب کلردار محوطه استخر بوده و تنها منظره دید آنان کاشی کف استخر می باشد که آنهم بطور مبهم دیده می شود ولی هدف آنان بسیار روشن بوده و آن رسیدن به سکّوی قهرمانی است. قهرمانان در تمام سطوح حرکت پیوسته سعی می نمایند که حرکت دست و پایشان تقویت شده و با تنظیم حرکات بدن به سرعت و استقامت بیش از حدّ معمول نائل آیند. در تمام طول عمر می توان شنا کردن را آموخت و حتّی به مدارج قهرمانی رسید ولی بهتر است که از دوران کودکی یعنی در سنین ٤ الی ۵ سالگی بیاموزیم. شنا ورزشیست سالم و زیبا و نشاط آور، ورزشیست مورد علاقه بانوان جهان. شنا انسان را خوش اخلاق و با گذشت و راستگو و پرهیزکار تربیت می نماید. بهترین رکورد سرعت و استقامت جهان در اختیار زنان است زیرا وزن مخصوص بدن آنها کمتر می باشد، تا کنون هیچ وسیله ای در جهان پیدا نشده که بتوانند مانند آب شفّاف دریا اندام انسان بخصوص زنان را آنطوریکه طبیعت زیبا آفریده است قشنگ‌تر و جذّاب‌تر در معرض نمایش و دید انسان قرار دهد، آب دریا برای تقویت پوست بدن و موی سر و رشد ناخن ها بسیار مفید می باشد. شناهای متداول و کلاسیک امروزی جهان عبارتند از: **کرال سینه * کرال پشت * قورباغه * قورباغه پشت * پروانه جلو * پروانه پشت * پهلوی راست و چپ** * شنای پروانه و کرال مخصوص استخر بوده و برای سرعت از آن استفاده می شود ولی شنای قورباغه و شنای پهلو مخصوص دریا و استقامت است:

۱ــ شنای کرال ** نحوه آموختن شنای کرال سینه باین طریق است که ابتدا روی آب بطرف استخر دراز کشیده و دستان و پاهای خود را راست و کاملاً جفت می نمائیم و سر را بین دستان نگاه داشته و تا پیشانی در آب فرو می‌کنیم، سپس دست چپ را مانند پارو بطور صاف و عمودی بطرف پائین رانده و پس از شکافتن آب آن را بطرف شانه چپ و بعد بطرف جلو مانند حالت اول رها می سازیم، وقتی دست به شانه چپ نزدیک می شود سر بطور آرام بطرف چپ گردش کرده و با دهان نفس می‌کشیم و این عمل را

عیناً برای دست راست بدون نفس کشیدن تکرار می‌کنیم، هم‌آهنگ با این حرکات پاها که قبلاً بطور کاملاً صاف و جفت روی آب قرار داشتند بدون خم شدن و شکستگی روی آب مرتباً ضربه وارد می سازند تا آب کف نماید، این ضربات ٤ بار در ثانیه و ارتفاع بین پاها معمولاً یک وجب می باشد، هرقدر دستان و پاها کشیده‌تر باشد و بدن آرامتر بطرفین گردش نماید و همچنین پنجه دستان و پاها کاملاً بسته باشد سرعت و استقامت در آب بیشتر خواهد شد. در شنای کرال که مخصوص سرعت می باشد کلیه اندامهای بدن مانند دست و پا و اعضاء دیگر بدن از قبیل ریه و قلب در فعالیّت شدید بوده و باعث ورزیدگی آنها می شود. شنای کرال در کشش قد فوق العاده مؤثر بوده و این شنا برای جوانان بین ۱۲ تا ۲۰ سال بسیار سودمند می باشد.

۲ — شنای قورباغه ** نحوهٔ آموختن شنای قورباغه باین طریق است که مانند حالت قبل ابتدا روی آب کاملاً صاف دراز می‌کشیم و دستان و پاهای خود را خوب جفت نموده و پنجه دستان و پاها را بسته و سر را بین دستان محکم نگاه می داریم و سپس دستان را بدون خم شدن بطرفین دو شانه رها ساخته و بعد از جمع کردن در سینه آنها را مانند حالت اول بطرف جلو پرتاب می نمائیم. در حین رها کردن دست بطرف جلو سر را اندکی از آب بالا آورده و با دهان نفس می‌کشیم. همزمان با این حرکات پاها را که بصورت کاملاً صاف و جفت روی آب قرار داشتند بدون خم شدن بطرف باسن جمع کرده و بعد از باز شدن بشکل ۷ مجدداً مثل حالت اول جفت می نمائیم. این حرکت را قیچی نیز می‌گویند، جفت شدن پاها باید در زمانی صورت گیرد که دستان هم بطرف جلو جفت شده و سر تا پیشانی داخل آب قرار گرفته باشد، شنای قورباغه از روی حرکات بدن قورباغه در آب برداشت شده ولی شنای کرال اختراع انسان است.

حال برای آفتاب گرفتن می دانیم که نور خورشید برای بدن بسیار مفید بوده و اغلب ویتامینها مثل آ و دِ و همچنین کلسیم در مجاورت نور خورشید جذب بدن انسان می شود ولی آفتاب دارای اشعه آلفا — بتا — گامّا می باشد که این سه نوع اشعه برای پوست بدن زیان‌آور می باشد، از همه مهمتر اشعه گامّا دارای طول موج بسیار کوتاه بوده و خطر آن از دو نوع اشعه دیگر بیشتر است، اشعه گامّا بقدری نافذ است که براحتی می تواند از روی خود استخوان سر عبور کرده و روی مشاعر مغز انسان اثرات بدی جایگزین نماید. نور زیاد خورشید باعث فاسد شدن و تاول زدن سطح بدن انسان می‌گردد، برای جلوگیری از گزند نور خورشید و بهره‌مند شدن از خاصیّت آن باید مدت آفتاب گرفتن را کوتاه نموده و قبل از حمّام گرفتن آفتاب بدن خود را با کرم های مخصوص و یا حدّاقل روغن های معمولی چرب نمائیم و سعی کنیم که آفتاب بطور عمودی به بدن ما نتابد و در موقع شدّت نور آفتاب یعنی ساعات بین ۱۱ الی ۱۵ زیر نور خورشید سوزان نرویم و پیوسته از یک کلاه سفید آنهم پارچه ای که سبب انعکاس نور خورشید می شود استفاده کنیم. چنانچه آفتاب گرفتن بطریق فوق انجام گیرد علاوه بر اینکه ضرری متوجه انسان نمی شود بلکه پوست و استخوان و ناخن و دندانها از این راه تقویت شده و باعث از بین رفتن اغلب دردها از بدن خواهد شد.

برای لاغر شدن می دانیم که بدن انسان از دو نوع بافت تشکیل گردیده است، یکی بافت و عضلات فعّال و مفید بدن، و دیگری بافت و سلولهای غیرفعّال و تنبل بدن. بافت های غیر مفید همان پی و چربی و چاقی را در بدن انسان تشکیل می دهند چنانچه خوب دقّت شود ملاحظه خواهیم کرد که انسان با تمام هوش و ذکاوت خود یک حمّال مفت بی چون و چرا برای حمل ونقل این وزن اضافی مضّر که گاهی

سبب سکته نیز می‌گردد تا آخر عمر می باشد و هیچگونه مزدی بابت آن دریافت نکرده وحتّی جان خود را در این راه از دست می دهد. حال به بینیم در اثر فعالیّت کردن چگونه می توان این وزن اضافی را از بدن دور ساخت و خود را لاغر کرد. درموقع شنا کردن عضلات مفید بدن درمجاورت املاح آب دریا ورزش کرده و با جذب موّاد مفید کاملاً تقویت می شوند، در همین موقع سلولهای غیر مفید و همچنین پی و چربی اضافی بدن بکار افتاده و در اثر ورزش می سوزند و حل می شوند و از بدن انسان خارج می‌گردند. برای روشن شدن مطلب بهتر است بـاین مثال توجه نمائیم. شخصی دارای وزن ۷۰ کیلوگرم است، وزن این شخص بعد از چند ماه شنا کردن درآب به ٦٥ کیلوگرم تقلیل می یابد، در وهله اول خیال می‌کنیم این شخص ۵ کیلوگرم لاغر شده است درصورتیکه اینطور نیست و مطالعه دقیق علمی نشان می دهد که این شخص ۷ کیلوگرم از بافت های تنبل خود را آب کرده ولی در عوض ۲ کیلوگرم در اثر ورزش وترمیم به بافت های مفید به بدن خود افزوده است. پس دیدیم در اثر شنا کردن بدن انسان دو کار مهمّ انجام می دهد اول آنکه بافت و سلولهای مفید بدن را تقویت نموده وآنها را ترمیم می نماید ودوم اینکه پی وچربی اضافی بدن را می سوزاند و ازبدن خارج می سازد. حال از این راه می توانیم بدن را تا حدّ زیادی لاغر کرده وبه اندامهای زیبا که نمونهٔ شخصیت ظاهری امروز انسانست دست یابیم.

بمنظور بهره‌مند شدن از آب دریا می دانیم که وزن مخصوص آب خالص یک بوده و این وزن مخصوص برای آب دریا به رقم ۱/۰۲۲ می رسد، این افزایش وزن ناشی از وجود املاح معدنی در آب دریا بوده و قسمت اعظم املاح عبارتند از: **نمک ها * سولفاتها * فسفاتها * بُرم * یُد * پتاسیم *** وغیره. این املاح برای پوست و استخوانها وسایر اعضاءِ بدن مفید بوده و هرکدام دارای خاصیّتی می باشند. نمک محلول درآب دریا باعث ضد عفونی و از بین بردن میکروبهای داخل چشم و گوش ودهان وبینی و اندامهای آمیزشی شده و گوگرد موجود درآب دریا سبب از بین رفتن شوره سر می شود. در موقع شنا کردن بعلت تماس بدن با آب دریا سولفاتهای محلول درآب از طریق منافذ پوست وارد بدن وخون شده وسپس به اعضاءِ داخلی نفوذ کرده و ازینروباعث رونق وحسن انجام کار کبد و کلیه ها خواهد شد. بُرم ویُد و املاح معدنی دیگر جذب پوست بدن شده وبا مجاورت نورخورشید سبب تقویت پوست و استخوان در بدن می شوند. چنانچه از آب گرم دریا استفاده شود مثل اعمال فیزیوتراپی می توان کلیه دردهای مفاصل را از بین برده وحرکات مفاصل را تقویت و کارآنها را روانترساخت. درخاتمه متذکر می شوم در کلیه حالات فوق بایستی سعی شود بعد ازصرف غذا داخل آب نشوید وحتّی الامکان درشب های تاریک که ایجاد حوادث گوناگون می شود وارد آب دریا نشویم. همه می دانند که شناگران وآب بازان مردمی بسیار باصفا وخون گرم و باهوش می باشند، این صفای باطن الهام ازپاکی ودرخشش آب دریا وخون گرمی آنان ناشی از گرمی لایزال نورخورشید وبالاخره هوشمندی آنها بعلت جذب املاح مفید آب نیلگون دریا می باشد، و این موضوع سبب شده است که شناگران دارای روحیه ای شادتر ودلی پاکتر وعمری طولانی تر ومردمی موفّق‌تر ازسایر مردم جهان معرفی گردند.

ooo

«چون پایانی نداریم آغاز دگر»